۱۳۸۷ / ۲ / ۹

آستان قدس

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب انوار المؤمنین ناقص الآخر

مؤلف متن محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تحریری تعداد سطر ۱۶

موضوع اخبار زبان فارسی عدد اوراق ۱۱۹

طول ۲۱ عرض ۱۵ شمارهٔ عمومی ۲۷۲۸۷

وقفی / خریداری آستان قدس رضوی

تاریخ وقف خریداری شهریور ۸۰ نام کاتب

ملاحظات

رغبت نمایند واین روسیاه را بدعای خیر یاد وشاد فرمایند امید که جناب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد واله الطاهرین بعد حمد ۱
از برای خداوندی است که سهل گردانید از برای ما رفتار کردن بر وفق شرایع
دین را و واضح گردانید از برای ما علامتهای آن را و بیان کرد از برای ما
راههای یقین را و کامل کرد باین سبب بر ما نعمتهای خود را و مخصوص گردانید
ما را بدوستی و متابعت سید انبیا و برگزیده اصفیا و برکت او ما را از گناه
جهنم رهائی بخشیده و بنا گردانیده است ما را بسبب آن حضرت طریق بالا
رفتن بسوی درجات عالیه و گرامی داشته است ما را به برکت اهل بیت پیغمبر
که سادات بشر و شفعاء روز محشر اند و منور گردانید دلهای ما را بانوار هدایت
ایشان و گنجایش بخشیده است سینهای ما را باسرار محبت ایشان صلوات
خدا بر پیغمبر و بر اهل بیت او باد ابد الآبدین و لعنت خدا بر دشمنان
ایشان باد تا روز دین اما بعد عرض میکند این ذره بی مقدار بخدمت براد
ران و خواهران ایمانی که این مختصری است از دعا و احادیث که از کتاب
مرحوم ملا محمد باقر علیه الرحمه برچیده ام از جهة کمی و آسانی که برادران و خواهران
رغبت نمایند و این روسیاه شرا بدعای خیر یاد و شاد فرمایند امید که جناب

انوار المؤمنین حلی

اقدس الهی خود را و والدینش را بیامرزد و اینها را مستحق گردانیدم بانوار
المؤمنین امید که جناب اقدس الهی خاتمه امور همگی را بخیر گرداند بمحمد و آله
که از حضرت صادق علیه منقول است که حضرت رسول صلعم فرمودند که روزی شیطان
رجیم به نزد حضرت موسی آمد و کلاهی برنگهای مختلف بر سر داشت چون
به نزدیک رسید کلاه را از سر برداشت و در برابر ایستاد و سلام کرد حضرت
موسی علیه فرمودند تو کیستی گفت منم ابلیسم حضرت گفت که خدا خانه تو را خراب کند
از همه کس کار کرداند شیطان گفت آمده ام تو را سلام کنم برای قرب و منز
لتی که داری نزد خدا حضرت موسی علیه پرسید که این کلاه چیست که بر سر داری
گفت باین کلاه می ربایم دلهای بنی آدم را حضرت فرمود که کدام گناه است
که فرزند آدم چون مرتکب آن می شود تو براو مسلط و غالب می شوی گفت
وقتی که از خود راضی باشد و عملهای خیر خود را بسیار داند و گناهانش
در چشم او اندک نماید پس حضرت صادق علیه فرمود که خداوند عالمیان به حضرت
داود علیه خطاب فرمودند که ای داود بشارت ده گناهکاران را و بترسان
صدیقان را یعنی بشارت گناهکاران را که توبه ایشان را قبول می نمایم و گناه
ایشان را عفو می فرمایم و بترسان صدیقان را که عجب نورزند به عملهای خود

که هر بنده مؤمن

که هر بنده مؤمن بمقام حساب در آورم و بعدالت حساب او کنم هلاک می شود
تا دانسته باشی د. فصل در شکر نعمت است و شکر از اسباب صفات جمیله است و
خدایی که کفران است از اصول صفات ذمیمه است و شکر هر نعمتی موجب مزید آن
نعمت است و کفران نعمت موجب حرمان است چنانچه حق تعالی می فرماید که اگر شکر
نعمت کنید نعمت شما را زیاده می گردانم و اگر کفران نمائید عذاب من شدید و عظیم
است و حضرت رسول صلعم فرمودند که طعام خورنده و شکر کننده ثوابش مثل ثواب روزه
داری است که از برای خدا روزه داشته باشد و هم چنین صاحب عافیتی که شکر کند بر عافیت
یعنی شکر کند ثوابش مثل کسیست که بر بلا مبتلا باشد صابر باشد و مالداری که ثروتی که
حق تعالی براو کرامت فرموده شکر کند و حقوق الهی را از مال خود بیرون کند
در ثواب مثل محرومی است که قانع باشد از حضرت امام محمد تقی علیه سلام منقول است
که سلمان فارسی روزی ابوذر غفاری را مهمان بخانه خود طلبید و کار کرده نانی
نزد او حاضر گردانید ابوذر هم آن نان را بدست گرفته و می گردانید و نظر می کرد
سلمان گفت ای ابوذر بچه جز این نان ملاحظه می کنی گفت می خواستم بدانم بچه
قسم پخته شده است سلمان گفت ای ابوذر چه بسیار جرأت می نمائی در
نعمت الهی سبک می شماری والله که در این نان عمل کرده است آبیکه در زیر عرش
است و ملائکه عمل کرده تا آن آب را بباد داده اند و باد آب را در آن کار کرده اند تا

زمین باریده و رعد و ملائکه در آن کار کرده اند تا بجای خود قطرات باران
وجوب ترتیب داده اند پس در این نان زمین و آهن و حیوانات و آتش و هیزم و نمک
وغیر ذالک بکار رفته و در آن عمل کرده اند و آنچه در آن دخل دارد احصای آن توان
نمود پس چگونه تو این شکر را میتوانی کرد ابوذر گفت یا سلمان توبه کردم و استغفار
میکنم و عذر می گویم و حضرت فرمود که مرتبه دیگر سلمان ابوذر را بضیافت طلبید
و پاره نان خشک از انبان خود بیرون آورد و حصه آب فرو برده نزد ابوذر
گذاشت ابوذر گفت چه نیکو نان است کاشکی با آن نمکی می بود سلمان رفت حبّی را
گرو کرد نمک گرفته حاضر ساخت ابوذر نمک را بر نان می پاشید و میخورد و میگفت حمد
و سپاس خداوندی که ما را این قناعت روزی کرده سلمان گفت یا ابوذر اگر قنا
عت میداشتی حبّی من بگرو نمک نمیرفت منقول است که حضرت صادق ع فرمود
که حق تعالی وحی بحضرت موسی ع نمود که ای موسی مرا شکر کن چنانچه حق شکر من است
حضرت موسی گفت خداوندا چگونه ترا شکر نکنم و حال آنکه شکری که ترا کنم آن
شکر نعمت است از نعمتهای تو خطاب رسید که ای موسی الحال شکر مرا کردی که
دانستی که شکر هم از من است و از شکر هم عاجزی فصل در توبه است بدانکه
توبه از جمله نعمتهای عظیم است که حق تعالی باین امت کرامت فرموده است و به برکت
پیغمبر آخر الزمان و اهل بیت او برای امت احسان کرده است زیرا که در امم

سابقه

۳
سابقه توبهای دشوار بود چنانچه در توبه گوساله پرستی امر شد که شمشیر بکشند
و یکدیگر را بکشند تا توبه ایشان قبول شود و در این امت در پوشانیدن گناهان
ایشان را و توسعه در توبه قرار داد و نعمتهای عظیم بایشان لطف فرمود چنا
نچه از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که چون اراده
حسنه می کند اگر آن حسنه را نکرد بمحض اراده آن نیت خیر خدا یک حسنه
در نامه اعمال او می نویسند و اگر بجا آورد خدا ده حسنه در نامه اعمال او می نویسند
اما تا هفت ساعت صبر می کند و اگر بجا نیاورد عمل نویسند و آن ملک که کاتب
حسنات است بملک دست چپ می گوید که کاتب سیئات است و می گوید که تعجیل
مکن و منویس شاید که حسنه بکند این گناه را محو کند زیرا که خدا میفرماید بدرستی
که حسنات گناه را برطرف می کند یا شاید استغفاری بکند که گناهش آمرزیده شود
پس اگر گفت أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَا
دَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ برو چیزی نمی نویسند و اگر هفت ساعت گذشت و حسنه و استغفاری
نکرد ملک دست راست بدیگری می گوید بنویس برای این شقی محروم و از حضرت
صادق ع مروی است که چون بنده توبه نصوح می کند که عزم داشته باشد که دیگر آن
گناه را نکند و تدارک مافات را بکند خدا او را دوست میدارد در دنیا و آخرت

بروستر می نماید و وی گفت چگونه ستر برادمی نماید فرمود که فراموش می کند از خاطر ملکین
آنچه را برا او نوشته اند از گناه و وحی فرماید باعضا و جوارحش که گناه او را کتمان نمایند
و وحی فرماید به بقعه‌های زمینی که آن گناهان که بر روی شما کرده است کتمان نمائید پس
چون بمقام حساب می آید هیچ چیز را گناه بر او گواهی نمیدهد و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که شادی و فرح و خوشنودی خدا از توبه بنده اش زیاده است از فرح شخصی
که در شب تاری راحله و توشه اش را کم کرده باشد و بعد از آن بیابد و فرمود که حضرت
عیسی ع بر جماعتی گذشت که میگریستند پرسید که این جماعت بر چه چیز گریه می کنند گفتند
بر گناهان فرمود که ترک کنند تا خدا ایشان را بیامرزد و حضرت امیرالمؤمنین ع فر
مود که عجب دارم کسیکه ناامید می شود از رحمت خدا و محو کننده گناهان با او است
پرسیدند که کدام است محو کننده گناهان فرمود استغفار که خود را معطر و خوشبو کنید
باستغفار تا بوهای بد گناهان شما را رسوا نکند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه منقول است که شخصی در حضور آن حضرت فرمود که میدانی که استغفار
چیست استغفار درجه علیین است و آن اسمی است که بر جز اطلاق می کنند شش
جزو است اول پشیمانی بر گذشته دوم عزم بر اینکه دیگر عود نکنی هرگز سیم حق
مخلوقین را باید ادا نمائی که چون خدا را ملاقات نمائی پاک باشی و هیچ حقی از
از مردم در ذمه تو نباشد چهارم آنکه هر واجب که از تو فوت شده باشد بجا آوری

پنجم

٤

پنجم آنکه گوشتی که از حرام در بدن تو روئیده باشد آن را باندوه و حزن و مشقت
تا پوست و استخوان بچسبد و گوشت تازه در میان پوست و استخوان بروید ششم آنکه
به بدن خود الم طاعت بچشانی آنقدر که لذت معصیت را بآن چشانیده فصل
در تحصیل روزی بسند صحیح از حضرت محمد باقر ع منقول است که حضرت رسول ص
در حجة الوداع فرمود بدرستیکه روح الامین در دل من دمید که هیچ نفسی نمیرد مگر
آنکه تا روزی مقدر خود را تمام صرف کند پس از خدا بترسید و تقوی و پرهیزکاری
را پیشه خود کنید و اجمال کنید در طلب روزی و بسیار سعی مکنید و اگر چیزی از روزی
دیر بشما برسدنش را باعث نشود که از راه حرام طلب کنید و معصیت خدا
را وسیله تحصیل روزی گردانید بدرستیکه خدا روزی حلال قسمت کرده است
و حرام قسمت نکرده است پس کسیکه تقوی ورزد و گناه را ترک نماید
و بر تنگی روزی صبر کند روزی او از حلال باو می رسد و کسیکه پرده ستر الهی
را بدرد از غیر حلال روزی را معاش کند تقاص میکند خدا از روزی حلال او
در روز قیامت حساب او را می طلبند و بسند معتبر از حسین ابن علاء
منقول است که گفت در مجلسی بودم که طالبان علم در آنجا حاضر بودند در بعض
از سفرها و نفقه ام منتهی شده بود و بعض از اصحاب بمن گفت که از برای
[illegible] رفع پریشانیت که را گمان داری و امیدکه داری من گفتم بفلان شخص
گفت پس والله که حاجتت بر آورده نمی شود نه بامید خود نمی رسی گفتم چه میدانی
که چنین خواهد بود گفت که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که از بعض

از کتب سماوی خواندم که خداوند عالمیان می فرماید که بعزت و جلال و مجد
و بزرگواری و رفعت خودم سوگند می خورم که قطع میکنم آمال و امید هر کسیرا
که از غیر من امیدی داشته باشد لباس و نا امیدی و براو می پوشانم جامه مذلت
و خواری را نزد مردم و از ساحت قرب خود او را دور می گردانم و از فضل خود
او را محروم میگردانم آیا در سختیها و شدتها امید از غیر من میداری و حال انکه
شداید و بلاها بدست من است و امید از غیر من دارد و بفکر خود در دیگران را
میکوبید و حال انکه کلید همه در دست من است و درها همه بسته است و درگاه من برای
دعا کنندگان باز است کیست که امید بمن کرد و به بلاها رو بمن آرد و او را محروم
کردم و کیست که از برای مطلب عظیمی بدرگاه من آمد که امید او را قطع کردم آرزوها
و مطلب بندگان خود را به نزد خود حفظ کردم که در روز احتیاج بایشان برسانم
بحفظ من راضی نمیشوند و پر کرده ام آسمانها از جماعتی که از تسبیح من هرگز ملال و
خستگی بهم نمیرسانند و امر کرده ام ایشانرا که درهای فیض و رحمت مرا میان
بندگان من نه بندند پس اعتماد بقول من نمی کنند بامن دانند کسی که بلائی
از بلاهای بر او نازل شود که کسی غیر از دفع آن نمیتواند مگر باذن من چرا این بنده
از من چنین غافلند عطا کردم باو بجود و رحمت خود چیزها که از من نطلبیده
بود چون از او باز گرفتم از من نطلبیده بود چون که آنرا رد کردم از دیگران
سؤال میکنند ایا گمانش اینست که من نطلبیده میدهم بعد از طلبیدن و سؤال
کردن نخواهم داد ایا من بخیلم که بنده مرا بخیل میداند ایا جود و کرم از من

نیست

نیستم

نیست ایا عفو و رحمت بدست من نیست مگر من محل آرزوهای خلایق و امیدگاه بنده
گان کیست که امید ایشانرا از من قطع میتواند کرد ایا از من نمی ترسند انهائیکه بغیر
از من امید دارند و طلب می نمایند اگر اهل آسمانها و اهل زمینها همه از من آرزو
بخواهند و حاجت بطلبند و هر یک از ایشان انچه همه طلبیده اند بدهم از ملک و پا
شاهی من مثل یک عضو مورچه کم نمیشود و چگونه کم شود بلکه من پادشاه ان ملکم
پس بدا حال کسیکه از رحمت من نا امید شود و بدا حال کسیکه معصیت چون
من خداوندی کند و از من نترسد فصل در وصیت نمودن رسول خدا
با بوذر غفاری رضی الله عنه حضرت فرمودند ای ابوذر متقیان و پرهیز
گاران بزرگانند فقها و علما قاید و راه نمای مردمانند و هم نشینی علما
کردن موجب زیادتی علم و کمالات است بدرستیکه مؤمن گناه خود را چنان
عظیم می بیند که از آن در حذر است که گویا در زیر سنگ است که میترسد که بر سر
ش فرود آید به تحقیق که کافر گناه خود را چنان سهل میداند که مگسی بر بینی
نشست و گذشت حضرت فرمودند ای ابوذر بدرستیکه هرگاه حق تعالی خیر و سعا
دت بنده را خواهد گناهان او را پیوسته در میان دو چشم ممثل میگردا
ند که منظور نظر او باشد و گناه را براو گران و دشوار میگرداند و اگر از
سعادت بنده را نخواهد او شقی باشد گناه را از خاطر او فراموش می
سازد حضرت فرمودند ای ابوذر نظر مکن بکوچکی و خوردی گناه و لیکن نظر
کن به بزرگی و عظمت خداوندی که معصیت او را کرده حضرت فرمودند ای

ای ابوذر نفس مؤمن اضطراب میکشد از گناهان بیشتر است از اضطراب گنجشک که در
دام افتاده باشد حضرت فرمودند ای ابوذر هر که گفتارش با کردارش موافق بوده
باشد پس او بهره از سعادت خود یافته است و اگر نه چنین باشد که قولش نیکو و کردارش
بد باشد در قیامت خود را سرزنش و ملامت خواهد نمود حضرت فرمودند ای ابوذر
بسیار است که کسی از روزی خود محروم میگردد بسبب گناهی که از او صادر میگردد
و بدانکه تقوی درجه رفیع است از درجات متقیان و بعد از این مجملی از احوال
متقیان ان شاء الله مذکور خواهد شد و مجالست و هم نشینی علمای ربانی که بشرایط
علم عمل کرده باشند و به اثاری انچه دانسته اند متحقق شده باشند موجب سعادت
دنیا و آخرت است چنانچه از حضرت امام موسی ع منقول است که با عالم گفتگو کردن
و صحبت داشتن بر روی مزبلها بهتر است از سخن گفتن و مصاحبت کردن با جا
هل بر روی فرشها و تکیه های دنیا بسند معتبر منقول است از حضرت رسول
صلعم که حواریون بحضرت عیسی ع گفتند که با چه جماعت هم نشینی کنیم فرمود
که با کسی بنشینید که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و علم شما را بیفزاید سخن گفتن
او و دیدن عمل او شما را باخرت راغب گرداند و منقول است که لقمان بفرزند
خود گفت که بدیده بصیرت نظر کن و از روی بصیرت و بینائی مجلسها را برای
خود اختیار کن پس اگر جماعتی را که بخدا میل کنند با ایشان بنشین پس اگر تو
عالم باشی برای ایشان نفع خواهد کرد و گاه باشد که رحمت از خدا بر ایشان نا
زل کرده و ترا فرا گیرد و اگر جماعتی را ببینی که در یاد خدا نیستند با ایشان

منشینی

منشینی که اگر عالم باشی که چون با ایشان نشینی علمت نفع نمیدهد و اگر جاهل باشی
جهل تو زیاده میگردد و شاید عقوبتی بر ایشان نازل شود و ترا فرا گیرد و از حضرت
امام رضا ع منقول است که گناه صغیره راه نماید بگناه کبیره و کسیکه اندک
از خدا نترسد از بسیار هم نمی ترسد و اگر خدا مردم را به بهشت و دوزخ
نمیترسانید واجب بود مردم را که او را اطاعت بکنند و معصیت او نکنند
برای تفضلهای که با ایشان فرموده و احسانهائیکه نسبت با ایشان کرده
و نعمتهای که بدون استحقاق بر ایشان فرستاده و حضرت رسول ع فرمود
که حقیر مشمارید چیزی را از بدیها هر چند خورد نماید در نظر شما اعمال خیر خود را
بسیار مدانید هر چند بسیار نماید در نظر شما بدرستیکه کبیره باقی نمیماند
باستغفار و صغیره صغیره نیست باصرار و امام محمد باقر ع فرمود که از جمله گناهانی
که آمرزیده نمیشود آن است که کسی بگوید که کاشکی مرا مؤاخذه نکنند مگر
به همین گناه و حضرت صادق ع فرمود که خدا دوست دارد بنده را که در گناه
عظیم رو بدرگاه او آورد و از او طلب آمرزش نماید و دشمن میدارد
بنده را که اندک گناه کرده باشد آن را حقیر و حقیر داند و حضرت امیر
المؤمنین ع فرمود که ترک گناه کردن آسان تر است از توبه کردن و بسا
شهوتی که یک ساعت باعث اندوه دراز میشود و مرگ دنیا را
رسوا کرده است و از برای عاقلی در دنیا جای فرح و شادی نگذاشته و حضرت

صادق ع فرمود که حضرت رسول ص بصحرای خشکی رسیدند و بعضی را فرمودند
که هیزم جمع نمایند گفتند یا رسول الله در این زمین هیزم نیست فرمود که هر چه
بدست آید بیاورید پس آوردند تا بسیار جمع شد حضرت رسول ص فرمودند
که گناهان با این نحو جمع می‌شود پس فرمودند که زنهار سهل مشمارید گناهان را
که هر گناهی را طلب کننده است جمیع گناهان را نوشته است و در نامه اعمال
شما ثبت کرده است و حضرت صادق ع فرمودند که آدمی گناهی می‌کند
در دل او نقطه سیاهی پیدا می‌شود پس اگر توبه کرد برطرف می‌شود و اگر دیگر
گناه کرد زیاده می‌شود تا دلش را تمام فرا گیرد دیگر بعد از آن هرگز
رستگار نمی‌شود و حضرت باقر ع فرمود که گاه هست که بنده از خدا سؤال می‌نماید
و نزدیک می‌شود که حاجتش برآورده شود پس گناهی می‌کند و خدا می
فرماید بملک که حاجت او را نیاور و او را متعرض غضب می‌شود و مستوجب
حرمان گردید در حدیث فرمود که هیچ باران کمتر از سال دیگر نمی‌آید و لکن خدا
هر جا که می‌خواهد میفرستد بدرستی که هرگاه جماعتی معصیت کرده اند
آن مقداری از باران که برای ایشان مقدر شده است حق تعالی از ایشان
باز گیرد و در بیابانها و دریاها و کوهها بارد و گاه هست که جُعل را خدا
عذاب می‌فرستد در سوراخش بسبب نیامدن باران برای گناهان
آن جماعتی که در حوالی ایشان جا کرده اند و خدا او را راه داده است

بمحل

بمحل دیگر جا گیرد بعد از آن حضرت فرمود که عبرت بگیرید ای صاحبان
بصیرت و حضرت صادق ع فرمود گاه است که شخص گناه می‌کند و بسبب
آن از نماز شب محروم می‌گردد و بدرستیکه عمل بد تأثیرش در صاحبش شدید
تر است از فرو رفتن کارد در گوشت و فرمود که کسی گناه اراده می‌کند بعمل
نیاورد که کسی گناهی میکند پس خدا می‌فرماید بعزت و جلال خودم سوگند
که تو را نیامرزم هرگز و حضرت رسول ص روایت کرده اند که فرمود گاه
باشد که بنده را بر گناهی از گناهانش صد سال در محشر محبوس بدارند و او
نظر کند بزنانش که در بهشت متنعمند و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که هیچ
دردی برای دلها دردناکتر از مرگ نیست و از برای مرگ تفکر احوال
گذشتگان کافی است و مرگ از برای موعظه بس است و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود گناهانی که تغییر نعمت می‌دهد بغی و مکر و فساد
و گناهانی که مورث ندامت می‌شود قتل نفس است و گناهیکه موجب نزول
عذاب الهی می‌شود ظلم است و گناهیکه موجب رسوائی و دریدن پرده می‌شود
شراب خوردن است و گناهیکه باعث منع روزی است زنا است و گناهی که دعا را رد
میکرداند و هوا را تاریک می‌گرداند عاق والدین است فصل در نگاه
داشتن زبان است چنانچه از حضرت صادق ع مروی است که حضرت لقمان
بفرزند خود وصیت کرد که ای فرزند اگر گمان کنی که سخن گفتن از نقره است
خاموشی از طلا است و حضرت رسول ص فرمود که نجات مرد مسلمان در نگاه

داشتن زبان است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که ابوذر می‌گفت که ای طلب کننده
علم و بیش زبان را بهر قسم که بخواهی میتوان حرف زد و زبان هم کلید خیر است و هم
و کلید شر است پس بر زبان خود مهر بزن چنانچه بر طلا و نقره مهر میزنی و از حضرت
صادق ع فرمود که حضرت عیسی ع فرمود که بسیار سخن مگوئید در غیر یاد خدا بدرستیکه
آنجماعت که بسیار سخن می‌گویند دلهای ایشان قساوت دارد و نمی‌دانند حضرت
علی بن الحسین ع فرمود که زبان فرزند آدم هر صبح مشرف می‌شود بر جمیع اعضا و جوارح
و می‌پرسد که بر چه حال صبح کرده اید می‌گویند که حال تا خیر است اگر تو ما را بحال خود
بگذاری و به بلائی مبتلا نگردانی و او را قسم بخدا میدهند و مبالغه می‌کنند که ما را به
بلا گرفتار مکن و می‌گویند که ما بسبب تو ثواب می‌بریم و بسبب تو معاقب
می‌شویم و نیز روایت کرده اند که شخصی بخدمت حضرت رسول الله آمد و گفت یا رسو
ل الله مرا وصیتی بفرما که زبان خود را نگاه دارم باز گفت یا رسول الله مرا وصیتی فرما
حضرت فرمود که زبان خود را حفظ کن و فرمود که مگر مردمان را برو در آتش می‌افکند
بغیر از دروکرده های زبان ایشان و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هیچ چیز
سزاوارتر نیست به بسیار حبس کردن از زبان و فرمود که خوشا حال کسی که زیاد
تیهای مال خود را در راه خدا انفاق نماید و زیادتی سخنش را امساک کند و نگاه
دارد و از حضرت امام زین العابدین ع پرسیدند از سخن گفتن و خاموشی کدام
بهتر است حضرت فرمود که هر یکی را آفتها هست پس اگر هر دو از آفت سالم باشند سخن
گفتن بهتر از خاموشی است زیرا که خداوند عالم پیغمبران و اوصیا ایشان را بخاموشی
نفرستاد بلکه بسخن امر فرمود و مستحق بهشت نمی‌توان شد بسکوت و از آتش جهنم
خلاصی نمی‌توان یافت بسکوت جمیع اینها بسخن گفتن می‌شود هرگز خورشید را بآفتاب

برابر

۸

برابر نمیکنم تو فضل خاموشی را بسخن بیان می‌کنی و فضل سخن را بخاموشی بیان
نمی‌توانی کرد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که جمیع خوبیها در سه چیز جمع شده
است در نظر کردن و ساکت بودن و سخن گفتن پس هر نظری که در آن عبرت
گرفتن نباشد بیکاری آید و هر خاموشی که در آن تفکر نباشد آن خاموشی غفلت
است و هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد آن لغو است پس خوشا حال کسی که نظر
های او همه عبرت باشد و خاموشی او همه تفکر در امری که بکار او آید و سخن باشد
او همه یاد خدا باشد و بر گناهان خود بگرید و مردم از شر او ایمن باشند
و حضرت صادق ع فرمود که خواب راحت بدن است و سخن گفتن راحت
روح است و خاموشی عقل است فصل در فضیلت نماز است و بسند صحیح
از معویه بن وهب منقول است که از حضرت صادق ع سوال کردم که کدام عمل
است که بیشتر باعث قرب بنده بخدا می‌شود و نزد خدا محبوب تر است فرمود
که عملی را بعد از معرفت اصول دین بهتر از نماز نمی‌دانم نمی‌بینی که بنده
صالح عیسی ابن مریم علیه السلام گفت که وصیت کرده است مرا بنماز و زکوة
مادام که زنده باشم و در حدیث دیگر فرمود که محبوب ترین عملها در نزد حق
تعالی نماز است و نماز آخر وصیتهای پیغمبر است پس چه بسیار خوبست که کسی
غسل کند یا وضو بسازد و وضو را کامل بجا آورد و بکناری رود که کسی او را
نبیند پس خدا او را ببیند که گاه در رکوع و گاه در سجود است بدرستیکه
بنده هرگاه که سجده کند و سجده را طول دهد شیطان فریاد می‌کشد که واویلا
که فرزند آدم اطاعت خدا کردند و من معصیت کردم و ایشان سجده

کرده و من اباکردم و حضرت صادق ع از حضرت رسول ص روایت فرمود که مثل نماز
نسبت ایمان از بابت عمود خیمه است اگر عمود بر پا است نفع می کند طنابها و میخها و پرده
خیمه چون عمود شکست اینها هیچ نفع نمی دهد و هم چنین در ایمان اگر نماز هست اعمال دیگر نفع
می دهد اگر نماز نیست عملهای دیگر آن چندان فایده نمی بخشد و حضرت امام موسی
کاظم ع فرمود که پدرم در هنگام وفات فرمود که ای فرزند شفاعت ما نمی رسد کسی را
که نماز را سبک شمارد و سبک بجا آورد و امام محمد باقر ع فرمود که هر که از شیعیان به نماز
می ایستد احاطه می کنند از ملایکه بعدد آن جماعتی که در مذهب مخالف او یند
و در عقب او نماز می گذارند و برای او دعا می کنند تا از نماز فارغ شود و حضرت
رسول ص فرمود که در روز قیامت که بنده را بمقام حساب می دارند اول
چیزی که از او سوال می نمایند نماز است پس اگر تمام بجا آورده است نجات می یابد
و الا او را در آتش فرو می برند و حضرت امیر المومنین ع فرمودند که اگر نمازگذارنده
بداند که از جلال عظمت الهی چه مقدار او را احاطه نموده نخواهد که هرگز سر از سجده
بردارد **فصل** در بیان اختلاف شرایع و مذمت آنکه بدعت است در دین
کلینی بسند معتبر از یونس روایت کرده است که از حضرت امام موسی ع پرسیدند
که بچه چیز خدا را بیگانگی بپرستم فرمود که ای یونس بدعت در دین مکن و صاحب
بدعت مباش که هر کسی برای خود در دین نظر کند هلاک می شود و هر که اهل
بیت پیغمبر ص را گذاشته پیغمبر را ترک کند کافر است و از حضرت صادق ع روایت کرده است
که هر که فتوی مردم را برای خود پس خدا را عبادت کرده است بچیزی که نمی داند و دین
خدا را مقرر ساخته است برای خود بنا داده و هر که چنین کند بخدای خود معارضه کرده است
و خود را معارض خدا ساخته است که حلال و حرام را از پیش خود قرار داده است و بسند

معتبر

۹

معتبر از حضرت رسول ص روایت کرده است که فرمود هرگاه بدعتها در امت
من ظاهر شود باید که عالم علم خود را ظاهر کند و بیان کند که آن بدعت است و اگر
و اگر نه ملعون است به لعنت الهی و فرمود که هر که برود به نزد صاحب بدعتی و او را
تعظیم نماید سعی کرده است در خراب اسلام و فرمود که خدا توبه صاحب بدعت را
قبول نمی کند گفتند یا رسول الله چرا توبه او مقبول نیست فرمود زیرا که در دل او
محبت آن بدعت جا کرده است و از دل او بدر نمی رود و ابن بابویه علیه الرحمه
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که شخصی بود در زمان
سابق طلب دنیا از حلال کرد بدستش نیامد و از حرام نیز طلب کرد میسر نشد
پس شیطان به نزد او آمد و او را وسوسه کرد که می خواهی ترا به چیزی دلالت
کنم که اگر او را بکنی دنیای تو بسیار شود و جمع کثیر تابع تو شوند گفت آری شیطان
گفت که دینی تازه اختراع کن و مردم را بسوی آن دین بخوان پس او چنین کرد
خلق بسیاری متابعت کردند و مال بسیار بهم رسانیدند بعد از مدتی بفکر خود
افتاد که چه کار بود که کردم دینی اختراع کردم و مردم را گمراه کردم توبه من
مقبول نخواهد شد تا آنها را که گمراه کردم برگردانم و به نزد هر یک می آمد و می گفت
که دین من بدعت بود و باطل بود برگردید در جواب می گفتند که دروغ می گوئی
دین تو حق بود الحال شک بهم رسانیده در دین هیچ یک برنگشتند چون دید
که ایشان بر نمی گردیدند رفت و زنجیری در گردن خود بست و سرش را به میخ
بست و با خود قرار داد که این را نگشاید تا خدا توبه او را قبول کند پس خدا وحی
فرمود به پیغمبری که در آن زمان بود که بگو با آن صاحب بدعت که بعزت جلال

خود هم سوگند که اگر ان قدر مرا بخوانی که بندهای تو از هم بپاشند دعای تو مستجاب

نمی کنم و توبه تو را قبول نمیکنم تا زنده نکنی انهائیرا که بر دین تو مرده اند واز

این دین برگردانی و بسند صحیح از برید عجلی روایت کرده است که از ان پرسیدم

که چه چیز است کمتر چیزی که ادمی بان کافر میشود حضرت سنگ ریزه از زمین برداشتند

و فرمودند که ان است که این سنگ ریزه را بگوید که هسته خرما است بعض

امر خلاف و حقی را که قرار دهد حقی این امر سهل و بیزاری جوید از

کسیکه نمی گوید در این امر و دشمنی با مخالفان خود و دین باطل میکند

پس او ناجی نیست و با ما دشمنی کرده است و بخدا مشرک شده است و کافر

شده است بخدا و بسند صحیح از حضرت علی ابن الحسین ع روایت کرده که بهترین

اعمال نزد حق تعالی ان است که در ان عمل سنت پیغمبر عمل کننده را اگر چه اندک

باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ص روایت کرده است که حضرت رسول

ص فرمود که گفتار بکار نمی اید مگر انکه با کردار نیک باشد و گفتن و کردن هر دو

بی فایده است تا به نیت نباشد و گفتن و کردن و نیت هرسه بی فایده است اگر

به موافق سنت و طریقه پیغمبر نباشد و منقول است که چون شیطان از سجده حضرت

ادم علیه ابا کرد و محل عتاب شد گفت خداوندا مرا از سجده آدم معاف دار تا

چنان ترا عبادت کنم که هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسلی نکرده باشد حق تعالی فرمود که مرا

احتیاج بعبادت تو نیست از ان راهی که من میخواهم و میفرمایم مرا عبادت

میباید کرد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که اگر

بر شما چیزی از امور دین مشتبه شود توقف کنید و بما عرض نمایید تا برای شما شرح

نمایم

نمایم و بیان کنیم و در این باب احادیث بسیار است و در این کتاب

همه را احصا نمیتوان کرد و بعضی احادیث که در این کتاب مطلب داخل است

در باب عمل با علم ذکر کردیم و برای صاحب بصیرت بعد از ملاحظه انچه ذکر کردیم

پوشیده نمی ماند که هر عملی هر چند دشوار و مشکل باشد چنین نیست که باعث

نجات باشد تا موافق سنت نباشد و عملی بدعت موجب ضلالت

است و کسیکه رجوع باخبار اهل بیت علیهم السلام تواند نمود و معانی

کلام ایشان را تواند نمود و باید نیت خود را خالص گردانند در رجوع بکلام

ایشان کند البته بمقتضای ایه کریمه وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا خداوند او را براه هدایت می فرماید و جمعی که این مرتبه

ندارند خدا ایشان را هم مقرر فرموده که رجوع کنند به جماعتی که راویان

اخبار ائمه معصومین علیه سلام اند و علوم ایشان را میدانند و تابع

دنیا و باطل نیستند چنانچه کلینی ره روایت کرده است که اسحق ابن یعقوب

عریضه بخدمت صاحب الامر ع نوشت که اموری بر ما مشتبه شده حکم حضرت

فرمود که نوشتند فرمان های یوان که در حادثات که برای شما دارد می شود

و چیزها ئیکه بر شما مشتبه شود رجوع کنید بر روایت کنندگان حدیث

ما که ایشان حجت منند بر شما و من حجت خدایم بر شما و بر همه در احادیث

معتبر وارد شده است که در امری که در میان شما منازعه شود نظر کنید

بسوی کسیکه حدیث ما را روایت کرده باشند و در حلال و حرام نظر
کرده باشند و احکام ما را دانسته باشند پس راضی شوید باو که او را حکم سازید در میان
خود که او را بر شما حاکم کرده ایم پس اگر او حکم بکند شما قبول نکنید حکم خدا
را خفیف کرده اید و سبک کرده اید و حکم ما را بر ما رد کرده اید و هر که بر ما
رد کند بر خدا رد کرده است و رد حکم خدا کردن در مرتبه شرک بخدا است
و باید دانست که خدا او را در روز قیامت در متابعت همه کس معذور
نمیدارد انکه بداند او عالم است بعلوم اهل بیت و از گفته ایشان خبر
میدهد و بداند که اهتمام در دین دارد و کلام ایشان را برای دنیا تاویل
نمیکند و بسند معتبر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که پشت مرا
شکستند دو کس در این دنیا مرد دانای زبان آور و فاسق و مرد نادان
کور دلی که عبادت بسیار میکند این اول بزبانیکه دارد مردم را بسبب
فسق و فجور از راه حق بر میگرداند و این یک بسبب جهل از راه عبادتیکه
میکند مردم را از حق باز میدارد پس به پرهیزید از علمای فاسق و از
جاهلان متعبد که ایشان موجب فتنه و ضلالت و گمراهی اند بدرستیکه
من از حضرت رسول صلی الله علیه شنیدم که فرمود که هلاک امت من بوده است
هر منافق زبان دان است فصل در بیان انکه رهبانیت در این
امت نمی باشد و رهبانیت اختیار نمودن در این امت بدعت است

بدانکه

بدانکه رهبانیت امریست مرکب از ترک زنان و عزلت اختیار نمودن
در این امت ترک مطعومات و مشروبات لذیذه و ملبوسات فاخره
در امت حضرت عیسی ع اگر اینها ممدوح بوده است و خود را شیفته کرده
اند و در غارها و کوهها جای گرفته اند و رختهای خشن و کهنه می پوشیدند
و سنت پیغمبر ما بر خلاف اینها جاری گردیده و رهبانیت مذموم است و
نکاح کردن و زنان و کنیزان داشتن سنت مؤکد است چنانچه ابن بابوی
در کتاب خصال بسند معتبر از حضرت رسول ص روایت کرده است
که در امت من رهبانیت و دنیا گردی و سیاحت و عبادت و خا
موشی در امت من نیست و در حدیث دیگر فرمود که رهبانیت من
جهاد در راه خدا است و خصی کردن امت من در روزه داشتن است
و کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است
که زن عثمان ابن مظعون بخدمت حضرت رسول آمد گفت یا رسول الله
عثمان شوهر من روزها روزه میدارد و شبها همه شب عبادت میکند حضرت
نعلین خود را برداشتند و غضبناک بخانه عثمان ابن مظعون آمد
ند دیدند که او نماز میکند چون فارغ شد حضرت فرمود ای عثمان خدا
برهبانیت نفرستاده است و بدین مستقیم آسان فرستاده است
من روزه میدارم و نماز میکنم و با زنان نزدیکی میکنم پس هر که خواهد
بر فطرت اسلام باشد باید که بسنت من برود و از جمله سنتهای

من نکاح زنان است و بسند معتبر دیگر از حضرت صادق ع روایت کرده است
که روزی حضرت رسول ص بخانهٔ ام سلمه درآمدند بوی خوشی شنیدند فرمودند
که مگر زن احول آمده است ام سلمه گفت بلی شکایت از شوهر خود دارد پس
آن زن بیرون آمده عرض کرد که پدر و مادرم فدای تو باد شوهرم از من دوری میکند
حضرت فرمود که دیگر بوی خوش کردن خود را زیاد کن شاید شوهرت رغبت کند
گفت هر بوی خوشی خود را خوش بو کردم فایده نکرد حضرت فرمود که اگر میدانست
که او را با تو چه قدر ثواب است هرگز از تو دوری نمیکرد پرسید که چه ثواب دارد
پس فرمود که چون رو بسوی تو می‌کند دو ملک او را فرا میگیرند و بمنزله کسی است که
شمشیر کشیده باشد در راه خدا جهاد کند و چون مشغول جماع میشود گناهان او
میریزد چنانچه برگ از درختان میریزد و چون غسل میکند جمیع گناهان از او
میریزد و بسند معتبر دیگر از حضرت رسول ص روایت کرده است که سه زن
بخدمت حضرت رسول ص آمدند یکی از ایشان گفت یا رسول الله شوهرم گوشت
نمیخورد دیگری گفت شوهرم بوی خوش نمیکند دیگری گفت شوهرم با زنان
نزدیکی نمیکند پس رسول خدا از خانه بیرون آمدند و ردای مبارک را
از عقب بر زمین میکشیدند تا آنکه بر منبر رفتند و بعد از حمد و ثنای الهی
را بجا آورده فرمودند که چه چیز باعث شده است که جمعی از اصحاب من گوشت
نمیخورند و بوی خوش نمیبویند و به نزد زنان خود نمی‌آیند بدرستیکه من گوشت
میخورم و بوی خوش میبویم و به نزد زنان خود میروم پس هر که سنت مرا نخواهد

و ترک

و ترک کند از من نیست و حضرت صادق ع فرمودند که از اخلاق
پیغمبران است محبت زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمان او چیز ١٢
زیاده گردد مگر آنکه محبت او بزنان بیشتر بشود و باسانید معتبره از حضرت
صادق ع مرویست فرمودند که دو رکعت نماز کدخدا بهتر است از هفتاد
رکعت نماز عزب که بگذارد و فرمود هر که زن بگیرد نصف دین خود را حفظ
میکند و از حضرت رسول ص روایت فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند
و حضرت صادق ع فرمود که شخصی به نزد پدرم آمد پدرم فرمود که آیا زن
داری یا نه گفت نه پدرم فرمود که دوست نمیدارم که دنیا و مافیها از من
باشد و من یک شب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا بکند
بهتر است از عبادت عزب که شبها بعبادت بگذراند و روزها روزه دارد
پس پدرم هفت درم باو داد و فرمود که باین درم زنی بخواه و فرمود
که رسول خدا فرمودند که زن بهم رسانید که باعث زیادتی روزی میشود
فصل در بیان اعتزال از خلق است بدانکه چنانچه از احادیث متواتره
معلوم میشود اعتزال از عامه خلق درین امت ممدوح نیست چنانچه حد
یث بسیار در فضیلت دیدن برادران مؤمن و ملاقات ایشان
و اعانت محتاجان ایشان و حاضر شدن بجنازه های مرده های ایشان و
قضا حوائج ایشان وارد شده است و هیچ یک از اینها با عزلت نمیشود ایضا
باجماع و احادیث متواتره جاهل را تحصیل مسائل ضروریه واجب است

در عالم هدایت خلق و امر بمعروف و نهی از منکر واجب است و هیچ یک
از اینها با عزلت حاصل نمی گردد و چنانچه کلینی بسند معتبر روایت کرده است
و شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که شخصی هست که مذهب
تشیع را دانسته و اعتقاد خود را درست کرده است در خانه خود
نشسته بیرون نمی آید و با برادران خود آشنائی نمی کند که ان چگونه مسائل
دینی خود را یاد میگیرد و بسند معتبر از ان حضرت روایت است که برشما
باد بنماز کردن در مساجد با مردم و نیکو جا درست کردن و گواهی برای ایشان
دادن و بجنازه ایشان حاضر شدن بدرستیکه ناچار است شما را از معاشرت
مردم و تا آدمی زنده است از مردم مستغنی نیست و مردم همگی بیکدیگر
محتاجند و حضرت رسول ص فرمود که کسیکه صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان
نداشته باشد مسلمان نیست و کسیکه بشنود که کسی استغاثه می کند
و از مسلمانان اعانت می طلبد و اجابت او نکند مسلمان نباشد و حضرت
صادق ع فرمود هر که زیارت برادر مؤمن خود را از برای خدا کند خدا
وند عالمیان هفتاد ملک را موکل گرداند که او را ندا کنند که خوشحال تو
و گوارا باد بهشت از برای تو و بسند معتبر از خثیمه روایت کرده که بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه رفتم که ان حضرت را وداع کنم فرمود که ای خثیمه
که هر کسی از شیعیان و دوستان ما را به بینی سلام با ایشان و ایشان را
از جانب من وصیت کنی به پرهیز کاری خداوند عظیم و اینکه نفع رسانند

اغنیاء

اغنیاء شیعیان بفقراء ایشان و اعانت نمایند اقویاء بضعفا را و حاضر شوند
زندگان ایشان بجنازه مردگان در خانهای یک دیگر را ملاقات کنند بدر
ستیکه ملاقات ایشان و صحبت داشتن ایشان باعث احیای امر تشیع
میشود خدا رحم بکند بنده را که مذهب ما را زنده بدارد و حضرت صادق
ع فرمود باصحاب خود که با یکدیگر برادران باشید و با یک دیگر از برای خدا ملاقات
نمایید و در امر دین مذاکره کنید و اخبار مذهب بکنید و در حدیث دیگر فرمود که
در حاجت برادر مؤمن نزد من بهتر است از انکه هزار بنده آزاد کنم و هزار
کس بر اسبان زین و لجام کرده سوار کنم و بجهاد در سبیل الله فرستم از حضرت
جعفر بن محمد ع منقول است که فرمود شش چیز است که مؤمن بانها منتفع میشود بعد
بعد از مرگش فرزند صالح از برای او استغفار نماید و مصحفی که از او بماند که تلاوت
نمایند و چاهی که از برای خدا بکند و درختیکه از برای خدا بنشاند و چشمه آبی که جاری
ساخت و سنت نیکوئی که بگذارد که بعد از او مردم عمل نمایند

باب اول

در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن و در حدیث معتبر از حضرت جعفر
صادق ع منقول است که هر گاه خدا نعمتی بر بنده کرامت فرماید و اثر ان
نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا می نامند و یاد کننده پروردگار
کار خود خواهد بود و در حدیث دیگر از ان حضرت منقول است که هر
گاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید دوست میدارد که اثر ان
نعمت را به بیند و از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی زینت و اظهار

نعمتهای خود را دوست می‌دارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن می‌دارد
و دوست می‌دارد که اثر آن نعمت را بر بنده خود ببیند که جامه‌های خود را پاکیزه
کند و خود را خوشبو دارد و خانه را نیکو دارد و ساحتهای خانه را برویبد حتی
آنکه چراغ را پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کند فقر را زایل می‌کند و روزی را
زیاد می‌کند **فصل اول** در بیان رنگهایی که در جامه‌ها مکروه است بهترین
رنگها در جامه سفید است و بعد از سبز است بعد از آن سرخ رنگ کبود و عدسی مکروه
سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد و در همه حال مگر در
عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است و از حضرت صادق
علیه السلام مروی است که حضرت امیرالمؤمنین در اکثر اوقات جامه سفید می‌پوشید
و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفت
دید که جامه سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود
که در این جامه چه می‌گویید حکم عرض کرد که چیزی که شما پوشیده اید چه گویم اما جوانان
شیعه که در زمان ما این جامه را می‌پوشند ما عیب می‌کردیم حضرت
فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است بعد از آن فرمود که این جامه را
پوشیدم که تازه داماد شده ام در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
ع منقول است که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای نو داماد و به
سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که مپوشید جامه سیاه که آن
پوشش فرعون است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت صادق ع

پرسید

پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است
فصل پنجم در بعض آداب جامه پوشیدن جامه‌های زبر پوشیدن و آستین
جامه دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است
و از حضرت صادق ع فرمود که جامه آنچه از توزک پا می‌گذرد در آتش
جهنم است و از حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که حق تعالی به پیغمبر
فرمود وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ که ترجمه لفظی آن است که جامه‌های خود را
پس پاک گردان حضرت فرمود که جامه‌های آن حضرت پاک بود ولکن
مراد آنست که جامه‌ها را کوتاه کن که آلوده نشود **فصل ششم**
در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان و کافران است حرام است مردان را
پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد مانند لچک و مقنعه و دامن تنه و حرام
است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و
و عمامه و جیقه را جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد
مانند زنار و کلاه فرنگی و از حضرت محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست
که زنان را که شبیه بمردان شوند زیرا که رسول خدا لعنت کرد مردان را
که شبیه بزنان شوند و از حضرت امام جعفر صادق ع مروی است
که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبرانش که بگو بمؤمنان که نپو
شند جامه‌های دشمنان مرا و نخورند طعامهای دشمنان مرا و بمسلک د
شمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند ایشان دشمنان من خواهند بود
فصل هفتم در آداب عمامه بستن سنت است و با عمامه تحت

الحنک بستن سنت است و یک طرف عمامه را از پیش رو و دیگر را از عقب
انداختن بروش سادات مدینه مشرفه سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته
است که عمامه را ایستاده پیچیدن سنت است و از حضرت رسول صلعم منقول
است که عمامه تاج عربان است هرگاه عمامه را برطرف کنند خدا عزت شان را
برطرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق است که هر که
عمامه بپیچد بر سر تحت الحنک نبندد یا دردی برسد که دوا نداشته باشد
پس ملامت نکند مگر خود را و در فقه رضوی ع منقول است هرگاه عمامه را
بر سر گذاری این دعا را بخوان بسم الله اللهم ارفع ذکری
واعل شأني واعزني بعزتك واكرمني بكرمك بين يدي
ك وبين خلقك اللهم توجني بتاج الكرامة والعز و
القبول باید که عمامه را ایستاده به پیچد و حضرت رسول صلعم چند کلاه
داشتند که در سر میگذاشتند و در کلاههای دو گوش که بر طاقیه میگویند وارد
شده که پوشیدن انها زی یهود است و علما گفته اند که مکروه است و از
بعض احادیث ظاهر میشود که پایین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه
است و از حضرت رسول صلعم منقول است که هرگاه کلاههای ترک دار در
در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود کلاه
ترک دار ظاهرا مانند فاروق و کلاه بکتاشی و امثال ان باشد فصل
هشتم در اداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابا عبدالله ع منقول است
که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم ع که زمین بجزع شکایت میکند از دیدن
عورت تو پس میان عورت و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه تا زانو

بعمل

١٥

بعمل اورد و بپوشید و در جامع بزنطی روایت شده که هر که زیر جامه ایستاده
بپوشد تا سه روز حاجتش برآورده نشود و در فقه رضوی مذکور است که زیر
جامه را ایستاده مپوش و ایستاده مپوش که موجب هلاکت و زرد آب
و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این دعا را اللهم استر عور
تي ولا تهتكني في عرصات القيامة واعف فرجي ولا
تخلع عني زينة الايمان و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که پیغمبران ع برهنه را پیش از زیر جامه میپوشیدن و در روایت دیگر
وارد شده است که ایستاده رو بقبله و رو با دم مپوشید فصل نهم
جامه نو بریدن و پوشیدن دلبند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول
است که رسول خدا ص این دعا را تعلیم بمن نمود که در وقت پوشیدن جامه
بخواند الحمد لله الذي كساني من اللباس ما اتجمل
به في الناس اللهم اجعلها ثياب بركة اسعى
فيها لمرضاتك واعمر فيها مساجدك پس فرمود یا
علی هر که این دعا را بخواند چون جامه را بپوشد امرزیده شود و از حضرت
ابا عبدالله علیه منقول که چون جامه نو بپوشی بگو لا اله الا الله محمد
رسول الله تا از افتها نجات یابد و چیزی که لازم است داری بسیار
ارزه را باد مکفنی که ان درهم میشکنند و چون بکسی کاری داشته باشد در غایبانه

اوبود دشنام مده که در دل او اثر نمی کند فصل دهم در سایر آداب جامه پوشیدن
وکندن از حضرت رسول ص منقول است که نهی فرمود عریان شدن در شب و روز
از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هرگاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر
می کند و طمع می کند در انکه او را بمعصیت درآورد و فرمود سزاوار نیست مرد را
که جامه خود را از بدن خود دور کند در وقتی که در میان جماعتی نشسته باشند و فرمود
که جامه خود را از بدن خود ~~دور کند در وقتی که در میان~~ از بدن بیرون آورد
بسم الله بگوید تا جنیان نپوشند اگر بسم نگوید جنیان آن جامه را می پوشند
تا صبح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که سزاوار نیست زن مسلمه
را در یک پیرهن که بدن او نمایان باشد بپوشند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است ته
که عرض مقنعه حضرت صلوات الله علیها آنقدر بود که تا نصف بازوی آن حضرت
می پوشید و همه زنان باید چنین کنند و از حضرت باقر ع منقول است که تا گردن
جامه را چرک جامه است و بلغمش باقی می ماند و فرمود که جامه پاکیزه پوشیدن
دشمن را منکوب میکند و از حضرت امام المتقین ع منقول است که شستن
جامه را اندوه و غم را برطرف می کند و موجب قبول نماز می کرد و حضرت رسول
ص فرمود که هر که جامه پوشد باید که پاکیزه بکند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که شستن جزء است اخلاق قوم لوط است کمان و گلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن
بیکدیگر خوابیدن در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر و بندهای پیرهن

دقبا

دقبا را کوشودن و بسند معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق
علیه السلام آمد دید که گریبان پیرهن را بلبنه کرده است آن شخص به تعجب آمد در او
نظر می کرد حضرت فرمود چرا چنین نظر میکنی گفت از لبنه جامه تعجب می کنم
کتابی در پیش حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان چون خواند در آنجا نوشته
بود که ایمان ندارد کسیکه حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت کار خود را
باندازه نکند و نو نیست کسی را که جامه کهنه ندارد و حضرت امیرالمؤمنین
ع فرمود که لبنه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آن کسی که بر آن لبنه می زد
و از حضرت صادق ع منقول است که هر که گریبان جامه را لبنه زند و کفش لبنه زند
و چیزی که برای خانه خود خرد خود بر دارد و بخانه بر دارد از تکبر ایمن گردد فصل
یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها رنگ زرد است
و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در سرخ هم
خوب است در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پاشنه و عقبش بلند
باشد و میانش تهی باشد با و هم اگر بر زمین نه چسبیده و غیر این مکروه است
و ظاهر کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکروه باشد و بسند معتبر
از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلا
ها نگاه می دارد و معین است بر تمامی نماز و وضو در حدیث دیگر فرمود هر که
خواهد عمرش دراز باشد چاشته را بامداد بخورد و کفش نیکو به پوشد و در
بالا پوش را سبک کند با زنان جماع نکند و حضرت صادق ع فرمود اول کسیکه
نعلین پوشید حضرت ابراهیم خلیل الله ع بود و در حدیث معتبر از آن حضرت

منقول است که نعلین هموار پوشیدن که همه اش بر زمین رسد پوشش یهودان است
و بر زمت این قسم احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره
وارد شده است که نعلین سیاه مپوش که چشم را ضعیف می‌کند و مورث اندوه و غم
است و بر تو باد به نعلین زرد که چشم را جلا می‌دهد و ذکر را سخت می‌کند و غم
را برطرف می‌کند پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر وارد شده است
که پوشیدن نعلین سیاه موجب بخل و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جبارا
ن محشور شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که نعلین زرد بپوشد
تا آن را پوشیده باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف گاو
بقره بنی اسرائیل می‌فرماید که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ
یعنی زرد بسیار زردی که شاد گرداند نظر کننده گان را و بسند معتبر از
سدیر صراف منقول است که بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم و نعلین
سفیده پوشیده بودم و فرمود آیا دانسته این پوشیده پس فرمود که هر که دا
خل بازار شود و نعلین سفیدی بخرد کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب کند مالی را
از جائی که گمان نداشته باشد و در حدیث دیگر وارد است که هر که نعلین زرد
سدیر خرداد که هنوز آن نعلین کهنه نشده بود که صد اشرفی از جائی بدستم
آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد است که هر که نعلین زرد و سفید
بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد هر که نعلین سیاه بپوشد هیچ یک را
نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که موزه پوشیدن
نور چشم را زیاد می‌کند در روایت دیگر فرمود که مداومت بپوشیدن
موزه امان می‌دهد از مرض سل و از مرگ بد فصل دوازدهم در آداب
پوشیدن

پوشیدن نعل و موزه و کفش به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر ع و امام
جعفر صادق منقول است که چون نعلین پوشی ابتداء به پای راست بکن و در
وقت کندن ابتدا به پای چپ بکن و فرمودند که هر که بایستد پا کفش خود را
شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود یعنی یک پا کفش باشد و یکی نباشد و از
عبدالرحمن ابن کثیر منقول است و گفت در خدمت حضرت صادق ع بر راهی می‌رفتیم
بند نعل آن حضرت گسیخت پس بند دیگر از آستین خود در آوردم و نعلین را
با صلاح آوردم و حضرت دست بر کتفی من انداخته بودند پس فرمودند
که هر که حاجت مؤمنی را بر آورد برای اصلاح نعلین او چون از قبر بیرون
آید حق تعالی او را بر ناقه کرم روی سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب
سراج منقول است که در خدمت آن حضرت می‌رفتیم بند نعلین آن حضرت
پاره شد حضرت پای پیاده روانه شدند عبدالله ابا یعفور بند نعلین
خود را گشود و به نزد آن حضرت آورد قبول نفرمود گفت که صاحب مصیبت
اولی است که بر آن صبر نماید و عبدالرحمن ابن ابا عبدالله روایت کرده است
که در خدمت آن حضرت بدیدن شخصی رفتیم چون داخل شدند نعلین را
از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلینها را بیرون کنید که کندن نعلین را
قدم است و منقول است که حضرت رسول ص نهی فرمودند از راه رفتن با یک تا
نعلین و ایستاده پوشیدن مخصوص نعلین است و بندهایش را می‌باید بست
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که سه چیز است که هر که کند بیم

آن جهت که دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در
خانه تنها خوابیدن و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل نموده که موزه و
نعلین را نشسته به پوشد و در وقت پوشیدن بگو بسم الله اللهم صل علی محمد
وآل محمد وطیّب قدمیّ فی الدنیا والآخرة وثبّتهما علی الصراط
یوم تزلّ فیه الاقدام و در وقت کندن ایستاده بکن بگو بسم
الحمد لله الله الذی رزقنی ما اتّقی به قدمیّ من الاذی اللهم ثبّتهما
علی صراطک ولا تزلّهما عن صراطک السوی باب اول
در آداب زیور پوشیدن زنان و مردان و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن
و خضاب کردن فصل اول در فضیلت انگشتر بدست کردن و آداب
آن سنت است مردان و زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضی
از احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ بکنند اما اگر نقش شریف
یا نگین شریف داشته باشند باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح
از حضرت امام رضا منقول است که اگر خواهی انگشتر را بدست راست
بکنی و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول
است که حضرت رسول صلعم انگشتر در دست راست می کردند و از سلمان فارسی
رضی الله عنه مروی است که حضرت رسول صلعم بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود
که یا علی انگشتر در دست راست بکنی تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدام
مقربان فرمود که از جبرئیل و میکائیل پرسیدم که چه انگشتر در دست کنم فرمود
که عقیق

که عقیق سرخ بدرستی که او اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری
و برای تو یا علی بانکه وصی منی و برای فرزندان تو با امامت و برای دوستان تو به
بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنت الفردوس و از حضرت صادق
ع منقول است که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت میانه
و انگشت و از حضرت صادق ع منقول است که انگشتر را به بند یا بند انگشت
برسانید و در روایتی وارد شده است که انگشتر را به سر انگشت کردن عمل
قوم لوط است و در فقه الرضا ع منقول است که در وقت انگشتر در دست کردن
بگو اللهم سمّنی بسیماء الایمان واختم لی بخیر واجعل عاقبتی
الی خیر انک انت العزیز الاکرم فصل دوم در بیان
آنچه انگشتر از آن ساختن سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان را
انگشتر طلا و نقره در دست کردن حرام است و انگشتر برنج و آهن و فولاد
مردان و زنان را مکروه است چنانکه منقول است از حضرت صادق علیه السلام
وحی که انگشتر رسول خدا صلعم از نقره بوده است فصل سیم در فضیلت عقیق
منقول است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چهار انگشتر در دست
میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زمرد برای ... و فیروزه برای نصرت و یاری
و حدید چینی برای قوت تن و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث
و در حدیث صحیح از حضرت علی ابن موسی الرضا ع منقول است که عقیق فقر
و درویشی را برطرف می کند و در دست کردن عقیق نفاق را زایل می کند

و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که هر که دعا با انگشتر عقیق برد
بهر او تمام است و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر ع منقول است که انگشتر
عقیق در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر عقیق داشته باشد امید است
که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیع الابرار منقول است که در دست حضرت
زین العابدین ع انگشتر عقیق دید پرسید این چه نگین است فرمود که عقیق رومی است
و در حدیث دیگر منقول است که حاکمی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت
صادق ع فرمود که انگشتر عقیق باو برسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به نزد رسول ص آمد و شکایت کرد که دزد
در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نکردی که
از هر بلا نگاه دارد آدمی را و بسند معتبر نیز از آن حضرت منقول است که انگشتر
عقیق در دست کنید مادام که آدمی را آن انگشتر در دست دارد اندوهی
باو نمی‌رسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن
که آن اول کوهی است که اقرار کرده است از برای خدا به یگانگی و از برای محمد ص
به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث معتبر منقول است از بشیر
دهان که عرض کردم که کدام یک از نگینها بر انگشتر خود بنشانم فرمود که چرا غا
فل از عقیق سفید که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ است پس
مشرف بخانه رسول خدا ص و اما عقیق پس زرد است و مشرف است بر خانه
فاطمه زهرا و اما کوه عقیق دیگر سفید است پس مشرف است بر خانه حضرت
امیر المؤمنین ع و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاری است از برف

سفیدتر

سفیدتر و سردتر و از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر و نمی‌خورند از آن نهرها مگر
آل محمد و شیعیان ایشان و هر سه نهر از کوثر می‌آید و بیک جا میریزد و آن سه کوه
تسبیح و تقدیس و تمجید الهی می‌کنند و از برای محبان آل محمد طلب آمرزش
می‌کنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها در دست باشد نه بیند
مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامت از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه
ظالم و از هر چیز آدمی از آن ترسد حذر می‌نماید و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی را برابر حضرت امام محمد باقر ع گذرانیدند و تازیانه بسیار براو زده
بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجاست اگر با او می‌بودی تازیانه نمی‌خورد
و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقول است که دستی بسوی آسمان بلند
نمی‌شود که خدا او را دوست‌تر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین ع منقول است که چون حضرت موسی
بر کوه طور بر حق تعالی مناجات کرد و بر زمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را
آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود که عذاب نکنم بآتش جهنم
دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد و سلیمان اعمش روایت کرده که در خدمت
حضرت امام جعفر ع بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند
که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلیمان به بین که انگشترش چه نگین دارد
گفتم یا بن رسول الله عقیق نیست فرمود که اگر عقیق می‌بود تازیانه نمی‌زدند او را

گفتم یا بن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان انگشتر عقیق امان می‌بخشد
از دست بریدن عرض کردم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می‌یابد از خوف
لات می‌دارد که بلند کنند بدعا بسوی او دستی که در آن نگین عقیق
باشد چه گونه خالی می‌ماند از دینار و درهم عرض کردم یا بن رسول الله دیگر
بفرما فرمود که نگین در رشته او حرز است از هر بلائی محفوظ است عرض کردم یا بن
رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمنی می‌گرداند از فقر گفتم یا بن رسول الله روایت
کنم این حدیث را از جدت حسین ابن علی از پدرش امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
فرمود بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق
باشد بهتر است از هزار رکعت که با آن نباشد فصل چهارم در فضیلت
یاقوت و زبرجد و زمرد در حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا ع
منقول است که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل می‌کند
و از حضرت امام جعفر ع مروی است که سنت است انگشتر یاقوت در دست
از حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که انگشتر زمرد در دست کردن
موجب آسانی است که در آن هیچ دشواری نباشد و دیگر در حدیث از حضرت
امام رضا ع بهمین لفظ وارد شده است اما به لفظ زبرجد فرمود که انگشتر
زمرد در دست داشتن فقر را زایل می‌گرداند به توانگری مبدل میکند و فرمود
که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست داشته باشد فقیر نشود فصل پنجم
در فضیلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است

که هر که انگشتری

که هر که انگشتری فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی مهران
منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع رفتم در انگشت آن حضرت
انگشتری دیدم که نگینش فیروزه بود و نقشش الله الملک بود من بسیار نظر کردم
در انگشتری فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه انگشتری
فیروزه در دست داشته است که نقش الله الملک بود فرمود که او را می‌شناسی
گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است که جبرئیل ع برای حضرت رسول
الله آورد بهدیه از بهشت و آن حضرت با امیر المؤمنین ع داد و از حضرت
امیر المؤمنین منقول است که جزع انگشتر یمانی است در دست کنید که رد می‌کند
مکر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا ع منقول است که حضرت امیر
المؤمنین ع فرمود که روزی رسول خدا از خانه بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی
در دست کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را
بمن دادند و فرمودند که این انگشتر در دست خود دار نماز بکن که نماز در
جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میگوید و ثوابش برای صاحبش
نوشته می‌شود و علی بن جزری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و بسیار او را
دوست میداشتم و فرزندی از او بوجود نمی‌آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی
ع و این مطلب را عرض کردم پس تبسم فرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه
باشد در آن نقش کن این آیه را رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ
الْوَارِثِينَ چنان کردم یک سال نگذشت که از آن زن پسری بوجود آمد و از
حضرت رسول ص منقول است که خداوند عالمیان می‌فرماید که من شرم دارم

از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در ان دست انگشتر فیروزه باشد پس ان
را ناامید برنمیگردانم فصل چهارم در فضیلت در نجف و بلور و حدید
چینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفضل عمر منقول است که گفت روزی بخدمت
حضرت صادق ع رفتم و انگشتر فیروزه در دست داشت فرمود که ای مفضل فیروزه
نزهتگاه دیدهای مردان و زنان مؤمنه است یا دور کرده بیننده در دهاست از دیده
های ایشان و من دوست میدارم برای هر مؤمنی که پنج انگشتر در دست داشته باشد
یاقوت و ان فاخرترین همه است و عقیق و ان خالص تر است برای خدا و برای ما
اهل بیت و فیروزه و ان چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش میدهد و قوت
دل را زیاد می کند و چون بکاری رود ان را در دست کند پس چون برگردد حاجتش
برآورده شده باشد و حدید چینی و ان را دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته
باشد ولیکن دوست میدارم در دست کردن ان را در وقتی که بدیدن کسی رود
که از او ترسد از اهل شر برای انکه شر او ساکن شود حدید چینی شیاطین را دور
میکند و بهمین سبب دوست میدارم که داشته باشد پنجم ان در نجف که در نجف اشرف
خدا ظاهر است بدرستی که هر که ان در را در دست کند هر نظر کردنی بان خدا
وند عالمیان زیارتی یا حج و عمره در نامه اعمال او بنویسند که ثواب
پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آئینه هر نگین از ان
بقیمت بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توان
توانگر و فقیر در دست کرد از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که نیکو نگینی است بلور و از حسین بن عبد الله منقول است که سوال کردم از حضرت

امام علی نقی

امام علی نقی ع که آیا خوب است کردن سنگ ریزه که از چاه زمزم بیرون آید فر
مود که بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست بیرون آورد و بعضی اگر در دست
چپ باشد فصل هفتم در بیان انچه سزاوار است که در نگین نقش کنند
حسین بن خالد بخدمت امام رضا ع عرض کرد که جایز است شخص استنجا کند
در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت
فرمود که خوب نمیدانم اینرا از برای او گفت مگر رسول خدا و پدران تو با انگشتر
استنجا نکرده اند فرمودند که بلی ولیکن این انگشتر را در دست راست
میکردند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان مبندید پس فرمود که نقش نگین حضرت آدم علم
لا اله الا الله محمد رسول الله بود با خود از بهشت آورده بود و حضرت
نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن
بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا من تو را و مؤمنان
را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی وزید حضرت
نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال ان نشد که هزار مرتبه لا اله الا
الله را بگوید بزبان سریانی گفت هلولیا الفا الفا یا ماریا اتقن
پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود که سخنی
که خدا مرا بان نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد پس در
انگشت خود نگین ان را بعربی نقش کرد لا اله الا الله الف مرة
یا رب اصلحنی و از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که
صبح کند در دستش انگشتری عقیق باشد که در دست راست باشد و بعضی

از آنکه نظر کند بر کسی آن نگینی که بر آب کنی دست بگردانند و بآن نظر کنند و سوره
انا انزلناه فی لیلة القدر را بخوانند تا آخر پس بگوید آمنت بالله وحده لا
شریک له و کفرت بالجبت والطاغوت و آمنت بسر آل محمد
و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم چون چنین
خداوند عالم او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه بالا
میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو می رود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حرز
و حمایت خداوندی باشد تا شام و در حدیث دیگر منقول است که هر که انگشتری
از عقیق بسازد و در نگینش نقش کند محمد نبی الله و علی ولی الله
خدا او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد مگر بر دین خدا فصل نهم در آداب
سرمه کشیدن و در حدیث معتبر است از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت
امام رضا ع میلی از آهن نمودند و سرمه دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت
امام موسی ع بوده با این میل سرمه بکش و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول
که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع می دهد و در روز زینت است و در
حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که سرمه سنگ در چشم کشیدن
دهان را خوشبو می کند و مژه را محکم می کند و در روایت دیگر فرموده که سرمه کشیدن
قوت جماع را زیاد می کند و فرمود که هر که در شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد
در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیارد و در حدیث دیگر منقول است از حضرت
امیر المؤمنین که هر که سرمه کشد باید طاق بکشد و اگر چنین هم نکند باکی نیست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که چهار چیز است رو را نورانی
می کند نظر کردن در روی نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن

و در وقت

در وقت خواب و از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد باید که سرمه بکشد و از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که را
ضعف بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم کشد چهار در چشم
راست و سه در چشم چپ و از حضرت صادق ع فرمود که بر تو باد بمسواک
کردن که چشم را جلا می دهد بر تو باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو می کند
زیرا که چون مسواک می کند آدمی بلغم از چشم برطرف می کند و بدهان نازل
می شود و دهان خوشبو می شود و در فقه الرضا ع مذکور است که چون
اراده می کنی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر و در سرمه دان
بزن و چون در سرمه بزنی بگو بسم الله و چون میل را در چشم کشی بگو اللهم
نور بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی
الی طریق الحق وارشدنی الی سبیل الرشاد اللهم نور
علی دنیای و آخرتی فصل دهم در آداب نظر کردن
بآینه بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که رسول خدا فرمودند
که خداوند عالمیان واجب گردانید بهشت را از برای جوانی که بسیار
نظر در آینه کند و حمد خدا بسیار بگوید بر اینکه خدا او را بصورت نیکو آفر
یده او را معیوب نگردانیده است و در بعض روایات مذکور است که حضرت
رسول ص نظر می کردند در آینه و موی مبارک در ریش را شانه می کردند و از
برای اصحاب خود و زنان خود را می ساختند و می فرمودند که خدا می پسندد

ولایت می دارد آن بنده است که چون به نزد برادران مؤمن رود از برای ایشان
زینت کند و خود را بیاراید منقول است که حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤ
منین صلوات الله علیه فرمودند که یا علی چون در آیینه نظر کنی بگو اللهم کما
حسنت خلقی فحسن خلقی و ارزقنی

فصل یازدهم در فضیلت
خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب موی سر و ریش سنت
مؤکد است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا سنت است و مردان خضاب
دست و پا کراهت دارد مگر اندکی رنگی بعد از نوره بر جمیع اعضا حنا مالیدن
و حنا باید در دست اندک بماند که رنگ ناخن بسرخی مایل شود چنانچه بسندهای
معتبر از حضرت صادق ع منقول است که جناب پیغمبر فرمودند چهار چیز است
از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و نزدیکی با زنان و مسواک
کردن و خضاب به حنا کردن و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که
یک درهم در خضاب کردن صرف شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا
صرف نماید و در آن چهارده خصلت است باد را از گوشها زائل می کند و چشم
را جلا می دهد و بینی را نرم می کند و دهان را خوشبو می کند و بن دندانها را
محکم می کند و گند زیر بغل را دفع می کند و کم می کند وسوسه شیطان را و ملا
ئکه بسبب آن شاد می شوند و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران می شود
و زینت است و بوی خوش است و موجب خلاصی از عذاب قبر می شود و نکیر
و منکر شرم می کنند از آن سبب و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید خود را
رنگ کنید و شبیه مشوید به یهودان و حسن ابن جهم گفت که بخدمت حضرت امام

رضا ع رفتم

رضا ع رفتم دیدم که آن حضرت خضاب ریش سیاه کرده بودند پس فرمود که در خضاب
کردن اجر عظیم هست و خود را ساختن زیادتی عفت زنان است و جمعی از زنان
دست از عفت برداشتند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند
عرض کردند که بما رسیده است که حنا موی سفید را زیاد می کند حضرت فرمود که
موی سفید زیاد می شود با حنا و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت
رسول ص آمد و نظر کرد که موی سفید در ریش سفید آن حضرت بهم رسیده فرمود که این
موی سفید نور است پس فرمود که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد
از برای او نوری باشد در قیامت پس آن شخص بحنا خضاب کرد آمد به خدمت
حضرت فرمودند که هم نور است و هم اسلام پس رفت و خضاب کرد بسیاه
آمد حضرت فرمود هم نور است و هم اسلام ایمان و محبوب کرداند بسوی زنان
و خوف و بیم می اندازد در دل کافران و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است سزاوار نیست کسی را که دستش را از خضاب خالی گذارد اگر چه بمالید
حنا باشد هرچند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا زنان شوهردار و بی شوهر
را بخضاب اما شوهردار از برای شوهرش و اما بی شوهر از آنکه دستش بدست
مردان نماند و در حدیث صحیح و حسن منقول است که حضرت امام محمد باقر ع خضاب
بحنا می فرمودند خضاب سرخ رنگی و از حضرت امام موسی ع منقول است که هر زنی
علت حیضش قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و از حضرت
رسول ص منقول است که بهترین خضابها نزد خداوند سیاه است و در حدیث دیگر
از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول ص رخصت فرمود زنان را که

سر خود را بسیاهی خضاب کنند و بدانکه مشهور میان علما آن است که جنب را
خضاب کردن مکروه است و همچنین است در حال خضاب شدن باکی نیست و همچنین
مکروه است زن حایض را خضاب کردن باب سیم در آداب خوردن
و آشامیدن فصل اول در بیان ظرفهائی که در خوردن و آشامیدن و سایر
استعمالات توان استعمال نمود و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست خوردن
و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلاف است و احوط
اجتناب است و بعضی گفته اند که طعام را در جای دیگر کنند و اگر چه دلیلی ندارد
اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوئی که در ظرف طلا و نقره بسازند احوط
و در مانند سرمه دان و عنبرچه و سر قلیان و قندیلها که بطریقی طرفی گشوده که
در مشاهد مشرفه می آویزند و ظرف و مصحف و دعا و آینه را بنقره و طلا گرفتن
بلکه چوب را از نقره گرفتن خلاف است و احوط در همه اجتناب است
اگر چه حرمت اینها بر حقیر ثابت نیست و در نیچه قلیان که از نقره کوب
چیزی خوردن و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آن است که دهان را بموضع نقره
و طلا نرساند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که در دنیا از ظرف طلا
و نقره بخورد و در آخرت از ظروف طلا و نقره بهشت محروم ماند در
حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقول است که ظرف طلا و نقره متاع
جماعتی است که یقین بآخرت ندارند فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای
لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه از احادیث اهل بیت ع
ظاهر میشود و طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوب
و پاکیزه ها

و پاکیزه که آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست
اما باید که از حلال باشد و آن قدر نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد
و مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف دارد بخوردن و آشامیدن نباشد
بلکه باید منظور و مقصود از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد
و باید آن قدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد و خدا مسرفان را
دوست نمیدارد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که سه چیز
است که حق تعالی مؤمن را در قیامت با آنها نمیکند طعامی که بخورد و جامه که ب
پوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاه دارد و ابو
خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفتم حضرت چاشت
طلبیدند و من خوردم با آنحضرت هرگز از آن نیکوتر و پاکیزه تر طعامی نخورده
بودم پس فرمود که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدای تو شوم هرگز باین خوبی
طعام نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیه که در کتاب خداست که ثُمَّ
لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ که ترجمه این است که البته سؤال کرده خواهد
شد در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم در این
آیه مذهب تشیع و ولایت اهل بیت ع که در قیامت از شما سوال
خواهند کرد و از حضرت پیغمبر ص منقول است که بسیاری چیزی خوردن مورث
پیسی است و از حضرت صادق ع منقول است که سه چیز خدا دشمن میدارد
صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر
محل تعجب و خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول منقول است
که مؤمن در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد

بعض بسیار می خورد و در حدیث دیگر منقول است که ابو جحیفه بخدمت آن حضرت
آمد و آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که در
دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر
نخورد تا از دنیا رفت در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیزی را خدا دشمن نمی دارد
مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است
که حضرت عیسی ع بشهری رسید که مرد و زنی فریاد میکردند با یکدیگر نزاع
داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن من است و صالحه است
و عیبی ندارد اما من کراهت می دارم و می خواهم از او جدائی اختیار کنم فرمود
حال که بهم [illegible] سبب این کراهت را بگو جهت گفت که رونقش کهنه و بدتر او
شده است با آنکه پیر نشده باشد حضرت با آن زن فرمود که می خواهی آبرویت
برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود که طعام می خوری سیر نخور زیرا که طعام
زیاد چون در معده جمع شود آب رو را می برد آن زن چنین کرد و رویش بحا
لت آمد و طراوت برگشت محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم
ع منقول است که اگر مردم میانه رو باشند در طعام خوردن همیشه بدن ایشان
صحیح باشد و از حضرت رسول ص منقول است که پنج خصلت است که موجب
برص و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل
کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که آدمی را ناچار است
از طعامی که بآن قوت بیابد و هر گاه طعام می خورد باید که یک حصه شکم را از برای
طعام قرار دهد و یک حصه را برای آب و یک حصه را برای نفس کشیدن

و سعی مکنید

و سعی می کنند در فربه کردن خود چنانکه حیوانات می کنند و فرمود که هر گاه شکم
سیر شد باعث طغیان و فساد می شود و فرمود که دردی و بیماری که می شود
از بسیار خوردن است بغیر از تب که از بیرون می رسد و حدیث دیگر منقول
است که حضرت عیسی ع فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی نخورید
و هر گاه گرسنه بخورید زیرا که سیر شدید گردنها باریک کنده می شود و پهلوهای شما
فربه می شود پروردگار را فراموش می کنید و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول
است که کفران نعمت الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم
و مرا ضرر کرد در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که همیشه ایمن است
با چیز و نعمت باشند مادام که لباس عجمانه را نپوشند و طعامهای عجمانه را نخورند
پس چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول ص منقول
است که نیکو نان خورشی است سرکه و همین بس است در اسراف که هر چه بنزد
او بیاورند و خواهش دارد نخواهد فصل سیم در بیان آداب و اوقات
طعام خوردن سنت است که چاشت بامداد بخورد و در میان روز دیگر طعام
نخورد و بعد از نماز خفتن باز دیگر طعام بخورد و لقمه را کوچک بردارد و نیکو
بخاید و نظر بروی مردم نکند و طعام گرم نخورد و در طعام گرم [illegible] زند
بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد نان را بکارد نبرد و استخوان را
پاک نکند و بیشتر از سه انگشت چیز نخورد و از پیش خود چیز بخورد و دست
در پیش دیگران نکند و کاسه را و انگشتان را بلیسد در حال جنابت

مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو سازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق
بکند کراهتش ضعیف می‌شود در حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد در حال
جنابت با آنکه آنها را بعمل آورد بیم آن است که در حدیث دیگر منقول است
که پسر برادر شهاب بحضرت امام جعفر ع شکایت کرد که از درد و امتلا
دفع معده حضرت فرمود که چاشت و شام بخورد در میان دیگر چیزی نخورد
زیرا که خداوند عالم در وصف طعام اهل بهشت می‌فرماید که لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا
بُكْرَةً وَعَشِيًّا ترجمه‌اش این است که مهیا است برای اهل بهشت روزی ایشان
در بهشت بامداد و پسین یا خفتن در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقول است که طعام خوردن پیغمبران آخر روز بعد از نماز خفتن است آن را ترک
مکنید که ترک میکند که ترکش موجب خرابی بدن است در حدیث دیگر منقول
است که ترک طعام خوردن طرف شب آدمی را پیر میکند که چون پیر شد باید
که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد که دهانش خوشبو می‌شود و فلفش
نیکو می‌شود از حضرت امام موسی ع منقول است که چیز خوردن در شب را
ترک مکنید اگر چه بپاره نان خشکی باشد که باعث قوت بدن و قوت جماع
است و از حضرت صادق ع منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن
در شب شنبه و شب یکشنبه را بهم قوت از او بر طرف شود تا چهل روز باز نگردد
و فرمود که طعام شب نافع‌تر از طعام روز است و از حضرت امام رضا ع
منقول است که در بدن رگی هست که آن را عشا نام دارد هر که در طرف
شب چیز نخورد آن رگ او را نفرین می‌کند تا صبح می‌گوید خدا تو را گرسنه
بدارد چنانکه مرا گرسنه داشتی و خدا تو را تشنه بدارد چنانکه مرا تشنه

داشتی

داشتی پس البته ترک نکنید عشا را اگر چه لقمه نان باشد اگر چه یک دم آب
باشد و از حضرت صادق ع منقول است که سزاوار نیست مؤمن را از خانه
بیرون رفتن تا آنکه چاشت بخورد باعث زیاد عزت او است در حدیث
دیگر فرمود که هرگاه خواهی پی حاجتی بروی پاره نان خشک با نمک بخورد
که بیشتر باعث عزت تو است و حاجتت را زودتر بر می‌آید از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که طعام گرم را بگذارید که تا سرد شود بدرستیکه طعامی
نزد رسول خدا ص آوردند فرمود بگذارید تا سرد شود که خدا آتش طعام ما
نگردانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا
ع منقول است که طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد
و در حدیث از سلیمان بن خالد منقول است که گفت حاضر شدم یک شب
در سر سفره حضرت امام جعفر صادق ع در تابستان خوانی آوردند که
نان در آن بود و کاسه آوردند که ترید گوشت در آن بود پس دست بر آن
گذاشتند و بر داشتند فرمودند که امان می‌طلبیم از خدا از آتش جهنم تاب
این گرمی نداریم و چه بر این صبر توانیم کرد و چه گونه تاب آوریم و صبر کنیم
بر آتش جهنم این را مکرر میفرمود تا طعام چنان شد که میتوانست
خورد پس تناول فرمودند و ما هم تناول کردیم و از حضرت صادق ع منقول است
که مکروه است دمیدن در گرمیها و در نهادن از طعام و در موضع سجده و در
حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که اگر از برای سرد کردن بدمد قصوری
ندارد و محمول بر ضرورت و حالت استعمال میتوان کرد و از حضرت امیرالمؤمنین

ع منقول است که مخورید از بالای ترید از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای
طعام است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هرگاه یکی
از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول است که آن
حضرت کاسه طعام را میلیسیدند و میفرمودند که هرگاه طعام خورید کاسه را
بلیسید چنان است که مثل آن را تصدق کرده باشید و منقول است که حضرت امیرالمؤمنین
بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میفرمودند هر که کاسه طعام را به
لیسد ملائکه بر او صلوات میفرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی و حسنات
او را مضاعف برای او نویسند و از حضرت امام جعفر ع منقول است که در
وقت طعام خوردن دو زانو بروش بندگان می‌نشستند و دست بر زمین
میگذاشتند و به سه انگشت چیز تناول میکردند و میفرمودند که رسول خدا چنین
طعام تناول میکردند نه بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیز میخورند
و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول الله ص فرمود که هرگاه کسی طعام
خورد و انگشتان خود را بمکد و بلیسد خداوند عالمیان فرماید که خدا برکت
دهد ترا و از حضرت صادق ع منقول است که آن حضرت کراهت داشتند
از اینکه دست را بدستمال پاک کند در وقتیکه چیزی از طعام در آن باشد تا آنکه
خود میمکید یا بطفلی که در پهلوی آن حضرت بود میدادند که میمکید برای
حرمت طعام از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که کسی خواهد که طعام او را
ضرر نرساند تا گرسنه نشود و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد
بگوید بسم الله و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام
داشته باشد و بسند معتبر منقول است از حضرت علی بن الحسین ع که استخوان را
نمکید که جنیان را در آن بهره هست و اگر بکنید ایشان از خانه شما چیزی میبرند

که بهتر از آن

که بهتر از آن باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسین ع منقول است که در خوان
دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجب است که بداند چهار از آن فرضی
است و چهار دیگر سنت است و چهار دیگر تادیب است اما فرضی پس آن است
که منعم خود را بشناسد و بداند نعمتی که از جانب پروردگار است و راضی بودن
بانچه خدا با و عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما چهار از آن
سنت پس دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و به سه
انگشت چیز خوردن و انگشتان را لیسیدن و اما تادیب از پیش خود
خوردن و لقمه را کوچک کردن و بسیار خائیدن و در روی مردم نگاه
نکردن و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین بحضرت امام حسن
ع فرمود که میخواهی ترا تعلیم کنم چهار خصلت که اگر بجا آوری از طبابت
طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیرالمؤمنین فرمود منشین بر طعام مگر وقتی
که گرسنه شوی و بر مخیز از طعام مگر وقتی که خواهش داشته باشی و نرم بخای
که هرگاه خواسته باشی بخوابی بیت الخلا برو **فصل چهارم** در سایر آداب
طعام خوردن سنت است که بدست راست چیز بخورد و دو زانو بنشیند و خوا
بیده چیز نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن
مکروه است و اگر پا را بروی زانو گذارد بدتر است و تنها چیز خوردن بر روی
چیز خوردن سنت است و مشهور رایج است که در وقت راه رفتن چیز خوردن
مکروه است و پیش از طعام سنت است که دست را بشویند و در دست
شستن پیش از طعام سنت است که دست بدستمال خشک نکند و اول
صاحب خانه دست بشوید و بعد هر که در جانب راست او است به ترتیب

بشویید تا آخر مجلس و دست شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحب خانه ابتدا
کنند و خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آبها را بر یزند
بر سر خوانیکه شراب در آن بخورند چیز خوردن حرام است و بعضی گفته اند که هر
امر حرامی که خوردن باکنند در آن مجلس چیز خوردن حرام است حتی بر سر سفره
جایی که غیبت مسلمان کنند حرام است و سنت است که در اول و آخر
طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که حضرت رسول ص لعنت فرمود بر سه کس کسی که توشه خود را تنها بخورد
و کسیکه در سفر تنها برود و کسیکه در خانه تنها بخوابد در حدیث دیگر از آن
حضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع بشود آن تمام است هرگاه
که از حلال باشد و دست بسیار در آن دراز شود و نام خدا در اول آن
گفته شود و در آخر حمد الهی کنند و در حدیث صحیح منقول است که چون
خوان طعام در نزد حضرت امام رضا ع حاضر شد کاسه می طلبیدند و از طعامهای
لذیذتر بود از هر طعام قدری بر میگرفتند در آن کاسه میگذاشتند و می فرمودند
که بمساکین و درویشی بدهند و در حدیث معتبر وارد شده است از حضرت
امام جعفر صادق ع که حضرت یعقوب ع بمفارقت فرزندان برای
آن مبتلا شد در روزی گوسفند فربهی کشت و بریان کرد و مرد صالح
روزه داری در نزدیک خانه او بود بوی آنرا شنید و غافل شد که باو بخوراند
پس جبرئیل در همان شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا در همان
شب حضرت یوسف آن خواب را دید بعد از آن حضرت یعقوب در وقت

چاشت

چاشت می فرمودند که ندا می کردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت می خواهد
بطعام حضرت یعقوب حاضر شود و در شب نیز چنین ندا می کردند و در حدیث
دیگر منقول است که چون طعام حاضر شود هر سائلی که بیاید رد نکنند
در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقول است که ملعون است کسیکه بنشیند (کسی)
بر سر خوانی که در آن شراب خورند و در احادیث معتبر بسیار از حضرت
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام منقول است که هر که خواهد خیر خانه
اش بسیار شود دست را پیش از طعام بشوید و فرمودند که شستن دست
پیش از طعام فقر را زایل می کند و روزی را زیاد می کند و چرک را از جامه
دور کند و چشم را جلا میدهد و درد را از بدن دور می کند و از حضرت صادق
ع نقل است که دستها را همه در یک ظرف بشویید تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث
معتبر از حضرت جعفر صادق ع منقول است که دست را برای طعام خوردن
که بشوئی دست را بدستمال پاک مکن که تا تری باشد هست برکت
در طعام است و فرمود که بعد از دست شستن دست بر رو مالیدن کلف را
از روی بر طرف می کند و روزی را زیاد میکند و از مفضل ابن عمر منقول است
که شکایت کردم بان حضرت از آزار چشم حضرت فرمود که چون بعد از طعام
دست بشوئی دستها را بر ابروها بمال و سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل
المنعم المفضل مفضل گوید که چنین کردم آزار چشم ندیدم و از حضرت
صادق ع منقول است که چون بعد از طعام دست بشوئی آن تری که در دست
هست بر دیدهای خود را مسح کن که این امانی است از درد چشم و در حدیث

موفق منقول است که حضرت رسول ص فرمودند که یا علی در اول طعام
و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام به نمک کند خدا دفع کند هفتاد و
نوع از انواع بلا را که آسانتر آنها خوره باشد و در روایت حسن دیگر علاوه نیز باید
از هفتاد و نوع از انواع بلا که از جملهٔ آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت
دیگر از درد گلو و درد دندان و درد پهلو و درد شکم و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که در نمک شفاء از هفتاد و نوع از انواع درد هست
مراد آنکه مگر با آن و فرمود که حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی ع که امر کن قوم
خود را که افتتاح و اختتام بنمک کنند و اگر نکنند ببلائی مبتلا شوند خود را ملامت
نکنند و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که حضرت رسول ص در
اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل را بر او زد و او را کشت و چون فارغ شد
فرمود که لعنت خدا بر تو باد نه نیکوکار را می‌گذاری و نه بدکار را مگر آنکه او را
ضرر رسانی پس نمک سائیده طلبید و بر موضع گزنده عقرب مالید و فرمود که اگر مردم
منفعت‌های نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق و غیر آن نشوند و در بعض
روایات معتبره وارد شده است که ابتدای طعام بسرکه نیز خوب است
و عقل را زیاد می‌کند و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول
است که ما ابتدا به نمک و ختم بسرکه میکنیم و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که می‌خورد توانگری آورد و در حدیث دیگر
منقول است که آن حضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای
بنی عباس بود رفتم در وقتی که سفره‌اش گسترده بود پس دست مرا گرفت
و بنزد خود کشیده پای من بر کنار سفره واقع شد پس اندوهگین شدم

که خدا داند زیرا

که خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن حضرت
منقول است که طول دهید نشستن بر سر سفره را که این ساعتی است که از عمر
شما حساب نمی‌شود و در اسانید معتبره منقول است که حضرت رسول ص با جماعتی
طعام می‌خوردند یعنی مهمانان بیشتر از همه دست می‌کشیدند برای آنکه بیشتر
چیزی بخورند و منقول است که حضرت رسول ص هرگز بر خوان چیزی نمی‌خورد
ند بلکه بر روی سفره می‌خوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم می‌شود که در آن
زمان خوان را پایه دار و بلندی می‌ساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن
خم نباید شد والله یعلم فصل پنجم در بیان دعاهائی که در وقت
طعام خوردن از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که از زبان پیغمبر ص فرمودند
که چون خوان را می‌گذارند چهار هزار ملک بر دور آن احاطه می‌کنند اگر بنده
بسم الله گفت ملائکه میگویند خدا برکت فرستد بر شما و بر طعام شما و به شیطان
می‌گویند بیرون رو ای فاسق که تو را بر ایشان تسلط نیست و بعد از
فارغ شدن اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی‌اند که نعمت را
خدا داد بایشان پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله در ا
ول نگفتند ملائکه بشیطان می‌گویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخورد
و اگر خوان برداشتند و ایشان الحمد لله نگفتند ملائکه می‌گویند که ایشان
گروهی‌اند که خدا بایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش
کردند و بسند حسن از حضرت صادق ع منقول است که هرگاه مسلمانان که

خواهد که طعام بخورد و چون لقمه‌ها بردارد بگوید بسم الله و الحمد لله رب
العالمین پیش از آنکه لقمه بدهانش رسید خدای تعالی گناهانش را بیامرزد و در
حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که روزی حضرت امیرالمؤمنین ع
فرمودند که من ضامنم از برای کسی که بگوید بسم الله بر طعام از آزار آن باو نرسد
ابن کوا گفت که یا امیرالمؤمنین دیشب طعام خوردم بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت
فرمود شاید چند رنگ طعام خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی و در بعضی نگفته باشی ای
احمق و در حدیث صحیح منقول است که شخصی به حضرت صادق ع عرض کرد که از طعام آزار
میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و از آن آزار میکشم فرمود که هرگاه
سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه از سخن
فارغ شوی و عود بخوردن کنی بسم الله بگو و در روایت صحیح دیگر منقول است از آن
حضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش
کنم چه کنم فرمود که بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلیٰ اَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول
است که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار مگوئید که این طعام
نعمت و روزی خداست و بر شما واجب است که در وقت صرف کردن آن شکر خدا
و یاد او و حمد او بکنید و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقول است که طعام خورنده
و شکر کننده بهتر از روزه دار خاموش است و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که آن حضرت فرمودند که من ضامنم که هر که این کلام
را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ خَیْرِ
الْاَسْمَاءِ مِلْاءُ الْاَرْضِ وَ السَّمَآءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِی لَا
یَضُرُّ مَعَهُ دَاءٌ فصل نهم در آداب بعد از طعام خوردن در
حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که هرگاه چیزی خورد بر پشت

بخوابد

بخوابد و پای راست را بر روی پای چپ گذارد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
امیرالمؤمنین ع مرویست که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای
هر دردیست باذن الهی برای کسی که بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول
است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که
بر تو باد بآنچه از خوان بر زمین می‌افتد بخور پس چنین کرد که صاحب ایشی درد
بود نکردند و زایل شد از ایشان و در حدیث دیگر معویة بن وهب گوید
در خدمت آن حضرت بودم طعام خوردیم چون خوانها برداشتند برمیچیدند
آنچه از خوان افتاده بود تناول میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها
فقرها و درویشیها برطرف میکند و فرزندانها زیاد میکند و از حضرت رسول ص
منقول است که هر که پاره‌ها نان بیابد و بردارد بخورد یک حسنه از برای او باشد
و هر که پارهٔ نانی در میان جای کثیفی بردارد یا جای نجسی بردارد پس بشوید
در جای پاکی گذارد برای او هفتاد حسنه نویسند و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که حضرت رسول الله ص روزی بخانه عایشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین
افتاده است برداشتند و تناول فرمودند و گفتند ای عایشه گرامی دار نعمتها
ی خدا را بر خود که نعمت خدا از جماعتی که گریخت دیگر بسوی ایشان بر نمی
گردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که در خانه خود طعا
م داشته بخورد و از آن طعام چیزی بیفتد آنها بردارد و اگر در صحرا باشد
برای مرغان و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی ع منقول است
که اگر در صحرا باشد برمدار اگر چه یک ران گوسفند باشد و از عبدالله ارجانی منقو
ل است که گفت در خدمت حضرت صادق ع بودم دیدم که بعد از طعام میگردید

و آنچه بر زمین افتاده برمی‌دارد حتی کنجد و امثال آن را گفتم فدای تو شوم اینها را
برمی‌چینید فرمود که اینها روزی تست مگذار که از برای دیگری که اینها شفاست از همه دردی
در حدیث دیگر منقول است که خوردن آن فقر را برطرف می‌کند از خورنده آن و
فرزندان او و فرزندان فرزندان او تا فرزند هفتم و در روایت دیگر هر که
بخورد خدای تعالی نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرد آب و
حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که خرمائی یا پاره نانی بیابد که بر زمین
افتاده است پس بود او را که بردارد و پاک کند بخورد و شکمش قرار نگیرد
مگر آنکه بهشت او را واجب شود و بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقول
که شنیدم از حضرت رسول الله که آنچه در سفره و خوان بریزد مهر حور العین است
و بسند معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت حسین بن امیرالمؤمنین داخل
بیت الخلا شدند لقمه نانی دیدند که افتاده است برداشتند بغلامی از غلامان
خود دادند و فرمودند که هرگاه بیرون آیم این را بمن ده پس چون بیرون آمدند
پرسیدند که چه شد لقمه نان گفت خوردم فرمود که ترا آزاد کردم از برای خدا
شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم رسول خدا ص
شنیدم که هر که لقمه نانی بیابد او را پاک کند بشوید پس بخورد آن در شکمش
قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد کند و من بنده که بدارم کسی را که خدا از آتش — آزاد کند
جهنم آزاد کند و در صحیح از حضرت صادق ع منقول است که ریزه خورد مؤمن شفاء
هفتاد درد است و بسند معتبر از یاسر و نادر از خادمان حضرت امام رضا
ع منقول است که آن حضرت می‌فرمودند بخادمان خود که اگر من بر بالای سر شما — شما
بایستم در وقت طعام خوردن برمخیزید تا فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما را
می‌طلبیدند

می‌طلبیدند می‌گفتند چیزی می‌خورد فرمودند بگذارید تا فارغ شوند و در وقت طعام
خوردن ما را خدمت نمی‌فرمودند فصل هفتم در فضیلت نان و سویق
و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوانات حاصل می‌شود و سرکه و شیر بسندها و بروایت
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که گرامی دارید نان را که کار کرده‌اند در او
ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه برای شما بعمل آمده است
و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است
فرمود که چون حاضر شود بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید از حضرت رسول ص مرویست
است که نان را بو مکنید روزه میدارید و هیچ خانه بزرگ ... کاری کنید و در روایت
دیگر فرمود که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و میان ما و نان جدائی
میفکن که اگر نان نباشد نماز نمیکنیم و روزه نمی‌گیریم و فرایض خدا را ادا نمی‌توانیم
کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و
رخنه گرسنگی را بنان ببندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام
ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که گرده‌های نان را کوچک کنید که با هر گرده
برکت است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که فضیلت نان
جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست
که مگر آنکه دعا کرده است برای خورنده نان با نان جو و برکت فرستاده است
بر او و داخل هیچ شکمی نشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست بیرون میکند
و نان و طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکان است و حق تعالی نگردانیده است
قوت پیغمبران را مگر نان جو و فرمود که داخل شکم صاحب مرضی نمی‌شود چیزی که
نافع‌تر از نان برنج باشد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق

منقول است که برای صاحب اسهال نان برنج نیکو است و هم چنین برای
صاحب سل و دردها را از بدن می‌کند در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است
که پیوسته خورش حضرت رسول ص نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند
از حضرت صادق ع منقول است که بهترین نان خورشها در دنیا و آخرت
گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی در صفت بهشت میفرماید و لحم طیر
مما یشتهون یعنی گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشند آن را و در حد
یث حسن از حضرت صادق ع منقول است که گوشت خوردن در بدن گوشت
می‌رویاند و کسی که چهل روز گوشت نخورد که خلقش بد میشود و هر چه که خلقش بد شود
اذان در گوشش بگویند و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل
بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا میشود و در حدیث صحیح منقول
است که از حضرت صادق ع پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود طعام
درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده است از گوشت
قدید که در سایه خشک کرده باشند وارد شده است که دردها را حرکت
می‌آورد و معده را سست میکند و از حضرت صادق ع منقول است
که سه چیز است که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد
خوردن آن گوشت قدید و با امتلای معده بحمام رفتن و جماع با زنان
پیر کردن و در روایت دیگر است که با امتلای مجامعت با زنان و در حدیث
دیگر از آن حضرت منقول است که سه چیز است که خوردنی نیستند و بدن
را فربه می‌کند و سه چیز است که خوردنی اند بدن را لاغر می‌کند و دو
چیز است که به همه چیز نفع می‌رسانند و به هیچ چیز ضرر نمی‌رسانند و دو چیز است

که به همه جهت

که به همه جهت ضرر می‌رسانند و به هیچ جهت نفع نمی‌دهند اما آنها که خوردنی
نیستند و نفع می‌رسانند بدن را فربه می‌کند پیراهن کتان پوشیدن است
و بوی خوش کردن و نوره مالیدن و اما آنها که خوردنی است بدن را لاغر
می‌کند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که به همه جهت نفع
می‌رسانند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که به همه جهت ضرر می‌رسانند
گوشت خشک کرده و پنیر و احادیث معتبر در مدح کتان منقول است که ضعف را
زایل می‌گرداند و زنگ را سفید می‌کند و تب را زایل می‌کند و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت
می‌دهد و از جمله مائده‌ای است که خداوند عالمیان بر حضرت رسول ص نازل کرده
بود و از حضرت صادق ع منقول است که پیغمبری از پیغمبران بحق تعالی شکایت
نمود از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را امر فرمود بخوردن هریسه
در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که هر که شب بخورد ماهی را بعد
از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح رگ فالج در بدن او متحرک باشد و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را میکاهاند و در
روایت دیگر منقول است که ماهی تازه خوردن پیه چشم را می‌گدازد و شخصی بخدمت
حضرت امام رضا ع آمد و شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم
مرغ با پیاز بخور و از حضرت امام جعفر ع منقول است که پیغمبری بخدا شکایت
کرد از کمی فرزند وحی باو رسید که تخم با گوشت بخورد و در حدیث دیگر فرمود که
زرده تخم سبک است و سفیده اش سنگین است و از حضرت امام موسی ع منقول

که بسیار می‌کند فرزندان و خوردن تخم و در مدح سرکه حدیث معتبر بسیار وارد
شده است و منقول است که بهترین نان خورشها نزد حضرت رسول ص سرکه بود
می‌فرمودند هر خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت امیر
المؤمنین فرمودند که نیکو نان خورشی است سرکه صفرا را فرو می‌نشاند و دل را زنده
می‌کند و حضرت موسی ع فرمود که هر که آب پشتش معیوب شده یعنی فرزند از او
حاصل نشود شیر با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول ص
منقول است که بر شما باد به سبزیها و کم آن از همه درخت می‌خورد و خاصیت
هر گیاهی در سبزی هست و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که سبزیها دوا است
و در حدیث دیگر منقول است که هر که خواهد که ماش او را ضرر نرساند با زیتون
بخورد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که دوست میدارم سبزی را در روایتی وارد
شده است که در طرف جانب مضر است و در طرف شب نافع است و موجب
تولد فرزند می‌شود و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که خوردن منقول کرفس
در تابستان حرارت اندرون را حرکت می‌آورد و دملها در بدن احداث
میکند و در چند روایت وارد شده است که پنیر با مغز گردو چون با هم بخوری
دوا است و هر یک را که تنها بخوری درد است فصل هشتم در فواید حبوب
و سبزیها و میوه‌ها و سایر ماکولات از حضرت امام جعفر صادق ع منقول
است که نیکو طعامی است برنج روده‌ها را گشاده میکند و بواسیر را قطع می‌کند از
چند روایت وارد شده است که ما بیماران خود را به برنج دوا می‌کنیم
در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع از درد
شکم

شکم شکایت کرد حضرت فرمود که برنج بشوی در سایه خشک کنی و اندکی بریان
کنی و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخوری و در روایت دیگر منقول است که از آن حضرت ع
درد شکم برطرف شد در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام رضا ع نخود بریان
کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از حضرت
رسول ص منقول است که هفتاد پیغمبران برکت فرستاده اند و در روایت دیگر بسیار
وارد است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری
می‌کند و در روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساقها را مغز میکند و دماغ
را زیاد میکند و تولید خون تازه میکند در روایت دیگر منقول است که باقلا را با پوست
بخورید که معده را دباغی می‌کند و منقول است که خوردن لوبیا بادها را در اندرون
دفع میکند در حدیث معتبر منقول است اگر چند طعام بنزد حضرت رسول ص می‌آوردند
که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما می‌نمود و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که کراهت دارد پوست میوه را کندن در حدیث دیگر فر
مود که بر روی هر میوه زهری هست پس چون بیاورند برای شما با آب فرو برید و
بخورید و بسند از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول که بیست و یکدانه مویز سرخ
ناشتا خوردن جمیع مرضها را دفع می‌کند مگر مرض مرگ را در حدیث معتبر منقو
ل است از آن حضرت که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود
که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم می‌کند و فرمود هیچ
میوه نزد حضرت رسول ص محبوب‌تر از انار نبود و میخواست که با او در خوردن آن کسی

شریک شود که در هر اناری دانهٔ از بهشت هست و چون کافر می‌خورد ملک می‌آید
دانه را بر می‌دارد که نخورد باین سبب مستحب است که انار را تنها بخورند و از حضرت
صادق ع روایت است که هر مؤمنی که اناری تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او
چهل روز دور گرداند که هر مؤمنی که دو انار تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل آن
مؤمن صد روز دور گرداند و هر مؤمن که سه انار تمام بخورد بخدا قسم که خدا شیطان را از
روشنی دل او یکسال دور گرداند و هر که یکسال شیطان از او دور گردد گناه نمی‌کند و هر که
گناه نکند داخل بهشت می‌شود و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که هر که
انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار با پیه
بخورید که دباغی معده را میکند و شعور را می‌افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شا
پسته تر است در شکم بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که سیب معده را
جلا میدهد و از حضرت امام موسی ع فرمود که خوردن سیب نافع است برای زهر و
سحر و استیلای اجنه و غلبه بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن بهتر نیست در روایات
معتبره وارد است که خوردن سیب دفع تب در عاق و طاعون میکند و فرمود که
اگر مردم بدانند که چه نفعها در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر
به سیب و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که خوردن به دل ضعیف را قوی می
گرداند و معده را پاکیزه می‌کند و دل را زیرک کند و مرد ترسان را شجاع می‌کند او را
و از حضرت صادق ع منقول است که رنگ را صاف میکند فرزند را نیکو می‌کند در
حدیث دیگر فرمود که هر که یک به ناشتا بخورد آب منی را پاکیزه کند و فرزند خوش
وجیه شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان

او جاری

او جاری گرداند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبر را نفرستاده است
مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که به غم و اندوه را می‌برد چنانچه دست عرق جبین
را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقول است که انجیر گند دهان
را زایل میکند و استخوان را محکم میکند و موی را میرویاند و دردها را می‌برد و با آن به
دوای دیگر حاجت نیست و شبیه‌ترین میوه‌ها است بمیوه‌های بهشت و بسند
معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که بخورید امرود که جلا میدهد دل را
و دردهای اندرون را ساکن میکند باذن الله تعالی در حدیث دیگر منقول است از حضرت
صادق ع که امرود دباغی میکند معده را و با سیری خوردن نافع تر است از ناشتا خورد
ن و از زیاد قندی منقول است که رفتم بخدمت حضرت امام موسی ع که نزد آن حضرت
ظرفی آب گذاشته و در میان آن آلوی سیاه ریخته اند پس فرمود که حرارتی بر من غالب
شده است آلوی تازه حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن می‌گرداند و آلوی
خشک خون را ساکن گرداند و دردهای کهنه را از بدن می‌کشد و از حضرت صادق
ع منقول است که سنجد مغزش گوشت را میرویاند و پوستش پوست را میرویاند و
استخوانش استخوان را می‌رویاند و خوردن سنجد گرده را گرم میکند و معده را د
باغی می‌کند و امان می‌دهد از بواسیر و از تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد
و رگ خوره را قطع میکند و از حضرت صادق ع منقول است که بخورید خر
بوزه که در آن ده خصلت است دردی و فسادی بر آن نیست و خورده
است و آشامیدنی است و میوه است و گلیست و اشنان است که دهان را
پاک میکند و نان خورشی است و قوت جماع را زیاد میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول
میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا ع منقول است که خربزه خوردن نا
شتا مورث فالج است و حضرت رسول ص رطب با خربزه میل فرموده و دوست می‌داشت

و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است چون حضرت رسول ص میوهٔ تازه میدیدی
بوسیدند و بر چشمها دیده میگذاشتند و میگفتند اللّهمّ كما أريتنا أوّلها في عا
فيةٍ فأرنا آخرها في عافيةٍ یعنی خداوندا چنانچه نمودی باولش را در عافیت
پس بنما بما آخرش در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقول است اول
بسم الله بگوئید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق ع منقول است که هرگز خوان نزد امیرالمؤمنین
ع نیاوردند مگر سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبز است و به سبزی مایل است
و فرمود که هرکه شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده باشد در آن شب از قولنج ایمن
گردد و فرمود که کسی خواهد که مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد برگ را در
حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزه است کاسنی هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ از بهشت
بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت میدهد که قطرهٔ آتش بریزد و فرمود
که کاسنی بهترین سبزیها است و فرزند را بسیار نیکو میکند و پسر میآورد و فرمود که
فضیلت آن بر سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا ع فرمود
که خوردن کاسنی شفای همه دردهاست و هیچ دردی اندرون فرزند آدم نیست مگر
آنکه کاسنی آنرا از بیخ میکند و تخفیف را تب عارض شد و صداع داشت حضرت فرمود
که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذ پهن کنند و روغن بنفشه بر آن بریزند و بر پیشانیش
بگذارند که تب و صداع را برطرف میکند و از حضرت صادق ع منقول است که بخور
تره را که در آن چهار خصلت است گند دهان را برطرف میکند بادها را دفع میکند
و بواسیر را قطع میکند و هرکه مداومت کند بر آن از خورهٔ ایمن است و از حضرت صا
دق ع منقول است که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را بخوردن چغندر و بر دن آوردن
رگهای گوشت و حضرت امام رضا ع فرمود که بخورانید به بیماران خود چغندر را که آن شفاست

و در آن درد نیست

و در آن درد نیست و حرکت ندارد و بیماران را بخواب راحت میبرد در چندین
حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول ص دوست میداشتند کدو را و از میان دیگ
و از میان صحن بر میچیدند کدو را و امر میفرمودند زنان خود را که کدو را در طعام
در طعام بسیار بکنند و وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین که یا علی بر تو باد بخوردن کدو که
که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق ع منقول است که در ترب سه خصلت
است برگش دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش قطع بلغم میکند
و در روایت دیگر فرمود که برگش مورث ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش
ادرار میکند بول را و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول
است که خوردن کندر قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند
و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم و مداومت بکنید بر خوردنش که هیچ کس
نیست مگر آنکه او را رگ خوره است و شلغم آن رگ را میگدازد و در حدیث منقول است
که حضرت رسول ص خیار را با نمک میخوردند و از حضرت صادق ع منقول است که خیار را
از تهش ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد و در حدیث دیگر معتبر
از آن حضرت منقول است بادنجان که درد را میبرد بادنجان درد نیست و احادیث در مدح
و منفعتش بسیار است و از حضرت صادق ع منقول است بچندین سند که پیاز گند
دهان را میبرد و بلغم را زایل میگرداند و سستی و ماندگی را برطرف میکند و پیها را
بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت میکند و قوت جماع را زیاد میکند و نسل را
زیاد میکند و تب را میبرد و از حضرت رسول ص منقول است که چون داخل شهرها
شوید پیاز آن شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما برطرف میگرداند در حدیث حسن
از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که هرکه سیر بخورد بجهت

بوی بدش داخل مسجد نشود اما اگر به مسجد نرود با کراهیت که آن را بخورد و از حضرت صادق
ع منقول است که پیاز و تره ی خام و پخته خوردن با کراهیت اما کسیکه بخورد داخل
مسجد نشود زیرا که کراهت دارد بسبب آزار کسی که در پهلوی او نشیند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفریده پس خوردن
خاک بر فرزندان آدم حرام گردانید و از حضرت رسول ص منقول است که هرگاه گل بخورد
و بمیرد در خون خود شریک شده است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است دامهای
شیطان خاک و گل است دردها در بدن حادث میکند و خوارشی بدن و بواسیر از آن
بهم میرسد و در دماغ سودای از آن متولد میشود و قوت را از ساق و قدم
میبرد و هرچه از قوتش به سبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است
در قیامت او را حساب و عذاب میکنند و حضرت امام موسی ع فرمود که چهار
چیز است که از وسواس شیطان خوردن گل و کلوخ و بدست خورد کردن و ناخن ی بدندان
گرفتن و ریش را خائیدن و در احادیث معتبره وارد است که خوردن هر گل حرام است
مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر خاک قبر امام حسین ع که خوردن آن بقدر یک
نخود شفاست از هر دردی و امان است از هر خوفی فصل نهم در فضیلت ضیافت
مؤمنان و آداب آن از حضرت امام جعفر منقول است که چون برادر مؤمن تو
بیاید او را تکلیف خوردن بکن اگر نکنی اقلاً تکلیف آشامیدنی بکنی و اگر نکنی
تکلیف دست روشستن با آب یا بعرق خوشبو بکنی و از حضرت رسول ص منقول است
که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنش را آن است که تحفه او را قبول کند و ا
آنچه حاضر داشته باشد برای او به تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد برای او تکلیف
نکند و از حضرت صادق ع فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد

از برای آوردن

از برای آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که حقیر شمارد آنچه را برا
در مؤمنش به نزد او می آورد و بسند حسن از آن حضرت منقول است که هرگاه
برادر مؤمنت ترا طلبیده به نزد تو آید آنچه حاضر داری برای او بیاور و اگر ترا
طلبیده باشی برای او تکلف کن در حدیث حسن از هشام منقول است که با بن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق ع رفتیم آن حضرت چاشت طلبید هشام گفت
که من چیز نخوردم حضرت فرمود که مگر نمیدانی که محبت مؤمن نسبت ببرادر مؤمن
او به قدر آن است که از طعام او می خورد یعنی هر چند او را بیشتر دوست میدارد
طعامش را بیشتر میخورد و بر این مضمون احادیث بسیار وارد شده
است و حضرت امام رضا ع فرمود که سخی و صاحب همت طعام مردم را میخورد
تا مردم طعام او را بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد تا از طعام او نخورند و
حضرت رسول ص فرمود که ولیمه و مهمانی سنت در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه
و ختنه کردن پسر و خانه خریدن یا بنا کردن و در وقتیکه از سفر بخانه خود برمیگردد و در
حدیث دیگر وقتی که از سفر حج برگردد و منقول است که آن حضرت نهی فرمود از
ولیمه که مخصوص توانگران باشد و فقیر را در آنجا نطلبند و در احادیث معتبره وا
رد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران مؤمن و اهل دین خود
است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد مگر برخصت
صاحبان خانه که مبادا طعامی برای او بعمل بیاورند و ضایع شود و سزاوار نیست
اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا به سبب روزه ایشان
شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقول است از حضرت رسول ص که حد ضیافت
سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرعی که نسبت با آن میکنی و فرمود که این

قدری بنشیند نزد برادر حسن که او را در هم شکنند که دیگر چیزی نداشته باشد که خرج
تا کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق ع بودم
مهمانی دیدم که برخواسته با کاری حضرت او را منع کرد و خود برخواستند و آن کار را
بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول ص نهی فرمودند از خدمت فرمودن مهمان را
و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که از جمله جفا و سستی آن است که کسی بتواضع
کند و تو بعوض مکافات کنی و از اخلاق و آداب است خدمت فرمودن مهمان پس
چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و وقتی که خواهد بار کند
برود او را مدد کند بر رفتن که این دلیل بر صفت نفس است و در وقت رفتن توشه
همراهش بکنید و توشه نیکو و خوشبو بعمل آورید که این دلیل جوانمردی است و بسند
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که از جمله حق مهمان آن است که همراه او بروی
تا در خانه و از حضرت باقر ع منقول است که چون شخص بخانه کسی برود هر جا که صاحب
خانه امر کند بنشیند که صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر می داند و در حدیث
دیگر فرمود که به طعام خوردن خیانت کن کسی را که از برای خدا او را دوست داری
و حضرت رسول ص فرمود که کسی بجماعتی آب دهد باید که خود نیز بعد از همه آب بخورد
و از حضرت صادق ع بسند صحیح منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید
مپرس که امروز چیز خورده یا نه لیکن آنچه حاضر داری بیاور که جواد و جوانمرد کسی
است که هر چه دارد بیاورد و در حدیث معتبر بسیار وارد شده است که هر که ایمان
بخدا و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول ص فرمود
که از جمله حق مهمان آن است که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احا
دیث بسیار وارد شده است که هر گاه مهمان می آید از روزی خود می آید و چون
طعام می خورد خدا صاحب خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون می رود

گناه تو

گناه تو و عیال تو را بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است
که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر مؤمنی که صدای مهمان را بشنود و بآن شاد
نشود گناهانش آمرزیده نشود اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول
ص منقول است که هر خانه مهمان بآن خانه نرود ملائکه داخل آن خانه نمی شوند و از حضرت
صادق ع منقول است که از حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را بضیافت
بطلبد قبول کند و حضرت رسول ص فرمود که وصیت میکنم و غایبان امت خود را که دعوت
مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که این امور است که در دین لا
زم است و هر میلی یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مؤمنی را برای دعوت گوسفندی
بطلبد میروم و فرمود که بدترین عجزها آن است که شخصی را که برادر او را بطعامی بخواند
دعوت او قبول نکند فصل دهم در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق
منقول است که جبرئیل ع برای حضرت رسول ص مسواک و خلال و حجامت را آورد و فر
مود که خلال بن دندان را با صلاح می آورد و روزی را زیاد میکند و حضرت امام موسی
ع فرمود که خلال مکنید بچوب درخت انار و گل که هر دو رگ خوره را بحرکت می آورند و
حضرت صادق ع فرمود که هر که بنی خلال کند تا شش روز حاجتش برآورده نشود و
فرمود که حضرت رسول ص بهر چه می یافتند خلال می کردند بغیر از برگ درخت خرما و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که خلال بچوب گز موروث فقر و باعث بیماری است و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص امر می کرد ما را که چون خلال کنیم آب بخوریم
تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را پاک و از آن حضرت منقول است که از جمله حق مهمان
آن است که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن

نمیدارد مانند آنکه ببیند در دندان بنده طعامی هست در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که هرچه از طعام در بن دندان مانده باشد بیندازد
و از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که هرچه به زبان از میان دندان بدر آوری
بخوری و آنچه به خلال بدر می‌آوری میخواهی بخور و میخواهی بیندازد و از حضرت صادق
ع منقول است که آنچه را بخلال بیرون می‌آورد بریزد که جراحتها اندرونها بهم می‌رساند
فصل یازدهم در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است
که بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که آب زمزم بهترین آبهاست بر روی زمین و بدترین آبهای بر روی زمین آبی است
که در برهوت است که در بلاد یمن است که روح کافران در آنجا وارد می‌شوند در شب
و معذب می‌باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر
دردی است که از برای آن بخورید و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که بخورید آب باران
بدرستی که بدن را پاک میکند و بیماری و دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت
صادق ع منقول است که نهی وارد شده است در خوردن نمک و از حضرت صادق
ع منقول است که گمان ندارم که طفلی را کامش را از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست
اهل بیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب در آن میریزد و فرمود
و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد که برای شفا به نزد او میروم و در
حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات می‌بودم دوست میداشتم که هر صبح و شام به نزد
آن بروم و از حضرت امام زین العابدین ع منقول است که ملکی در هر شب می‌آید و سه
مثقال از مشک بهشت در آب فرات میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب
عالم برکتش زیاده از نهر فرات نیست در احادیث بسیار وارد شده است

که حضرت رسول

که حضرت رسول ص نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها می‌باشد و بوی گوگرد
میدهد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما
السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین
و نیکو شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و از حضرت صادق ع منقول
است که آب سرد حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده
هضم میکند و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشیده برای همه دردها نافع است
و به هیچ چیز ضرر ندارد و حضرت امام رضا ع فرمود که آب جوشیده که هفت
مرتبه بجوش آید و از ظرفی به ظرفی دیگر بگردانند تب را زایل میکند و قوت
میدهد ساق و قدم را **فصل دوازدهم** در آداب آب خوردن از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام ع و اهل
بیت او را یاد کند و لعنت کند بر کشندگان آن حضرت حق تعالی صد هزار حسنه
برای او بنویسد و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده
آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر
با این نحو بگوید خوبست صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَ
صْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِ و در
حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب
بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن بهشت برد با آنکه آب بخورد و خدا خوا
هشی داشته باشد که از آب بردارد و حمد خدا بکند پس باز بخورد و هنوز سیر نشده
از آب بردارد و حمد خدا بکند پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب باز گیرد
و حمد خدا بگوید پس باز بخورد پس خدا بسبب این بهشت بر او واجب گرداند

و از حضرت رسول ص منقول است که فرمود که هر که شب آب بخورد و سه مرتبه بگوید علیکم
السلام من ماء زمزم و ماء الفرات آب خوردن شب با و ضرر نرساند
و حضرت صادق فرمود که آب بسیار مخور که درد همه بسوی تو می کشد و تا تاب وارد
داری دوا مخور و حضرت امام رضا ع فرمود که بر بالای طعام آب بسیار خوردن
ضرر ندارد اما در غیر آن حال آب بسیار مخور و فرمود که اگر کسی بقدر لاکنی طعام
بخورد و آب بعد از آن بخورد عجب دارم که چرا معده اش شق نمیشود و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقول است که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب
ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا میشود و در روایت دیگر منقول است
که اگر آن کسی که آب بنوشید چه بنده نو باشد به سه نفس آب بخورد و اگر آزاد باشد بیک نفس
بخورد و در روایت معتبر منقول است که حضرت رسول ص گذشتند بر جماعتی که دهان بر آب
گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمود که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهای شما است
در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که آداب آب خوردن آن
است که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش دسته کوزه
و از جائی که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد مخوری که این جا موضع جای شیطان است
و از حضرت رسول ص نهی فرمود از دمیدن بدهان آنرا و از حضرت صادق ع منقول
است که دمیدن در آب وقتی مکروه است که دیگر حاضر باشد که خواهد از آن آب بخورد
که مبادا او را خوش نیاید در حدیث دیگر از آن حضرت نهی وارد شده است از آب
خوردن بدست چپ فرمود که آب را مکیده و کم بخورید و دهان پس مکید که باعث
درد جگر میشود باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معا
شرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان فصل اول در فضیلت
تزویج کردن و ذم رهبانیت و بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق
ع که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در

ایمان چیزی

ایمان چیزی زیاد شود او را مگر آنکه محبت زنان زیاده میشود فضیلت ایمانش بلند تر میشود
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که سه چیز است از سنت پیغمبران است
بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن
و با ایشان مقاربت کردن و از حضرت رسول ص منقول است که فرمود
ما از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیده من نماز است و حضرت
صادق ع فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند و فرمود که چه چیز مانع است مؤمنی را که بگیرد
از آنکه زنی بگیرد خدا فرزندی کرامت کند زمین بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که
خواهد متابعت سنت من کند از سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم
پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند
و روزها روزه باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که ترک کدخدائی کند از ترس پریشانی
پس بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید در قرآن مجید که ان
یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله یعنی اگر ایشان فقیر باشند بی نیاز می
میگرداند ایشان را از فضل خدا و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که زن
عثمان ابن مظعون آمد بخدمت رسول ص گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه میباشد
و شبها نماز میکند و به نزد من نمی آید حضرت غضبناک به نزد عثمان آمدند و فرمودند
که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین مستقیم سهل آسانی
فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که سنت
من عمل نماید و از سنت من نکاح زنان است و در حدیث دیگر منقول است که زنی

آمد بخدمت حضرت رسول صلعم شکایت کرد که شوهر من به نزدیک من نمی آید حضرت فرمود
که خود را خوشبو کن تا به نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی را نگذاشتم مگر آنکه خود را با
خوشی بو کردم از من کناره میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد
در آمدن به نزد تو کناره نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک با او
احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون با تو
مجامعت کند گناهان از او میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد پس چون غسل میکند
از گناه بدر می آید فصل دوم در اصناف زنان و صفات پسندیده زنان از
حضرت صادق ع منقول است که زن بمنزله قلاده است که میگیری و فرمود که زن صالحه
و غیر صالحه که هیچ یک قیمت ندارند زن صالحه را طلا و نقره قیمت او نیست بلکه او بهتر است
از طلا و نقره و زن غیر صالحه خاک هم نمی ارزد خاک بهتر است از او و حضرت رسول
صلعم فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود بخواهید و از برای نطفه خود
زنان را پیدا کنید که شایسته آن باشند که فرزند از او بهم رسانید در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که هر که زنی بخواهد برای حسن جمال یا برای مال از هر
دو محروم ماند و اگر از برای دینداری و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را زیاد
کند حضرت رسول صلعم فرمود که زن باکره بخواهید که زن باکره فرزند بسیار آورد
و زن عقیم که فرزند نیاورد مخواهید که من مباهات میکنم بر شما با امتهای پیغمبران دیگر
در روز قیامت مگر نمیدانید که فرزندان در زیر عرش الهی از برای پدران خود طلب
آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ع ایشان را نگاه داری میکند و حضرت ساره
ایشان را تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران در حدیث دیگر

فرمود که دختران

فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خشک
تر و پستانهای ایشان پر شیرتر است و فرزند آورنده تراند مگر نمیدانید که من مباهات
میکنم به بسیاری شما از فرزندان در روز قیامت حتی بفرزندی که ناتمام از رحم
افتاده باشد او می آید و خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حق تعالی میفرماید
که داخل بهشت شو میگوید که نمی روم تا پدر و مادرم پیش از من داخل بهشت
نشوند پس حق تعالی به ملکی امر میفرماید که پدر و مادرش را بیاورد داخل
بهشت کند پس خطاب بطفل میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برا
ی زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که بخواه
زن گندم گون سیاه چشم فراخ چشم بزرگ سرین میانه بالا پس اگر نخواهی پیش
بیا مهر را از من بگیر در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص فرمود که هر وقت
خواستگاری زنان میفرستادند میفرمودند که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد
و غوزک پاشنش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا ع منقول است که از
سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد و حضرت صادق ع فرمود
که چون خواهید زنی را خواستگاری نمایید از مویش بپرسید که آن نصف
حسن است و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقول است که بدترین زنان شما
زنانی است که در میان خویشان خود خوار باشند و بر شوهر مسلط باشند و فرزند
نیاورد و کینه ور باشد و از افعال قبیحه حذر نکند و چون شوهر غایب شود
زینت کند خود را بدیگران بنماید و چون شوهر بیاید مستوری اظهار کند
و سخنش را نشنود و اطاعتش نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر
صعب مضایقه کند از آنکه شوهر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از

و از تقصیرش درنگذرد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت
رسول ص آمد گفت زنی دارم که هرگاه بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون
بیرون میروم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می یابد میگوید که چه غم داری اگر
برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر از برای آخرت
غم میخوری خدا غمت را زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن
از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که بهترین
زنان امت من آن است که خوشروتر و مهرش کمتر باشد و حضرت صادق ع فرمود
که خوبی زن آن است که خرجش کم باشد و زائیدنش آسان باشد و شومی زن آن است
که مهرش گران باشد و زائیدنش دشوار و حضرت رسول ص فرمود که بهترین زنان
شما قریشند مهربانترین زنانند بشوهران و رحم کننده ترین ایشانند بفرزندان
و بشوهران و باعفتند از دیگران و مصداق قریش درین زمان ساداتند و در
حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که چون
خواهم جمع کنم برای مسلمانان نیکیهای دنیا و آخرت باو میدهم دل شکسته خاشع
و زبان ذاکر کننده و بدنی صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد
شود و شوهر خود را نگهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از
از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در بنی اسرائیل شخصی بود بسیار
عاقل و مال بسیار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه در شکل و شمایل باو
شبیه بود و دو فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت
او شد گفت همه مال من از یکی از ایشان است چون مرد هر یک دعوی کردند که مال
از من است به نزد قاضی رفتند قاضی گفت که به نزد آن سه برادر که بعقل
مشهورند بروید پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری گفت بروید به نزد فلان

برادر من

برادر من که از من بزرگتر است به نزد او رفتند نه پیر بود نه جوان او گفت به نزد
برادر بزرگتر از من بروید چون به نزد او رفتند او را جوان یافتند پس اول
سوال کردند که بچه سبب برادر کوچکتر از همه پیر بود و تو که بزرگتری از ایشان
جوانتری گفت اما آن برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و بر بدیهای او صبر
می کند که مبادا به بلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از همه پیرتر
می نماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاهی غمگینش می کند و گاهی خوشحا
لش دارد باین سبب میانه حال مانده است و من زنی دارم که همیشه مرا خوش
حال دارد و هرگز آزرده ام نمی کند باین سبب جوان مانده ام پس برادران
حال خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آرید و
بسوزانید بعد از آن بیائید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند بسر قبر آن
دو برادر کلنگها را برداشتند که قبر را بشکافند آن برادر کوچک شمشیر کشید
گفت که نمی گذارم که قبر پدر را بشکافند و من از حصه خود گذشتم و مال بشما گذا
شتم چون به نزد یک قاضی آمدند مال را به پسر کوچک داد بانها گفت که اگر شماها
هم فرزند او می بودید هم چنانکه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از
آزردن و سوختن پدر شما را هم مانع می شد فصل سیم در آداب نکاح
و اراده آن حدیث معتبر منقول است که سنت است که تزویج در شب وا
قع شود در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر ع خبر
رسید که شخصی زنی خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان
روز حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت بهم

رسد پس بزودی از هم جدا شوند در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکوئی نه بیند و در روایت
دیگر منقول است که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف بکند بداند که فرزندی منعقد
شود بعضی از تمام شدن سقط می شود و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و جمع
کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است و از
حضرت رسول الله ص منقول است که از سنت پیغمبران است طعام دادن در
وقت تزویج و حضرت رسول ص فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز
دوم نیکست و روز سیم ریا و سمعه است فصل چهارم در بیان آداب
زنان است و جماعت است بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج
عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن
در وقتی که حایض باشد حرام است و اما از ما بین ناف تا زانو از ایشان
تمتع بردن حرام است و بعد از پاک شدن پیش از غسل کردن جماع را نیز
نیز حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی باشد پس امر
کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و
سایر اعمالی که او را می باید بجا آورد با او جماع میتوانند و در وطی بر
زن خلاف است بعضی حرام میدانند احوط اجتناب است و بهتر آن
است که با زن خود جماع کند و آزاد باشد منی خود را بیرون فرج نریزد و
بعضی علما حرام میدانند بدون رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت
صادق ع منقول است که نباید مرد را دخول کردن بر زن خود در شب

بچهارشنبه

چهارشنبه و حضرت امام موسی ع فرمود که هر که جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس
باخود قرار دهد افتادن آن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق
ع فرمود که جماع در اول ماه و آخر ماه که باعث آن می شود که فرزند سقط شود و نزدیک
است که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی که صرع میگیرد
اکثر آن است که یا در اول ماه یا در میان ماه و آخر ماه باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که
جماع کند در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بجذام یا پیسی ملامت نکند مگر خود را
و از حضرت صادق ع فرمود که دشمن ما اهل بیت نیست مگر کسی که ولدالزنا باشد یا ما
درش در حیض با او حامله شده باشد و بچندین حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که چون کسی خواهد با زن خود جماع کند بزودی بر او نرود بلکه اول با او دست
بازی کند تا خواهش طبع بکند و بعد از آن جماع کند در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که در وقت جماع سخن مگوئید که بیم آن باشد که فرزندی بهم رسد کور باشد
و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که باکی نیست و از حضرت صادق ع
منقول است نگاه کردن بفرج زن در وقت جماع در چندین حدیث معتبر وارد شده است
که مرد و زن در حالتی که خضاب کرده باشند و حنا آن بسته باشد جماع نکنند و از حضرت موسی
ع پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چون است فرمود باکی
نیست باز پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چون باشد فرمود باکی نیست و از
حضرت صادق ع پرسیدند که اگر زن خود را عریان کنند و با و نظر کند چون است
فرمود مگر لذتی از این بهتر می باشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن
و کنیز خود بازی کند چون است فرمود باکی نیست اما بغیر از اجزای بدن خود چیزی دیگر را

در آب نکند و پرسیدند که آیا می‌تواند در میان آب جماع کند فرمود که باکی نیست و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع پرسیدند از جماع کردن در حمام در خانه که طفل باشد که آن زناکار
می‌باشد و از حضرت رسول ص منقول است که فرمود بحق آن خدائی که جانم در قبضه قدرت
اوست که اگر شخصی با زن خود جماع کند و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند
یا سخن و نفس ایشان بشنود و فرزندی که از او بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد
و چون حضرت امام زین العابدین ع اراده مقاربت می‌نمود خدمتکاران را دور میکردند
و درها را می‌بستند و پرده‌ها را می‌انداختند و از حضرت صادق ع منقول است که با کنیز
جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است
که باکی نیست که با کنیزی وطی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و بشنود و مشهور میان علما آن
است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن
آزاد بخوابد در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقول است که میان آن زن آزاد و دو کنیز
بخوابد باکی نیست و فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر
از آن حضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت
بقبله جماع و در کشتی جماع نکند و از حضرت امام موسی ع فرمود که کراهت می‌دارم که
کسی که در سفر آب نیابد برای غسل جماع کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته
بر خود و بعضی از علما قائل بحرمت شده‌اند و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه کسی
که محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند و فرزندی بهم رسد
دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق ع فرمود که مکروه است جماع کردن
و جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع می‌کند تا زردی باشد و هم در روزی که آفتاب

وقت فرو

وقت فرو رفتن و از حضرت امام زین العابدین ع مرویست فرمود که مستحب است
در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسول ص
وصیت نمود بحضرت امیر ع که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن
تا بنشیند و پاهایش را بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاشی چون
چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانه تو بیرون کند و هفتاد هزار نوع برکت
را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید
تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره
و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز
و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین ع گفت یا رسول الله بچه سبب خوردن اینها
را منع کنم فرمود زیرا که بسبب اینها رحم سرد و عقیم می‌شود و فرزند نمی‌آورد و حصیری که
گوشه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند نیاورد پس فرمود که یا علی جماع مکن
با زن خود در اول ماه و در میان ماه و در آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ را می‌یابد
و با فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد
بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیست که لال باشد و نگاه
نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آن حالت که نظر کردن بفرج در آن
حال باعث کوری فرزند میگردد یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود
در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند که می‌ترسم که آتشی بر ایشان نازل شود و بسوزاند
ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی از برای او داشته باشی و او دستمالی

از برای خود داشته باشد و هر یک خود را به یک دستمال پاک مکنید که اگر چنین کنید در میان شما پیدا
شقاق و آخر بجدائی می کشد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل خران است و اگر
فرزند بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون
فرزند بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی
بهم رسد و جلاد و کشنده مردم باشد و ریش و سر گرده ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع
مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه در بدحالی و پریشانی باشد
تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید حریص باشد در
خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم
رسد کور دل و بخیل باشد یا علی در نیمه شب شعبان جماع مکن که اگر فرزندی حاصل شود
شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در روز آخر ماه شعبان جماع مکن که
اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم بر دست
او بشود یا علی بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکننده و صاحب
بدعت باشد یا علی چون به سفر بروی در آن شب که بیرون میروی جماع مکن که اگر
فرزند بهم رسد مالش را بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادران شیطان اند و اگر به سفر
روی که سه روز راه باشد جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه
جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی جماع کنی
در شب سه شنبه و فرزندی که بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت روزی شود
و دهانش خوشبو شود و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان
پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حاکمان شریعت

یا عالمی از علما

یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه باشد وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد
نزدیکی کنی با زنان خود فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک نشود او را تا پیر شود
و خدا او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع در شب جمعه نمائی و فرزندی بهم
رسد خطیب و سخنگو باشد و اگر در روز جمعه باشد بعد از عصر جماع و فرزند بهم رسد از
دانایان باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرز
ند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمنی
نیست که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار کند یا علی این وصیتها را از من بیا
موز چنانچه من از جبرئیل آموختم و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی
طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا که بر طعام عروسی باد بهشت میوزد
چون طعامی است که برای حلال مهیا میکنند در احادیث معتبر وارد شده است
که سنت است که عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته در بعض
از اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت
میکنند و از یکدیگر بعضی میربایند کراهت دارد و علما گفته اند که وقتی کراهت
دارد که صاحبانش راضی نباشند و هرگاه بدانند راضی باشند جایز است و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرگاه شما را بعروسی بطلبند دیرتر بروید زیرا که دنیا را
بیاد شما می آورد و چون شما را بجنازه می طلبند زود بروید که آخرت را بیاد شما می آورد
~~و چون شما~~ و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه نهی فرمود از جماع
کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه
جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلعم که فرمود بیامرزد

بیاموزید

از کلافی سه خصلت که پنهان جماع کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار
حذر کردن و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند
تعجیل نکند که زنان را کارها می‌باشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی ببیند و خوش
آید پس برود با اهل خود جماع کند که آنچه با این هست با آن هم هست و شیطان
را بدل خود راه ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز کند و حمد خدا را بگوید
بسیار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا
با و عطا می‌فرماید آنچه او را از حرام بی‌نیاز میگرداند در حدیث معتبر از حضرت رسول
ص ع وسلم منقول است که چون مرد و زن جماع کنند نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین
کنند ملائکه از ایشان دور می‌شوند و در حدیث معتبر دیگر از امام محمد باقر ع منقول
است که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه ساله اش تمام شود پس اگر بکند
و عیبی برسد بآن زن ضامن است در حدیث دیگر منقول است که مکروه است جماع کردن
میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت غروب تا وقت برطرف شدن سرخی
طرف مغرب و در روزی که آن روز آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد
و در شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود و در
یا روزی که در آن زلزله حادث شود و الله که اگر کسی جماع کند در این اوقات
پس او را فرزندی بهم رسد نبیند در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا
که آیات غضب الهی را سهل شمرده و در فقه الرضا ع منقول است که چون بعد از
غسل دادن میت پیش از آنکه خواهی که غسل کنی اگر خواهی که جماع کنی وضو
بساز بعد از آن جماع کنی و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هر گاه
کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت بر مزاجش غالب شود پس با زن

خود جماع

خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت صادق ع منقول است که هر که در حالت
خضاب با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع مکنی که اما کنیز را در برابر کنیز
دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است
که حضرت صادق ع که هرگاه بعد از جماع پیش از غسل اراده جماع می‌کردند
وضو می‌ساختند در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر او
نام خدا نقش کرده باشند جماع نکنند فصل سیم در آداب نماز و دعا
در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان در حدیث صحیح از حضرت امام محمد
باقر ع منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد
دو رکعت نماز بکند دیگر او را امر کنند که دو رکعت نماز بکند اورد پس حمد الهی
بگو و صلوات بر محمد و آل او بفرست پس دعا کنی و امر کنی آن زنان را که با او آمده
اند که آمین بگویند و این دعا بخوان اللّهمّ ارزقنی الفها و ودّها
ورضاها وارضنی بها واجمع بیننا باحسن اجتماع وانس
ایتلاف فانّک تحبّ الحلال وتکره الحرام
بعد از آن فرمود که بدان که الفت از جانب خدا است و دشمنی از جانب
شیطان که می‌خواهد که آنچه را خدا حلال کرده مکروه طبع مردم گرداند در
حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقول است که چون در شب زفاف بنزد
عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو به قبله آور و بگو اللّهمّ بامانتک
اخذتها وبکلماتک استحللتها فان قضیت منها ولداً
فاجعله مبارکاً تقیّاً من شیعة آل محمد ولا تجعل للشیطان

فیه شرکاً و لا نصیباً و در حدیث معتبر دیگر از حضرت منقول است
که دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها
و فی امانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی
رحمها شیئاً فاجعله مسلماً سویاً و لا تجعل فیه شرک شیطان
راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان می شود فرمود که اگر در وقت
جماع نام خدا برند شیطان دور می شود و اگر نبرند ذکر خود را با ذکر آن شخص که
جماع میکند داخل میکند پس جماع از هر دو می باشد و نطفه یکی است پرسید که بچه
چه میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که ما را دوست
میدارد شیطان در او شریک نشده است و هر که دشمن ما است شیطان در او شریک
شده است و بر این مضمون احادیث از طرف خاصه و عامه بسیار روارد
شده است و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که حضرت شریک شدن
شیطان را در نطفهٔ آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت
که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه که ارادهٔ جماع داشته باشی بگو
بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا هو بدیع السموات و الارض اللهم
ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة لا تجعل للشیطان فیه
شرکا و لا نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصفی
من الشیطان و رجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد
که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله و پناه ببرد بخدا از شر شیطان
و از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که چون کسی ارادهٔ جماع داشته باشد بگوید
بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و ما رزقتنی پس اگر فرزندی
بوجود آید.

۴۷

بوجود آید شیطان هرگز با او ضرر نرساند فصل ششم در بیان حقوق زن و شوهر بر یکدیگر
و احکام ایشان از حضرت امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع منقول است
که حق تعالی برای زنان غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است
زیرا که از برای مردان چهار زن از متعه و کنیز حلال گردانیده است و از برای زن
بغیر یک شوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زنا
کار است و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بد و زنان مؤمنه صاحب رشک نمی
باشند در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که فرمود که رشک بردن
زنان از بسیاری دوستی ایشان است نسبت بشوهران از حضرت رسول ص
منقول است که گفتن مرد بزنان خود که من ترا دوست میدارم هرگز از دل بیرون
نمی رود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که زنی آمد بخد
مت حضرت رسول ص و گفت یا رسول چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازم است
که اطاعت شوهران بکنند و نافرمانی او نکنند و از خانه بی رخصت او تصدق
نکنند روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت که ارادهٔ نزدیکی او کند مضا
یقه نکند اگرچه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بیرون
نرود و اگر بی رخصت بدر رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه
رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد گفت یا رسول الله حق کی بر مردان
از همه بیشتر است فرمود حق پدر گفت حق کی بر زن از همه عظیمتر است گفت
حق شوهر گفت که من بر شوهر آن حق ندارم که او بر من دارد فرمود که صد یک
نه آن زن گفت قسم بخدائی که ترا بحقیقت فرستاده که هرگز شوهر نکنم در حدیث
قدر

دیگر منقول است که زنی بخدمت حضرت رسول الله آمد و سؤال از حق شوهر بر زن
حضرت فرمود که زیاده از آن است که توان گفت پس فرمود که از جمله حقها آن است که روزه
سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و به نیکوترین بوهای
خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامهای خود را بپوشاند و بهترین زینتهای خود را
بیاراید و هر بامداد و شام دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بدهد
گناهش برای زن است و ثوابش برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک
باشد زن گفت هر چند که شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی و حضرت پیغمبر ص فرمود
که هر زنی شبی به سر آورد و شوهر از او آزرده باشد نماز زنی قبول نشود تا شوهر از او
راضی گردد و هر زنی که بوی خوشی برای غیر شوهر خود بکند نماز زنی قبول نشود تا آن بوی
خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عملی ایشان بآسمان بالا نرود
و غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی جامه خود را از روی
تکبر بکشد او بخته باشد در احادیث معتبر وارد شده است که جهاد مردان آن است
که مال و جان خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آن است
که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول ص فرمود
که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان برای شوهران
سجده کنند فرمود که زنان نمازهای خود را طول ندهند برای آنکه منع کنند شوهر را از آنچه از او
میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تأخیر کند تا شوهر
بخواب رود پیوسته ملائکه او را لعنت میکنند تا شوهرش بیدار شود و در حدیث
صحیح منقول است که زن از مال خود چیزی بی رخصت شوهر نمی تواند داد مگر حج
یا زکوة یا نیکی به پدر یا مادر یا بصله ارحام و احسان بخویشان در حدیث صحیح

از حضرت صادق

از حضرت صادق ع منقول است که هر زنی که بشوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی
ندیده ام ثواب عملهایش همه برطرف شود و در احادیث معتبر بسیار وارد شده
است که حق زن بر مردان است که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی کند
بر او ببخشد و عفو کند از حضرت صادق ع منقول است که بترسید از خدا در
حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول ص فرمود که بهترین شما آن کسی است
که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیر او یند و محبوب ترین بندگان
نزد خدا کسی است که احسان با اسیران خود بیشتر کند حضرت صادق ع فرمود
که موجب هلاک صاحب مروت است که در شهری که زنش در آن شهر باشد شب
در خانه دیگری بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین ع وصیت فرمود
بحضرت امام حسن ع زینهار که مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیف
است و عزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون
مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر تو مردی را نشناسند و با ایشان خدمتی
بغیر آنچه تعلق بخود شان دارد مگذار که اینی از برای حال ایشان و خو
شنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است زیرا که زن گلی است
خدمت کار نیست و حیثی خودش را گرامی دارد و شفاعتش را در حق دیگران
قبول مکن و خود را بسیار بدرست او مده در حدیث معتبر از حضرت رسول
ص منقول است که زنان را در غرفه بالا خانه جا مدهید و چیز نوشتن با ایشان میاموزید
و سورهٔ یوسف ع تعلیم ایشان مکنید و چرخ ریسیدن بیاد ایشان بدهید و سوره نور را رشتن
با ایشان تعلیم بکنید و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه زنان را بر زین سوار

فرمود که در نیکی اطاعت زنان نکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها
و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که رازها بایشان مگوئید در بارهٔ خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید
و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که هر مردی که کارهای او را زنان تدبیر کنند ملعون است
و حضرت رسول ص چون ارادهٔ جنگ داشتند با زنان مشورت میکردند و آنچه ایشان
میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول ص فرمود که هر که اطاعت زن خود کند
خدا او را سرنگون در جهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت کدام است
فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر بحمامها و عروسیها و عیدگاهها و عزاها برود
و او رخصت بدهد و جامهای نازک از او طلبد که بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در
حدیث دیگر فرمود که مثل زنان مثل استخوان کج پهلو است اگر او را بحال خود میگذاری
منتفع میشوی و اگر میخواهی راست کنی میشکند پس صبر کنید بر ناخوشیهای
ایشان و بدانکه از جملهٔ حقوق زن بر مردان است که چهار ماه یکمرتبه با او جماع کند اگر
حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد
باید هر یک را یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد آن است که مطلقا واجب است که بهر
زنی از چهار شب یکشب بخوابد خواه یکزن داشته باشد و خواه زیاده و این احوط
است و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آن است که کنیزی که داشته باشد
یا خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعض اخبار وارد شده است
که اگر نکنند و ایشان زنا کنند گناه آن بر او است و مشهور میان علما آن است که اگر
کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب بنزد
او است و اگر غیر باکره است تا سه شب

فصل هشتم در بیان دعای طلب فرزند و فضیلت آن

از حضرت رسول ص منقول است که فرزند صالح
گلی است

گلی است از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است
و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من به بسیاری شما در قیامت مباهات
خواهم کرد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ پدر
و مادر او است و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل نازل شد حضرت
رسول و حضرت امیرالمؤمنین ع را دید گریه میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت
رسول ص فرمود که طفل ما را از او دور داشتند و گریه او را شنیدیم متأذی شدیم جبرئیل
ع گفت که یا محمد حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون اطفال ایشان
گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد
گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ رسند پدر
مادر در ثواب ایشان شریک و در گناه ایشان شریک نباشند و از حضرت رسول ص
منقول است که زن از روزی که حامله میشود تا وضع حملش میشود تا فرزند او
شیر میدهد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران بجهاد ایستاده و دفع ایشان
را از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در حدیث
صحیح از حضرت رسول ص منقول است که حضرت عیسی ع بقبری گذشت که عذاب
میکردند از احوال سوال کرد از پروردگار خود وحی باو رسید که در این سال
فرزند از او بحد بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد باین سبب
او را بخشیدم فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود که میراث مؤمن برای خدا از بنده
میماند فرزندیست که بعد از او عبادت خدا کند در روایت دیگر منقول است
اگر کسی را فرزند بمیرد گویا که هرگز در میان مردم نبوده است و کسی که بمیرد و فرزند
از او بماند گویا نمرده است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است

که حق تعالی بر دختران مهربانتر است از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنان که باو
خویشی داشته باشند و محرم او باشند خدا او را در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق ع
فرمود که دختران حسنات‌اند و پسران نعمت‌اند و خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت
سؤال میکند و آن حضرت بیکی از اصحاب خود فرمود که شنیدم که دختری بهم رسانیدهٔ و گل
خواهی او را چه ضرر دارد بوی گلی است بو میکنی او را و روزیش بر خدا است و حضرت رسول
ع پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمودند که حضرت ابراهیم ع از پروردگار خود
سؤال کرد که دختری باو عطا کند که بعد از مرگ او گریه کند فرمود که هرکه آرزوی مرگ
دختران خود کند و بمیرند ثواب نداشته باشند و در قیامت در نزد خدا عاصی باشند
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به نزد حضرت رسول ص نشسته بود خبر باو رسید
که خدا دختری بتو عطا کرده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد
و آسمان او را سایه می افکند و خدا روزیش میدهد و گلی است او را بو میکنی پس رو باصحاب
کرد و فرمودند که هرکه یک دختر دارد و بار گرانی است و هرکه دو دختر دارد بخدا سوگند که
فریاد او برسید و کسیکه سه دختر دارد جهاد و سایر آزارها از او بر دارید و کسیکه
چهار دختر دارد ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا باو قرض بدهید ای
بندگان خدا او را رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر منقول است از آن حضرت که هرکه سه
دختر یا سه خواهر را نفقه کند بهشت بر او واجب شد بعد از فرمود که هرکه دو تا یا یکی
را نفقه دهد بهشت او را واجب است و در روایت دیگر منقول است که امیر شخ
کلیبی بحضرت امام محمد تقی ع گفت که مرا فرزندی نمیشود فرمود که هر روز یا هر شب صد نو
بت استغفار بکن و بهتر است که استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید در حدیث
دیگر از آن حضرت منقول است که هرکه صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله و بیست
ده نوبت استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید راوی میگوید که جمع کنیزی باین

علی مداومت

علی مداومت کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها به گفتن
استغفر الله تنها اکتفا میتوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
ع منقول است که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفار بکن و اگر شبی
فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخص دیگر با آن حضرت شکایت کرد که مرا
فرزندی نمیشود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللّهمّ ان رزقتنی ذکراً
سمّیته دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع آمد شکایت
بآن حضرت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزندی نمیشود فرمود که در خانه خود
صدای اذان بلند کن چنان کرد بدنش صحیح شد و فرزندانش بسیار بهم رسانید
و در حدیث دیگر فرمود که هرکه را فرزندی نشود نیت کند که اگر مرا فرزند
بشود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت
صادق ع منقول است که هرگاه زنان را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد دو
روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو
اللّهمّ انّی قد سمّیته محمّداً یعنی خدایا من نام او را محمد کردم چون
چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر نام او را محمد کند مبارک باشد
و اگر نام نکند خدا اگر خواهد او را از و بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در
چندین حدیث معتبر وارد شده است که هرکه زن او حملی داشته باشد و عزم کند
او را محمد یا علی نام کند او پسر شود و در حدیث دیگر آن است که او را علی نام
کن که عمرش دراز تر باشد در کتاب طب الائمه روایت کرده است
که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد کمی فرزند را حضرت فرمود

که سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله
بگو و بعد از آن و این آیه را بخوان اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا
يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِينَ
وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ اَنْهَارًا پس در شب ششم با زن خود
جماع کن که خدا پسری که خلقتش درست باشد (عطا می‌کند) بتو عطا فرماید در کتاب نوادر
الحکمه روایت کرده است که شخصی به نزد حضرت امام جعفر صادق ع آمد و عرض
کرد یا ابن رسول الله هشت دختر بهم رسانیدم و روی پسر ندیدم حضرت فرمود که
که وقتی که در میان دو پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب راست
ناف زن بگذار و سوره انا انزلناه را هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع
کنی و چون اثر حمل ظاهر شود پس در شبها دست بر جانب ناف او بگذارد
و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد گفت که چنین کردم هفت
پسر هم خدا بمن روزی کرد فصل هشتم در ایام حمل و آداب ولادت
و نام نهادن طفل از حضرت صادق ع منقول است که زن حامله به بخورد
تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزندش صاف‌تر باشد و بسند معتبر منقول است
که حضرت رسول ص فرمود که اول چیزی که زن زائیده بخورد باید که رطب باشد
چنانچه حق تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زائیدن حضرت عیسی ع رطب
بخورد گفتند اگر رطب بهم نرسد چه کند فرمود که نه دانه خرما از خرماهای مدینه
بخورد و اگر نباشد نه دانه از هر خرمائی که باشد بخورد بدرستی که حق تعالی می
فرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد فرزند
او را بردبار گردانم در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقول است که بزنان
حامله کندر بخورانید که بدرستی که چون طفل در شکم مادر کندر غذای او شود دلش

محکم شود

محکم شود و عقلش زیاد شود و اگر پسر باشد شجاع می‌شود و اگر دختر باشد سرینش
بزرگ می‌شود و بسبب این نزد شوهرش عزیز می‌باشد و از حضرت صادق ع
منقول است که چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیرد در آب حل کند
دو قطره در بینی راست طفل و یک قطره در بینی چپ او بریزد و در گوش راستش
اذان بگوید و در گوش چپ اقامه بگوید پیش از آنکه نافش را ببرند که اگر چنین
کنند هرگز ترسی باو نرسد و ام الصبیان او را ضرر نرساند در حدیث دیگر فرمود
که قابله یا دیگری بگوید که اقامه در گوش راستش بگوید که هرگز ضرر جنیان
باو نرسد دیوانه نشود و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هرکه کام
طفل خود را به تربت حضرت امام حسین ع بردارد که امان میدارد او را
از دردها و بلا ابن ادریس ع روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود
زائیدن بنویس از برای در پوست این آیات را و بر ریسمان ببندد بران
نوشتن و چون وضع حمل شود باز کنی آیات این است بسم الله الرحمن
الرحیم يَوْمَ يَرَوْنَهَا مَا [illegible] يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا عَشِيَّةً اَوْ
ضُحَيهَا اِذْ قَالَتِ امْرَاَةُ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا
فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که راستترین
نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبد الله و بهترین نامها نام پیغمبران
است و از حضرت امیرالمؤمنین ع که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید که روایت
اگر سقط شود در قیامت پدرش را خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول
خدا ص محسن فرزند حضرت فاطمه ع در شکم مادر نام گذاشت و محسن آن
آن فرزندی است که بعد از حضرت رسول ص هنوز در شکم بود که عمر او را شهید

کرد و از حضرت امام موسی ع منقول است که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند
آن است که او را نام نیک بگذارد و حضرت رسول ص فرمود که هر که چهار فرزند از برای
او بوجود آید و هیچ یک را بنام من مسمّی نسازد مرا جفا کرده است در حدیث
دیگر از حضرت امام موسی ع منقول است که فقر و پریشانی داخل خانه نمیشود
که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده
باشد در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد و گفت
که خداوند عالم بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده او را
او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را می
گفتند تا آنکه نزدیک شد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمودند خود
و فرزندانم و زنانم و پدرم و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول ص
جعل او را چنین نام کرده او را دشنام مده او را مزن و بد باو مرسان و بدانکه
هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد ص باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را مقدس و مطهّر
میگردانند و چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول ص نهی فرمودند
از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن ترین نامها
نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت و ابوالحکم
و ابو مالک و ابوالقاسم در وقتی که نام محمد باشد و کنیت هر را موافق حضرت
رسول ص نباشد در حدیث وارد شده است که یاسین نام مکنید که آن مخصوص حضرت
پیغمبر است و از حضرت رسول ص منقول است که هر گروهی که جمع شوند برای
مشورت در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد
البته آن خیر است رای ایشان قرار میگیرد بآن و فرمود هر فرزند را که محمد نام
کنید او را گرامی دارید و از برای او در مجلس بگشائید و رو بسوی او ترش
مکنید و فرمود که اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبر باشد البته حق تعالی

هر روز هم

هر روز صبح و پسین ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان و بابا و در فقه الرضا
ع منقول است که نام فرزند را در روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمالیکه
در وقت ولادت سنت مؤکد است غسل دادن طفل است و بعضی میدا
نند و احوط آن است که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای
خدا و سرش را اول بشوید و بعد از آن جانب راستش را و بعد از آن جانب
چپ را فصل نهم در عقیقه کردن و سرتراشیدن و آداب هر یک بدانکه
عقیقه فرزند سنت و موکد است بر کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب
میدانند و بهترین آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ بر پدر
سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش را سنت است و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسیکه او را فرزند
بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است
یعنی اگر نکنند او در معرض تلف و انواع بلاها است و از حضرت امام صادق ع
منقول است که عقیقه لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسیکه فقیر باشد بعد
از آن که بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست و اگر عقیقه برای او نکند
تا وقتیکه قربانی برای او بکنند بکنند قربانی از عقیقه مجزی است در حدیث دیگر
منقول است که از حضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند را نیافتیم از
برای عقیقه چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که نه طلب کنید تا بیا
بید خدا دوست میدارد خورانیدن طعام و ریختن خون را در حدیث دیگر
پرسیدند از آن حضرت فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه او می باید
کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه
بکنید در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آن حضرت عرض

کردم که نمی‌دانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که بکن عقیقه پس او در پیری
خود عقیقه کرد در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که فرزندی که در روز هفتم
نام میگذارند سرش را میتراشید و موی سرش را با نقره می‌کشید و آن نقره را تصدق میکرد
و پا و ران آن عقیقه را برای قابله که خدمت و امداد کرده است در زاییدن از برای
او میفرستید و باقی را بخورد مردم میدادند و تصدق می‌کردند و در حدیث دیگر روایت
شده است که ربع گوسفند را بقابله میدادند و اگر قابله زاییده باشد آن را بمادر
میدادند که بهر که خواهد بدهد و اقلا بخورد ده کس از مسلمانان میدادند و هر
چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی‌خورد و اگر قابله زن یهود باشد
قیمت ربع گوسفند را میدادند اما در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوب است و غرض گوشت
گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علما آن است که سنت است
که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیر این است که از برای هر دو گو
سفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و وارد است از برای هر دو گوسفند
ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن
است که از طعامی که در آن پوخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است
و بهتر آن است که عیال پدر و مادر که در خانه میباشند از آن گوشت و طعام نخورند
و سنت است که استخوانهای آنرا نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است
که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آن است که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل
است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند خوب است و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد
قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی
که بخورند عقیقه را حاضر میشوند فقرا باشند و اما علما و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور
آن است که سنت است که اول سر بتراشند آخر عقیقه را بکشند در حدیث وارد شده است

که سر تراشیدن

که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن موی سر را با طلا و نقره کشیدن و تصدق
کردن در یکجا و یکوقت می‌باید کرد و در سر تراشیدن سنت است که همه سر را
تراشیدن و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد
حضرت رسول ص آوردند که برای او دعا کند آن طفل کاکل داشت حضرت از
برای او دعا نکردند فرمودند که کاکلش را بتراشند و در روایتی وارد شده است
که سنت است که زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن و در احادیث بسیار
نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل که آن از عمل جاهلیت
است و در روایتی مروی است از حضرت امام جعفر صادق ع که در وقت
کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ
عَنْ فُلَانٍ و نام او را ببرد و بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ
وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
وَآلِهِ السَّلَامُ و در روایت معتبر دیگر فرمودند که این دعا را بخوان بِسْمِ
اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ إِیمَانًا بِاللّٰهِ وَ ثَنَاءً
عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ
الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
پس اگر پسر باشد بگو اللّٰهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَ أَنْتَ
أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَ مِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَ كُلَّمَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ
مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ اخْسَأْ
عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءُ لَا شَرِيكَ

لک والحمد لله رب العالمین اللهم لحمها بلحمه ودمها
بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده
اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و بجای فلان و پای فلان
نام طفل و پدرش را بگوید فصل دهم در ختنه کردن پسران و دختران
و سوراخ کردن ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است
ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ شدن
طفل و بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند که نزدیک ببلوغ بر ولی
طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب
است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ نرمه گوش راست و بالای گوش
چپ از برای پسران سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که بهتر پاکیزه تر میکند طفل را و گوشت
در بدن بهتر می روید و زمین کراهت از بول کسیکه ختنه نکرده باشند و حضرت
امیرالمؤمنین ع فرمود که کسی مسلمان شود ختنه اش می کنند اگرچه هشتاد سال
داشته باشد و از چندین حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان
سنت و در زنان سنت نیست اما باعث اینست که در نزد شوهران
گرامی باشند و چه چیز از این بهتر می باشد و در روایتی از حضرت امیرالمؤ
منین ع منقول است که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از هفت سال و در حدیث
معتبر منقول است که چون زنان بخدمت حضرت رسول ص هجرت کردند زنی آمد
که او را ام حبیب می گفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب
آن کاری که داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله مگر نهی فرمائی و ترک

کنم حضرت

کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه
کنی بسیار بته مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی میکند و رنگ را صاف تر میکند و نزد شوهر
عزیزتر میدارد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت باو فرمود
که چون زنان را مشاطگی میکنی برای جلا دادن پارچهای جامه بروی ایشان ما
لیدن خوب نیست ابروی ایشان را مبر و موهای دیگران بموی ایشان
پیوند مکنی و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که در وقت ختنه کردن
پسر این دعا بخوان اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت
که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع
میکند دعا اینست اللهم هذه سنتك وسنة نبيك ص و آله
وارادتك وقضائك لامر اردته وقضاء حتمته وامر انفذته
واذقته حر الحديد في ختانه وحجامته بامر انت
اعرف به مني اللهم فطهره من الذنوب وزد في
عمره وادفع الآفات عن بدنه والاوجاع عن جسمه
من الغنى وادفع عن الفقر فانك تعلم ولا نعلم فصل
یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت
ایشان بدانکه شیر دادن و تربیت کردن فرزند دو سال است و مشهور میان
علما آن است که بی عذر زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آزاری دا
شته باشد و خطر باشد و از بیست و یک ماه کمتر ندهد مگر آنکه ضرورتی باشد که

دایه بهم نرسد یا ما در براجرت نباشد و مادر شیر نداشته باشد و جمعی از علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند شیر اول که به پستان می آید و گفته اند که اگر آن شیر نخورد طفل باقی نماند یا قوت نیابد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که نافع تر و مبارک ترین شیرها برای فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض طعام است یکی بعوض آب و فرمود که هرچه کمتر از بیست یکماه باشد شیر بدهند بفرزند ظلم است و حضرت رسول ص فرمود از شیر دادن زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر تاثیر میکند در فرزند از حضرت امیرالمؤمنین فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد که شیر در طفل سرایت می کند و طفل شبیه می شود بدایه در صورت و سیرت و از حضرت صادق ع منقول است که زن فرزند خود را بگذارد تا هفت سال بازی کند بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کند در تربیت آن و اگر نیک باشد دیگر سعی بکند و اگر نه امید خیر او نیست و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که ایشان را با یکدیگر در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر از حضرت صادق ع فرمودند که فرزندان خود را زود احادیث بیاد ایشان بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که تعلیم و تادیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب و اگر قبول نکنند نظر کنید در مادرهای ایشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول محبت امیرالمؤمنین ع نمی کند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که بفرزندان خود بیاموزید شنا کردن و تیر انداختن و

حضرت امام

حضرت امام موسی ع فرمود که شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت آن است که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول ص منقول است که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزندی باشد و عاق فرزندان می شوند چنانچه فرزندان عاق پدر می شوند و عاق مادر می شوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزند خود را در نیکی ایشان در حدیث دیگر منقول است که دوست دارید اطفال را و رحم کنید اطفال خود را و اگر با ایشان وعده کنید با ایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان می کنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمی کند برای چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم بر زنان و طفلان می کند در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقول است که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که قرآن بیاموزد بفرزندان خود در قیامت پدر و مادر او را بطلبند و دو حله با ایشان بپوشانند که از نوران جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت هرگز اطفال خود نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیاری دوست دارد فرزند خود را در روایت معتبر است که حضرت رسول الله ص دیدند شخصی که دو پسر داشت و یک پسر را بوسید و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه بهتر آن است که در میان فرزندان زیاده ترجیح ندهد مگر

آنکه یکی از آنها حافظ‌تر و عالم باشد و باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون پسر سه ساله باشد
با وی گویند که هفت مرتبه بگو لا اله الا الله و چون سه سال و هفت ماه و
بیست روز از عمرش بگذرد و با او میگویند که هفت مرتبه بگو که محمد رسو
ل الله پس چون سال چهارش تمام شد با وی گویند هفت نوبت بگوید صلی
الله علی محمد و آله پس چون پنج سالش تمام شد او را میدارند که خدا را سجده
کند پس چون شش سالش تمام شد نماز بیادش میدهند بنمازش میدارند و چون
هفت سالش تمام شد وضو را با او یاد میدهند و امر بنماز میکنند او را چون نه سا
لش تمام شد وضو نماز را خوب بیادش میدهند و بر ترک وضو و نمازش میزنند
پس چون وضو نماز را یاد گرفت خدا پدرش و مادرش را می‌آمرزد و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ع نهی فرمود از آنکه حریر ابریشم باطفال
بپوشانند یا بدست ایشان بدهند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چربی و کثافت
دست و روی اطفال در شب پیش از خواب بشوئید که شیطان می‌آید
و ایشان را بو میکند و در خواب میترسند و ملائکه نویسنده اعمال و اطفال
متاذی میشوند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که ببازار رود
تحفه بخرد و بردارد برای عیال خود بخانه آورد چنان است که بنده از فرزندان
اسمعیل آزاد کرده است و کسیکه دیده پسر را روشن کند و او را شاد گرداند
چنان که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل
بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که با اطفال
خود جو را بدهید قادر است که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان ایشان
محکم میکند در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید باطفال که زودتر ایشان
را بجوانی میرسانند در کتاب طب الائمه از حضرت امیرالمؤمنین ع روایت

کرده است

کرده است که اگر طفلی گریه بسیار بکند یا زنها در خواب بترسد یا کسی از درد
بیداری بر او مستولی شود این آیه را بخوانند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ
فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ
الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبر وارد
شده است که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در
دامن ننشاند در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش
تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزله زناست
و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر چون شش ساله شد پسران
او را نبوسند و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند و در احا
دیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را ضایع
گذارد و خرج ایشان را ندهد یعنی با قدرت و حضرت امام موسی ع
فرمود که عیال آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا باو نعمت کرامت کند بر
اسیران خود توسعه کند اگر نکند آن نعمت بزودی از او زایل شود و حضرت
صادق ع فرمود که هر که خرج دو خواهر و یا دو دختر و یا دو عمه یا دو خاله را بکشد
حجاب او باشند از آتش جهنم و حضرت رسول ص فرمود که در بهشت درجه
هست که بآن درجه نمیرسد مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان بخویشان
خود کند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت
صادق ع منقول است که پنج کسند که نفقه دادن ایشان واجب است
فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزندان هم فرزند
است هر چند پایین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری و مادری هم

هر چند بالا روند فصل دوازدهم در بیان حق پدر مادر بر فرزندان و
وجوب رعایت حرمت ایشان بدان که رعایت حرمت پدر مادر
از جمله شرایع دین است و ایشان را از خود راضی داشتن اشرف طاعات
است و عاق ایشان بودن و ایشان را آزرده داشتن از جمله گناهان
کبیره است و حق تعالی در قرآن در باره فرزندان فرمود که اگر پدر و مادر تو
کافر باشند و تو را امر کنند که کافر شو در این باب اطاعت ایشان مکن
اما در دنیا با ایشان نیکو صحبت کن و در حرمت کوتاهی مکن در حدیث معتبر
منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت
فرمود که تو را وصیت میکنم که بخدا شریک نیاوری هر چند تو را بآتش بسوزا
نند مگر آنکه بزبان حرفی بگوئی و دلت بر ایمان ثابت باشد و تو را وصیت
میکنم که اطاعت پدر مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند خواه
مرده باشند هر چند تو را گویند که از زن و مال خود بگذری که این از جمله ایمان
است در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آن حضرت پرسید که حق پدر بر فر
زند چیست فرمود آنکه بنام پدر را آواز نکند و پیش از او راه نرود و پیش
از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام د
هند در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسو
ل الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید چنین فرمود در مرتبه
چهارم فرمود که با پدرت در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر
آن است که اف بروی ایشان بگوید فرمود که چون روز قیامت شود
پرده از پردهای بهشت را بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن را از پانصد
سال راه بشنود مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود
که کسی از روی خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی
براو ظلم

بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را قبول نکند در حدیث دیگر فرمود
که از عقوق است آنکه کسی شدید نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر
معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که پدرم دیگر با
پسر سخن نگفت تا زنده بود و حضرت صادق ع فرمود که با پدران خود
نیکی کنید تا فرزندان شما نیز با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید
تا زنان شما عفت کنند فرمود هر که خواهد که خدا سکرات مرگ را بر او
آسان کند باید که با خویشان خود احسان کند پدر و مادر خود نیکی کند
و اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگی
باو پریشانی نرسد و از حضرت رسول ص منقول است که هر که فرزند نیکوکا
ری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند بهر نگاه
کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر
چند روزی صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر است و کریمتر است

باب پنجم در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن
و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال در احادیث معتبره از حضرت
صادق ع منقول است که مسواک کردن از سنت پیغمبر است و حضرت
رسول ص فرمود که پیوسته جبرئیل ع مرا امر بمسواک مینمود تا
آنکه ترسیدم که دندانهایم سائیده شود یا بریزد و در روایت دیگر
فرمود که جبرئیل آن قدر مرا امر بمسواک کرد گمان کردم که بر امت
من واجب خواهد بود و حضرت صادق ع فرمود که در مسواک
دوازده خصلت است از سنت پیغمبر ع و پاک کننده دهان است

وجلا دهندهٔ چشم و موجب خوشنودی پروردگار است و بلغم را دفع می کند و حافظه را زیاد می کند و پوست انداختن و پوسیدن دندان می برد و بن دندان را محکم میکند و اشتهای طعام زیاد می کند و ملائکه با آن خوشنود می شوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را برطرف می کند و نور چشم را زیاد می کند و از حضرت رسول ص منقول است که اگر نه این بود که بر امت من دشوار می بود هر آینه واجب میگردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان تو می گذارد و هرچه از قرآن و دعا و ذکر می خوانی به آسمان می برد پس باید که دهان تو خوشبوتر باشد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق ع ۲ سال پیش از فوت ترک مسواک بسبب آنکه دندانهای آن حضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول ص منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاد می کند و دردهای بدن را می برد و کندر خائیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق ع سؤال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک پیش از وضو باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملک می آید و دهان را بدهان او میگذارد و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکنار می ایستد و قرائتش را می شنود و از حضرت رسول ص منقول است که ۲ رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت بی مسواک و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص مسواک را بعرض دندانهای خود مالیدند و حضرت امام موسی ع فرمود که مسواک در بیت الخلا مورث

کند دهان است

کند دهان است و منقول است از حضرت امام محمد باقر ع که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد که مسواک ترک مکن در هر سه روز اگرچه بیک مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی ع منقول است که سه چیز است که هر که لذتش را یافت ترک نمی کند موی را ازبیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق ع فرمود که موی سر را ازبیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت کلفت شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و حضرت صادق ع فرمود که من هر جمعه سر میتراشم و در فقه الرضا ع مذکور است که چون خواهی سر را تراشی رو بقبله ابتدا کنی از پیش سر از جانب پیشانی و بتراشی تا ۲ استخوان که از پهلوهای گوش بلند شده است و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوىٰ وَ جَنِّبْنِي الرَّدىٰ

فصل سیم در فضیلت شارب گرفتن بدانکه شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را تا کمرته گرفتن سنت مؤکد است و هر چند بیشتر ته بگیرند بهتر است و از حضرت رسول ص منقول است که شارب خود را دراز می کنید شیطان در آنجا میکند و پنهان می شود و از حضرت صادق ع منقول است که شارب گرفتن دفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت رسول ص است و حضرت رسول ص فرمود که سنت است گرفتن موی شارب

تا آنکه برسد بدم لب بالا و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که نا
خن گرفتن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث
دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آن حضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من
کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید
که در روز جمعه باشد در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که هر که ناخن
و شارب در هر جمعه بگیرد در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی
سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعد هر ریزه که از و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک
بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن باو عطا میفرماید و بیمار نشود مگر به
بیماری مرگ و از حضرت رسول ص منقول است که هر که در روز پنجشنبه و در روز
شنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و درد چشم و در
حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان
و گبران خود را شبیه مگردانید و فرمود که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد
فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است ریش را میانه
گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروه است
و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آن است که تراشیدن ریش
حرام است اما بر رو و در طرف لب پائین را جایز است تراشیدن و احوط
آن است که اصلاح بسیار نکنند که شبیه بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت صا
دق ع منقول است که آنچه از ریش زیاده از یک قبضه باشد در آتش است
و در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیرد آنچه زیاده از قبضه باشد ببرد
و از محمد بن مسلم منقول است که گفت دیدم که متصدی اصلاح ریش حضرت امام محمد
باقر ع میکرد حضرت باو فرمود که ریش را مدور کن و در حدیث معتبر منقول است

که حضرت امام

که حضرت امام محمد باقر ع پهلوهای ریش را تنگ میگردانید موی ریش را و زیر زنخ
هم میچسبید و در حدیث دیگر منقول است که آن حضرت ریش را تنگ میگردانید
و ابرو را نمی کردند فصل ششم در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن
از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم موی سفید
در ریش بهم نمیرسید پس گاه بود که کسی بمجلسی می آمد و پدر و فرزندانش
در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندانش فرق نمی کردند می پرسیدند
که کدام یک پدر شما است پس چون زمان حضرت ابراهیم شد دعا کرد که خداوندا
برای من موی سفید قرار دهید که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی در ریش
سفید شد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که موی سفید مکنید که آن
نور مسلمانیست و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد
برای او در قیامت و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام بحق ناطق جعفر صادق ع
منقول است باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما بریدنش را دوست ترمیدارم
از کندن فصل هفتم در کندن موی بغل و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر
از حضرت رسول ص منقول است که باید هر کس موی شارب و موی بغل را بگیرد
و با احوال بدن خود بردارد که اینها باعث زیادتی جمال اوست و از حضرت
صادق ع منقول است که موی بغل را گرفتن رو را نیکو گرداند و از حضرت امام
موسی ع منقول است که چهار چیز است که از وسواس شیطان است گل خوردن و گل
را بدست مالیدن و ریزه ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خوا
ئیدن و از حضرت صادق ع منقول است که بسیار دست بر ریش مگذارید
که رو را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن
از حضرت رسول ص منقول است که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع

میکند و در روزی را فراخ میکند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که چرا این امر کرده اند بنا
خن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آنجا جا میکند و مورث فراموشی است و در حد
یث دیگر منقول است که حضرت رسول ص مردان را میفرمود که ناخنها را بگیرد
و زنان را میفرمود که اندکی بلندتر بگذارید که زینت شما است در روایتی دیگر
وارد شده است که چند گاهی وحی بر حضرت رسول ص نازل نشد از سبب آن
پرسیدند فرمود که چگونه وحی را از من باز نه ایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید
و چرک انگشتان را برطرف نمیکنید فصل نهم در بیان آداب و اوقات نا
خن گرفتن منقول است که حضرت رسول ص نهی فرموده است از گرفتن ناخن بدندان
در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که ناخن گرفتن در روز
جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشد
بسا که از آن ریزه بریزد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص مردان
را میفرمودند که ناخنها را بگیرید و زنان را میفرمودند که اندکی بلندتر بگذارید
که زینت شما است در حدیث دیگر فرمود که هر که در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیو
سته با طهارت باشد تا جمعه دیگر در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام رضا
ع شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمودند که میخواهی بتو چیزی بیاموزم که
اگر بجا آوری هرگز درد چشم نه بینی عرض کرد بلی فرمود که در هر پنجشنبه ناخن بگیر
آن شخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که هر که بر این مداومت نماید از آزار چشم نه بیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده
است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکنند و بانگشت
کوچک دست راست ختم کند و در حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهای
خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد خدا پریشانی

ازو زایل

ازو زایل گرداند در وقت ناخن گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی
سنة محمد و آل محمد فصل دهم در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزهائی
که دفن باید کرد در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که رسول
خدا ص امر فرمود ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم فرمود دندان و ناخن
و خون و از حضرت رسول ص منقول است که هفت چیز است که از آدمی جدا میشود
و آنها را دفن می باید کرد مو و ناخن و خون و خون حیض و بچه دان و دندان
و نطفه که پاره خون شده باشد فصل یازدهم در فضیلت شانه کردن
موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی
و پریشانی را زایل میکند و سر را شانه کردن تب را می برد و ریش را شانه
کردن دندانها را محکم کردن است و از حضرت صادق ع منقول است که شانه
کردن فقر را برطرف میکند و درد وبا را می برد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را
زیاد میکند و موها را نیکو و بلغم را قطع میکند و حاجت را روا میکند و پشت
را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند
و شانه کردن پائین ریش طاعون را از این کس دور میکند و شانه کردن زلف
وسواس را می برد و شانه کردن سر بلغم را قطع میکند فصل دوازدهم در
آداب و اوقات و انواع شانهها در حدیث معتبر منقول است جای نماز حضرت
امام جعفر صادق ع شانه بود که هرگاه که از نماز فارغ میشدند شانه میکردند
در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقول است در تفسیر این آیه کریمه
خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجد
ی حضرت فرمود که از این زینت است شانه کردن پیش از هر نمازی و در

در وقت

حدیث دیگر فرمود هر نمازی واجب و سنتی و در حدیث دیگر فرمود هر گاه که مرد
ریش خود را شانه کردن شانه بر سینه خود بکشد که اندوه و بیماری را می برد و از
حضرت صادق ع منقول است که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و بشمارد
شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که در حمام شانه مکن که
که موی را تنک می کند و از حضرت امام موسی ع منقول است که ایستاده شانه
مکن که باعث ضعف دل میشود و نشسته شانه کن که دل را قوی می گرداند
و پوست را بر می کند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص باب
شانه می کردند یعنی شانه را باب فرو می بردند و می مالیدند و در روایت دیگر
وارد شده است که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا را بخواند
اللّهمّ صلِّ علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و البسنی جمالاً فی خلقک و زیّنّی
فی عبادک و حسّن شعری و بشری و لا تبتلینی با
النفاق و ارزقنی المهابة بین بریّتک و الرحمة من
عبادک یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
ایستاده شانه کند قرض ملازمش و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص
ریش را از طرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه می کردند و می فرمودند
که روزی زیاد می کند و بلغم را بر طرف می کند و از هاشم ابن ولید منقول است که از
حضرت صادق ع پرسید از روغن دان شانه که استخوان فیل باشد فرمود که باکی
نیست باب ششم در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن

فصل اول در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره
وارد شده است که عطر بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده است که بوی
خوش دل را قوی می گرداند و قوت جماع را می افزاید در حدیث صحیح از حضرت

امام رضا

امام رضا ع منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را در هر روز و اگر
قادر نباشد یکروز در میان و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را البته ترک نکند و از حضرت امیرالمؤمنین
ع منقول است که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و گرامی داشتن
ملائکه است که اعمال او را می نویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت
ع مرویست که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش باو باشد و فرمود
که نمازی که خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که با بوی خوش باشد و فرمود که سه چیز است
که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان و مسواک و حضرت رسول ص چون روز
جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت نبود روپاک بعضی از زنان را می طلبید که بوی خوش
داشت و تر میکرد و بروی مبارک میمالید و حضرت رسول ص می فرمودند که جبر
ئیل ع مرا گفت که یکروز در میان خود را خوش بو کن و در روز جمعه البته ناچار
است و ترک مکن و می فرمود که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگرچه از
بوی خوش زنان باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که باید زن مسلمان پیوسته
برای شوهر خود را خوش بو کند و از حضرت رسول ص منقول است که هر زنی که بوی
خوش کند از خانه بیرون آید پیوسته در لعنت الهی باشد تا بخانه برگردد

فصل اول در بیان فضل گلاب و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول
ص منقول است که گلاب بر رو ریختن آبرو را زیاد می کند و پریشانی را بر
طرف می کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر روی بمالد در آنروز
بدحالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو زند دستها مالد حمد خدا کند
و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
در روز اول ماه مبارک رمضان یک کف گلاب بر رو بمالد از آن ایمن گردد

از خواری و بر بشانند و هرکه در آن روز بر سر خود یک کف گلاب بریزد در آن سال از مرض سام و ذات الجنب ایمن گردد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلعم منقول است که چون مرا به آسمان بردند از عرق من قطره‌ای چند بر زمین ریخت و گل سرخ از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و دعموص کرمی است در میان آب و سر پهنی دارد و دم باریک درازی خواست که بردارد و در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی فرستاد که در میان ایشان محاکمه کرد نصف را بماهی داد و نصف را بدعموص باین سبب پنج برگ سبزی که در زیر گل می‌باشد دو تا بشکل دم ماهی است که از دو طرف پری دارد و دو تا بشکل دم دعموص است که باریک است و از هیچ طرف پری ندارد و یکی یکطرفش پری دارد و در طرف دیگر ندارد که نصفش بشکل دم ماهی است و نصفش بشکل دم دعموص است و در روایت منقول است که چون آن حضرت ص بمعراج بردند زمین از رفتن حضرت محزون شد و باین سبب گبر در او روئیدن و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس کسی که خواهد که بوی حضرت پیغمبر ص را استشمام نماید گل سرخ را ببوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بهشت یک نوع دارد و سفید و بهترین همه گلها مورد است هر

فصل سیم در آداب گل بوئیدن و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هرگاه گل دهند ببوئید و بر دیده‌های خود گذارید که آن از بهشت آمده است در حدیث معتبر از مالک جهنی روایت کرده است که گلها بحضرت امام جعفر صادق ع دادند گرفتند و بوئیدند و بر چشم‌ها و دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گل بگیرد و ببوید و بر دیده‌ها بگذارد پس بگوید که اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود

از حضرت امام

از حضرت امام علی النقی ع منقول است که هر که گل ببوید و بر دیده‌ها گذاشته و صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام فرستد حق تعالی برای او حسنات بقدر ریگ بیابانهای عالج که در زمین ما بین شام و مکه و عراق است بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ بیابان محو نماید

باب هفتم در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از غسلها

فصل اول در فضیلت حمام منقول است که عمر گفت که بد خانه ایست حمام عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میدرد و حضرت امیرالمؤمنین فرمودند که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد می‌آورد و چرک را برطرف میکند از بدن و حضرت امام موسی ع منقول است که حمام یکروز در میان گوشت را در بدن زیاد میکند و هر روز رفتن پیه گرده‌ها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقول است که بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه به تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم فرمود که میخواهی که گوشت بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یک روز نه یکروز بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار که هر که هر روز برود که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسی خواهد فربه شود یک روز بحمام برود و یکروز نرود و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود باید هر روز بحمام برود و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که بهترین دواها [illegible] حقنه و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام نفرستد و علما تأویل کرده‌اند بدو وجه اول آنکه این در بلادی است که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دوم آنکه مراد آن است که زن خود را رخصت دهد که برای سیر کردن بحمامها رود

فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها که باید خواند در احادیث معتبر بسیار وارد شده است

که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بالنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقول است که هر که بالنگ بحمام داخل شود حق تعالی گناهان او را بر پردهٔ
ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیدهٔ خود را از نظر
کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از جهنم ایمن گرداند و حضرت رسول
ص نهی فرمود از غسل در زیر آسمان بالنگ و از حضرت صادق ع منقول است
که داخل حمام شدن مگر بعد از آنکه اندک چیزی در معدهٔ تو باشد که معده را فرونشاند
و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام نشود در وقتیکه معده پر باشد از
از طعام در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آن حضرت ارادهٔ حمام رفتن میکر
دند اندک چیزی تناول می فرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن
بهتر است فرمودند که نه بلکه اندک چیزی می باید خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت
اندرون را ساکن می کند و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که در وقتی
که در رخت کن حمام جامهها را از خود میکنی در آن وقت بگو اللهم انزع عنی
ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان پس چون داخل خانه اول حمام شوی
بگو اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی و استعیذ بك من اذاه
چون داخل خانه ۲م شوی بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس
وطهر جسدی و قلبی و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعض از آن را
بر پا بریز و اگر توانی جرعهٔ از آن آب بخور که مجاری بول را پاک می کند و در
حمام ساعتی صبر کنی پس چون داخل خانه سیم شوی بگو نعوذ بالله من النار
و نسئاله الجنة و مکرر این را بگو که تا هنگام بیرون آمدن از آن خانه گرم
و زینهار که آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را فاسد میکند و آب سرد مریز
که بدن را ضعیف می کند و چون از حمام بیرون می آئی آب سرد بر پا بریز که درد را
از بدنت می کند پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی

التقوی

التقوی وجنبنی الردی پس چون اینها که گفتم کنی از همه دردی ایمن شوی
و حضرت صادق ع فرمود که هرگاه که از حمام بیرون می آئی عمامه بر سر ببندید
فرمود که درد شقیقه را زایل می کند در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع هرگاه از حمام بیرون می آمدند در زمستان و در
تابستان عمامه بر سر می بستند و می فرمودند که امانست از درد سر و در روایتی
وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غلبه کند آب سرد بر
خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی ع وارد شده است که در روز
چهارشنبه بحمام بروید

فصل سیم در بیان آدابی که در حمام باید کرد آنچه نه تجویز
شده است منقول است از حضرت امام جعفر صادق ع که حضرت امیرالمؤمنین ع منع فرمود
که در حمام بر پشت بخوابید که پیه گردها را می گدازد و سفال و آجر بر پای خود مالید که مور
ث خوره است در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو بخواب در حمام که پیه گرده را می گدازد
و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکنی که مو تنک می شود و سر را بگل مشو که غیرت
می برد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال که آبرو را می برد
و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر است و سفال شام است در حدیث
منقول است که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کر
دن در حمام فرمود باکی نیست و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که بول کردن
در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مرد با
کنیزش بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند مانند خران برهنه نباشند که نظر
بعورت یکدیگر کنند در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در
صورتی است که لنگ نه بسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است
که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم

فصل چهارم

در فضیلت شستن سر و بدن و رفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول ص
منقول است که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد
باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که شستن سر چرک را می برد
و آزار چشم دفع میکند و جامه شستن غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای
نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بوهای بدی که مردم از آن متأذی میشوند
و در باب اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد و از بندها کثیفی آن کثیفی
کننده را که بپهلوی هر که بنشیند از او متأذی شود و فرمود که آب را بوی خوش
خود گردانید فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن
از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر بر خطمی
شستن فقر و پریشانی را دور و بیشی را زایل میگرداند و در حدیث موثق دیگر فرمود
که شستن سر با خطمی در هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول ص سر خود را با سدر می شستند و می فرمودند که بشوئید سر خود را
برگ سدر که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل آن را پاکیزه یاد کرده است و هر که سرش
بان بشوید حق تعالی از وسوسه شیطان را هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد
روز وسوسه شیطان از او دور شود و معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از
حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است سر با خطمی شستن چرک و جانوران را برطر
ف میکند فصل ششم در فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقول است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله گفت با حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتیم فرمود که دارو کش گفتم که چند روز است
که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کنندهٔ بدن است و بر این مضمون حدیث
چند وارد شده است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی حضرت
ثقلین دارو کشیدن کرد گفت سه روز است که کشیده ام فرمود که باز بکش

که پاک

که پاک میگرداند تو را و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که دارو کشیدن دفع
دلگیری و پریشانی خواطر را میکند و بدن را پاک می کند و در حدیث صحیح از آن
منقول است که موی بدن بلند میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزندی
بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد و نوره کشیدن
آب پشت را زیاده می کند و بدن را قوی میکند و پیه گردها را زیاده می کند و بدن
را فربه میکند و از حضرت امام رضا ع منقول است که چهار چیز است اخلاق
پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع
کردن و از حضرت رسول ص منقول است که موی شارب و پشت زهار و زیر بغل
بلند مگذارید که شیطان در آنجا جا می گیرد و پنهان میشود فصل هفتم
در ازالهٔ موی بغل در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که دراز
مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر
منقول است که حضرت امام جعفر صادق ع زیر بغلها را دارو میگذاشتند
و می فرمودند که موی زیر بغل داشتنها را مکنید و در حدیث دیگر منقول است
که دارو کشیدن زیر بغل بهتر است از کندن فصل هشتم در رعایت
زمانی که نوره را تأخیر نتوان کرد در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که هر مردی که بخدا ایمان و بقیامت دارد که باید موی پشت زهار را زیاده
از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته
باشد اینکه ترک کند ازالهٔ موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق

ع منقول است که حضرت رسول ص در هر روز جمعه دارو می کشیدند موی پشت زهار
و میان پاها در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که سنت است در نوره
کشیدن هر پانزده روز یکمرتبه بکشند و اگر کسی تا بیست یک روز یا بیست روز برو بگذرد
و نوره نکشد قرضی بر خدا و نوره بکشند که چهل روز بر او بگذرد که نوره نکشد او مؤمن
و مسلمان نیست و او هیچ کرامت نزد خدا نیست و حضرت امیرالمؤمنین فرمود
که دوست می دارم از برای مؤمن هر پانزده روز نوره بکشد و از حضرت صادق
منقول است که باید پشت زهار هر یک هفته یا بیشتر نگذارد و کسی که نوره را زیاده
از یکماه ترک کند نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعاهای وقت نوره
کشیدن از حضرت صادق ع منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی
از نوره بردارد و ببوید بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سُلَیْمَانَ
ابْنِ دَاوُدَ کَمَا اَمَرْنَا بِالنُّورَةِ او را نسوزاند نوره و از حضرت
علی بن الحسین ع منقول است که هر که در وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا
بخواند خدا او را از کثافتهای دنیوی و از گناهان پاک گرداند و به عوض موها و
موئی کرامت کند که در آن موگناه نکرده باشد و بعدد هر موئی از بدنش ملکی خلق
کند که از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت و بدرستی که یک تسبیح ملائکه
نوریش برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا اینست اَللّٰهُمَّ
طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّی وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّی وَاَبْدِلْنِی شَعْرًا طَاهِرًا
لَا یَعْصِیکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِینَ
وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ فَحَرِّمْ شَعْرِی وَبَشَرِی
علی النار

عَلَی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِی وَطَیِّبْ خُلُقِی وَزَکِّ عَمَلِی وَاجْعَلْنِی
مِمَّنْ یَلْقَاکَ عَلَی الْحَنِیفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ
وَدِینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَبِیبِکَ وَرَسُولِکَ عَامِلًا
بِشَرَائِعِکَ تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
آخِذًا بِهِ مُتَأَدِّبًا بِتَأْدِیبِکَ وَتَأْدِیبِ اَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ غَذَوْتَهُمْ
بِاَدَبِکَ وَزَرَعْتَ الْحِکْمَةَ فِی صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَا
دِنَ لِحِکْمَتِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ فصل دهم در اوقات نوره کشیدن
و سایر آداب از حضرت صادق ع منقول است که یکمرتبه در تابستان
نوره کشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه در زمستان
بکشد و از حضرت امیرالمؤمنین ع مروی است که احتراز کنید از نوره مالیدن
در روز جمعه ~~مکروه است~~ و چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم
در روز چهارشنبه خلق شده است که با آن حضرت عرض کردند که مردم می گویند
که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که تو
گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه در حدیث
حسن منقول است که از حضرت صادق ع پرسیدند که کسی نوره کشد ایستاده
بول میتوان کرد فرمود که باکی نیست در روایت دیگر منقول است که کسیکه
در وقت دارو مالیدن بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و
بسند حسن منقول است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا جایز است

که کسی آرد نخود با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه
بوی نوره را ببرد فرمود که باکی نیست فصل یازدهم در فضیلت حنا
مالیدن بعد از نوره حسین بن علی موسی روایت میکند که پدرم موسی ابن جعفر
ع هرگاه اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم کردند بمرتبه که
داخل نمی‌توانست شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین می‌انداختند و بعد از آن
داخل می‌شدند روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر با آن حضرت رسید
و اثر حنا در دست آن حضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست شماست
فرمود که رنگ حناست پدرانم از رسول ص روایت کرده‌اند که هر که بحمام رود
دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره
و پیسی و آکله تا نوره کشیدن دیگر در حدیث دیگر منقول است که حضرت
که حضرت امام محمد تقی ع از حمام بیرون آمد و از سر تا پای مبارکش مانند
گل سرخ شده بود از حنا حضرت صادق ع فرمود که حنا مالیدن بوی بد را
می‌برد و آبرو را زیاد می‌کند و دهان را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند
و هر که بعد از دارو از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف شود فصل
دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنا
بر مشهور میان علما شش است غسل جنابت و غسل حیض و استحاضه و نفاس
و مس میت در تفسیر حضرت امام حسن عسکری ع مذکور است که هر که بعد از
وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهانش از او بریزد چنانکه از د
رختان میریزد و هر قطره از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید

که تسبیح

که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
از او بکشد و گناهانش آمرزیده شود دعا این است سُبْحانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِ
كَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً
وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ وَبَعْدَ نَبِيِّكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيائَهُ
خُلَفائُكَ وَأَوْصِيائُهُ أَوْصِيائُكَ و اما غسلهای سنت شصت غسل
از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آن است که تا مقدور
باشد ترک نکنند در احادیث معتبر وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر مر
دان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده‌اند زنان را که ترک کنند در سفر برای
کمی آب و از حضرت صادق ع منقول است که غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گنا
هان است و جمعه تا جمعه دیگر و وقت آن از صبح صادق روز جمعه است تا پیشین
و مشهور آن است که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته
باشد که در روز جمعه آب یافت نشود روز پنجشنبه می‌تواند کرد و اگر فوت شود
بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز
شنبه تا شام قصد قضا میتواند کرد باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار
شدن و بیت الخلا رفتن فصل اول در بیان اوقات خواب بدانکه خواب
کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از
عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب
قیلوله است و سنت است و از حضرت رسول ص مروی است که زمین بسوی خدا

دو برابر میکند از سه چیز از خون حرامی که بر آن ریخته شود یا غسلی که از زنا کنند بر روی آن
بر روی آن یا خواب کردن بر آن پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق ع منقول است
که خواب بامداد شوم است روزی را منع میکند و رنگ را زرد می گرداند و روی را قبیح
و متغیر میکند و این خواب هر شوم است بدرستی که حق تعالی روزی را از ما بین طلوع صبح
قسمت می نماید پس زنهار که این خواب را نکنید و از حضرت صادق ع منقول است
که به شخصی فرمودند که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع بخواب
باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که خواب اول روز سفاهت است
و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام
و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که خواب
کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن بر پشت ما و فقر می آورد و در روا
یت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و عرض کرد که من حافظه
قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله
می کردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن چنان
کرد باز حافظه اش بر گشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید
که شیطان قیلوله بر بیداری و عبادت شب

فصل ۱۲

در وضو ساختن پیش
از خواب از حضرت صادق ع منقول است که هر که وضو بسازد و بر رخت خواب
برود آن رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب
بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا بیدار
خدا است چنان است که نماز میکند در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی
حضرت رسول ص با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام شب در روزه می دارد

سلمان گفت

سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند سلمان گفت
که من پس عمر بخشم آمد و گفت این مرد است از فارس میخواهد که بر ما که از
قریشیم فخر کند دروغ می گوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شب
خواب است و در اکثر روزها خاموش نمی باشد حضرت فرمود که او مانند و
شبیه حکیم لقمان است از او سوال کن تا جواب بگوید عمر پرسید سلمان فر
مود که اما روزه سال من ماهی سه روز میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که
حسنه بکند ده برابر با او ثواب میدهم این برابر روزه سال است با آنکه ماه
شعبان را هم روزه می گیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب
هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول ص شنیدم که می فرمود که هر که با و
ضو بخوابد چنان است که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم
قرآن هر روز سه مرتبه قل هو الله احد را میخوانم و از رسول خدا شنیدم که
بحضرت امیرالمؤمنین ع میفرمود که یا علی مثل تو در میان امت من مثل (قل هو الله احد است هر که)
قل هو الله احد را یکبار بخواند چنان است که ثلث قرآن را خوانده است
و هر که سه بار بخواند چنان است که قرآن را ختم کرده است پس هر که ترا
بر زبان دوست دارد ثلث ایمان در او کامل شده است و هر که ترا بر
زبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان در او تمام شده است و هر که
ترا بر زبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام ایمان
در او کامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا براستی فرستاده است
سوگند که اگر ترا اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا

دوست می‌دارند خدا هیچ کس را با آتش جهنم عذاب نمی‌کند پس عمرا ساکت
که گویا سنگی بدهانش گذاشتند فصل سیم در مکان خوابیدن و آداب
پیش از خوابیدن مشهور میان علماء آن است که خوابیدن در مساجد
مکروه است و ظاهر احادیث آن است که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام
و مسجد رسول ص در آنها نیز تجویز واقع شده است در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که رسول خدا ص سه کس را لعنت کرد کسی که تنها چیزی
بخورد و به سفر رود و در خانه تنها بخوابد و فرمود که اگر تنها بخوابد بیم آن
است که دیوانه شود و از حضرت امام موسی ع منقول است که هر که در خانه تنها
بخوابد بگوید اللّهم آنس وحشتی و اَعِنّی علی وحدتی و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت رسول ص نهی فرمود از خوابیدن بر بامی
که دیوار نداشته باشد از امان خدا بدر می‌رود و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که مکروه است که کسی که در بامی تنها بخوابد یا بر بامی است
که دیوار نداشته باشد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساویند پرسیدند
که سه طرف دیوار داشته باشد چون است که نه بلکه هر چهار طرف
میباید دیوار داشته باشد و در روایت وارد شده است که حد بلندی
دیوار دو ذرع است و در بعضی احادیث تجویز یک شبر هم وارد شده است
از آنکه کسی که با دست خود [illegible] آلوده بخورد و نخوابد که اگر چنین کند شیطان
بر او دست یابد یا دیوانه شود و ملامت نکند مگر خود را و در وقت
خوابیدن دست و دهانش را بشوید که اگر نشوید شیطان ایشان را

می‌باید در خواب

می‌باید در خواب می‌ترسند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که
به جامهٔ خواب خواهد داخل شود کنار جامهٔ خود را برفشد خواب بکند که اگر
جانوری داخل شده باشد بدر رود یا و ضرری نرساند و از حضرت امیر ع وا
رد شده است که باید پیش از خواب به بیت الخلا رود و بعد از آن فصل
چهاردهم در سایر آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست او بقبله
بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و
بر رو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر ع منقول است که خواب
بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابیدند و دیدهای ایشان بخواب
نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود میباشند و مؤمن بر دست راست
میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند
که آنچه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او و هر دیوانه و
مبتلائی برو افتاده میخوابند فصل یازدهم در آیات و ادعیه
که پیش از خواب باید خواند در حدیث از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که فرمود که ترک مکنید در وقت خواب این دعا را اُعیذُ
نَفْسی وَ ذُرِّیَّتی وَ اَهْلَ بَیْتی وَ اَهْلَ بَیْتی وَ مالی بِکَلِماتِ
اللّهِ التّامّاتِ مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ وَ هامَّةٍ وَ مِنْ کُلِّ عَیْنٍ
لامَّةٍ این دعا تعویذ میفرمود حضرت رسول ص امام حسن و امام حسین
ع را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که سورهٔ قل هو الله

احد و سوره قل یا ایها الکافرون را بیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکا
فرون بیزار از برای بیزاری شرک است و قل هو الله احد نسبت پروردگار است
و حضرت صاحب الامر ع فرمود که هر که شب این دعا را بخواند تا صبح او را عقرب
نگزد و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوز
هن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر کل دابة
هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خواب بخواند حق تعالی
پنجاه هزار ملک براو موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت
صادق ع منقول است که هرگاه پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
خدا خانه در بهشت برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد
چنانچه برگ از درخت میریزد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش
آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلاها محفوظ باشند و اگر صد مرتبه بخواند
گناه پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در روایت معتبر دیگر فرمود
که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند حق تعالی یازده
ملک براو موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح فصل
یازدهم در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن وا
ز حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که چون در خواب ترسد یا از در رو یا خواب
برو مستولی گردد این آیه بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی

لما

لما لبثوا امدا و اگر طفل بسیار گریه کند این آیه را براو بخواند در حدیث
صحیح از آن حضرت منقول است که هر که ترسد که محتلم شود چون برخت خواب
رود این دعا را بخواند اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و
من ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة و المنام فصل هفتم در دعا
برای دفع بیداری و برای بیدار شدن هر وقت از شب در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند
قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان
یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه
احدا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع منقول است که هر که عزم کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبا
دت برخیزد خداوند که در آن اراده او صادق است البته دو ملک را بفرستد که در
آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود فصل هشتم در حدیث معتبر منقول
که مردی بخدمت امام علی نقی ع عرض کرد که پدرم مرد بناگاه و نمیدانم که مال
داشت و نمیدانم چه شده و من نمیدانم عیال بسیار دارم و از شیعیان شمایم بفریا
دم برسی پس حضرت فرمود که چون نماز خفتن کردی صد مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد بفرست و بخواب چون چنین کرد پدرش را بخواب دید قصه مال را باو خبر
داد و از حضرت صادق ع منقول است که هر وقت که از پهلو به پهلوی دیگر
میگردد الحمد لله و الله اکبر بگوید و در روایت دیگر وارد شده است که چون
از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده

و اعتقاده

فصل نهم در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث
منقول است که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که چه سبب دارد که مؤمن گاهی
خواب می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن ظاهر
نمیشود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس
آنچه روح مؤمن است در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است
و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است راوی
پرسید که آیا روحش هم بآسمان میرود و هیچ در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد
خواهد مرد بلکه از بابت آفتاب است که در آسمان است و روشنی و شعاعش در ز
مین است هم چنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از آن بآسمان حرکت می کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که شیطانی هست که او را هزع
میگویند در هر شب از مشرق تا مغرب پرواز میکند از بدن خود و بخواب مردم
می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان می بینند در حدیث وارد است
که خوابهای نیکو جزوی از هفتاد جزو از پیغمبری است و در حدیث حسن از حضرت صادق
ع منقول است که رای مؤمن و خواب او در آخر الزمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبری
است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون صبح می
شد حضرت رسول ص باصحاب خود میگفتند که آیا کسی خواب بشارت دهنده
دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که شخصی از حضرت رسول ص سوال کرد از تفسیر این آیه کریمه لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ
كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی
آنکسانی که ایمان آورده اند و پرهیزکار بوده اند ایشان را بشارت

هست در زندگانی

هست در زندگانی دنیا و آخرت خوابهای نیکوست که مؤمن در دنیا می بیند
و از آن بشارت می یابد و شادی میشود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که خوابهای دروغ که اثری ظاهر نمیشود آن خوابهای در اول
شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین متمرد است و آنها
خیالات چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست
از خوابهاست چند که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه
وقت سحر و آن خواب راست می باشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده
باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد بعضی از
خواب که اگر باین حالات خوابیده باشد خوابش بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید
و از حضرت علی بن موسی الرضا ع منقول است که رسول خدا ص فرمود که هر که مرا
در خواب ببیند چنان است که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل
نمی تواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از شیعیان
خالص ایشان بدرستی که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبران است و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که فرمود بسیار است خوابها می بینم و تعبیر
خواب برای خود می کنم و خواب بهمان نحو تعبیر می کنم واقع میشود در حدیث
معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول ص شوهرش در سفر بود بخواب
دید که ستون خانه اش شکست بحضرت عرض کرد فرمود که شوهرت می آید بسلامت
پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنان خواب دید و حضرت
چنین تعبیر کرد شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت باز چنین خوابی

دیده بود گوشی بر خود و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرت میمیرد چنان شد
این خبر بان حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب برای او نکردی و از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که حضرت رسول ص می فرمود که خواب مؤخر در میان
آسمان و زمین در بالا عرش پرواز می کند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری
از برای او تعبیر کند پس بان نحو که تعبیر کرده اند واقع می شود پس خواب خود را
نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد فصل دهم در آداب بیداری
و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول ص منقول است که سخن گفتن و صحبت
داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول
است که شب بیدار داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب کردن
وقرآن خواندن و در ان کتاب علم و برای عروسی که بخانه شوهرش برند و از ودر
حضرت صادق ع منقول است که پنج کسند که بخواب نمی روند کسیکه قصد
کشتن کسی داشته باشد و کسیکه مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته
باشد که بر او اعتماد کند و کسیکه در میان مردم دروغ و بهتان گفته
و کسی که مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه محبوبی را
خواهد و ترسد که از او جدا شود و حضرت صادق ع فرمود که خدا دشمن
میدارد خواب بسیار کردن را و بسیار فارغ بودن را و فرمود که
بسیاری خواب کردن دنیا و آخرت را می برد و بدانکه بیداری بسیار کردن
هم مذموم است در غیر به تنهائی که بخصوص احیای آنها وارد شده است
تمام شب بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که دیده
را برای آدم حقی هست و بسیاری بیداری حق او را ضایع نباید کرد

بدانکه در خواب

بدانکه در خواب و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد
چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است کسیکه در آفتاب نشیند باید پشت
را بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهای پنهان را ظاهر می گرداند و در
حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب مکنید که مورث هیجان بیماریست و رو را متغیر
میکند و جامه را کهنه کند و دردهای اندرونه از او بظهور می آید و از حضرت
رسول ص بسند معتبر منقول است که در آفتاب چهار خصلت است رنگ را متغیر
می کند و بینی کس را بد بو می کند و جامه را کهنه می کند و باعث دردهای
باطنی میشود فصل یازدهم در آداب بیت الخلا چون خواهد
که داخل الخلا شود سر را بپوشاند و اگر در بالای عمامه چیزی دیگر بسر بگیرد بهتر است
بسم الله بگوید و دعا خواند باین عنوان بسم الله وبالله اللهم انی اعوذ
بک من الخبیث المخبث الرجس النجس الشیطان الرجیم و چون داخل
شود پای چپ را مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است
بجهت دشواری بول و غایط
و چون عورتش باز شود بسم الله بگوید شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بر عورت
او نیفتد و چون فارغ شد بنشیند بگوید اللهم اذهب عنی القذی وا
لاذی و اجعلنی من المتطهرین و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای
چپ کند و پای راست را کشاده گذارد و مستندش بنظر نرسیده و چون غا
یط یا بول بدشواری بیرون آید و بعضی گفته اند مطلقا این دعا خواند اللهم
كما اطعمتنيه طيبا في عافية فاخرجه مني خبيثا في عافية
و در حدیث است که هر بنده فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد در بیت
الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت

خورشهای تو است که سعی بسیار در خوبی و پاکیزگی آنها میکردی پس فکر کن که از کجا بهم
رسانیدی و عاقبتش بکجا رسید پس سزاوار آن است که در اکل بنده این دعا بگوید اللهم
اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون نظر به آب استنجا افتد بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا و چون خواهد
که استنجا کند بگوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار
ووفقنی لما یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد
دست به شکمش بمالد و بگوید الحمد لله الذی هنانی طعامی وشرابی
وعافانی من البلوای و چون خواهد که بیرون آید پای راست مقدم دارد بنا
بر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بگوید الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی
فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون
قدرها و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبراء ظاهرا این
است که انگشت میان دست چپ نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد
تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت بر زیر ذکر گذارد و انگشت
مهین بر بالای آن بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته اند
که سر ذکر سه مرتبه بفشارد و این مستندی ندارد و سنت است استنجا
با آب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است
که حضرت لقمان فرمود که بر در بیت الخلا نوشتند که بسیار نشستن در بیت
الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا باستخوان و سرگین کردن مکروه است زیرا
که اجنه بخدمت حضرت رسول ص آمدند از برای خود و حیوانات خود طعامی
طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان و سرگین برای حیوانات ایشان
قرار داده اند و این سبب استخوان پاک کردند خوب نیست و هم چنین

استنجا بسایر

بسایر مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجا بجزهای
محترم مثل تربت حضرت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام
پیغمبران یا ائمه معصومین صلوات الله علیهم یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است
و اگر بر وجه استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه
است و بدست چپ هم مکروه است در صورتی که انگشتری در آن باشد اسم
خدا باشد و الحاق کرده اند علما اسماء انبیا ائمه معصومین صلوات الله علیهم
هرگاه به قصد نام ایشان کنند باشد و مکروه است با خود بردن به الخلا همچنین
انگشتر را هرچند در انگشت نباشد و هم چنین با خود بردن قرآن و تعویذ و دعا
و هم چنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک
کردن در بیت الخلا که باعث گندهٔ دهان میشود مکروه است حرف گفتن
در اکل مگر بذکر خدا و دعاهای مقرره آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه موذن
میگوید از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی ع در مناجات با خدا
و رند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که تو را از آن بزرگتر میدانم که در آن
احوال تو را یاد کنم فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال
تو را یاد کنم فرمود که ای موسی یاد من در همه حال نیکو است و واجب است
رد سلام را یا اگر اسم حضرت رسول ص بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول
جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد بگوید صلوات بفرستد و جایز است
که اگر کاری کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و با اشاره
و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هرکه در بیت
الخلا حرف بگوید حاجتش برآورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن

در حال بول و غایط و استنجا با آبی کرده که بویش متغیر شده باشد بغیر نیست مگر آنکه
آب دیگر یافت نشود فصل دوازدهم در بیان احوال و اوضاع و مکانهائی
که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورة خود را از نظر نامحرم بپو
شانند از زن و متعه خود و نه از کنیزی که وطی او تواند کرد و نه اطفالیکه تمیز دا
نداشته باشند و سایر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن
سنت است که تمام بدن را بپوشانند یا آنکه پنهان شود در خانه یا در گودی
و اگر در صحرا باشد یا رشتی که کسی خیشه او را نه بیند و اکثر علما برانند که حرام است
رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواه در صحرا باشد در
بنا و احوط اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که برابر
قبله بول کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال
قبله بگردد بجانب دیگر از جای برخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و احوط
آن است که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که رو بمشرق
یا مغرب کند و احوط آن است که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت قبله تا
خواطر جمع شود که رو بقبله نکرده و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر
باشد باکی نیست در این صورت پشت بقبله کند بهتر است و سنت است
که از جهت بول بر جای بلندی یا جائی که خاک بسیار داشته باشد برود که خوا
طرجمع باشد که باو ترشح نکند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر
عذاب قبر از سهل شمردن [نجاست] بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن
مکروه است در آب ایستاده بول کردن بدتر است در احادیث معتبر وارد
شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است که در آب ایستاده

باعث تسلط ا

باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود و صورت دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آن ۳
که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن کراهت دارد از حضرت
صادق ع منقول است که هر که ایستاده بول کند بیم آن است که دیوانه شود و از
بسیار بلند بزیر بول کردن مکروه است و مکروه است بول کردن در سوراخ جانوران
و بول کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته باشد و همچنین در میان راههای
و کنار آبهای در مسجدها و نزدیک بدیوارهای مسجدها و در رودخانها و در جاهائی که مر
دم بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختهای میوه دار وقتی
که میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آن وقت بان درختان می باشند و نگاه
میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است
و در جاهای که مردم قافله فرود می آید و جاهای که مردمان از آن متاذی
حتی از بوی آن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص از بعضی
ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز فصل اول
در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدة ابتلای مؤمنان در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقول است که روزی حضرت رسول ص سر را
بر جانب آسمان بلند کردند و تبسم فرمودند پس از سبب آن سوال کردند
حضرت فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که بر زمین فرود آمدند و بنده مؤ
من صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند او را در
جای نمازش نیافتند و بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده تو را
در جای نمازش طلب کردیم نیافتیم او را در بند بیماری است حق تعالی فرمود

که بنویسید برای بندهٔ من آنچه در حال صحت او از افعال خیر در شب و روز کرده است
مادام که در بند من است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلعم منقول است مرض
که چون بر مؤمن ضعیف پیری غالب شود حق تعالی امر می‌فرماید که آنچه در قوت جوانی
میکرده است برای او بنویسید و هم ملکی را موکل میگرداند که برای مریض مؤمن
بیمار بنویسید آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر
بیمار بنویسید آنچه در حال صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث
حسن و غیر آن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که بیماری که در یک شب
بیداری بکشد از درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث حسن دیگر منقول
است که حق تعالی ملک دست چپ را امر می‌فرماید که در ایام بیماری که بر مؤمن
گناه ننویسند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که بدنی
که بیماری نکشد طغیان بهم میرساند و خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث
دیگر فرمود که یک شب تب برابر است با عبادت یکسالی و دو شب تب
برابر است با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد
سال و از حضرت صادق ع منقول است که یک شب تب کفارهٔ گناهان گذ
شته و آینده است و در حدیث بسیار از حضرت رسول صلعم منقول است
که حق تعالی می‌فرماید که هر که سه شب بیماری کشد و با هیچ یک از عیادت کنندگان
شکایت نکند بدل میکنم برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی
بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم و اگر بمیرانم
بسوی رحمت خود میبرم و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقول است
که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند او را از آنچه شرط قبول کردن است
بانکه کسی را

بانکه کسی را خبر نکند هر از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل
خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آن حضرت
منقول است که حد شکایت نه آن است که بگوید دیشب مرا خواب نبرد یا تب
داشتم بلکه آن است که بگوید که ببلائی مبتلا شده ام که هیچ کس بآن بلا مبتلا نشده است
آنچه بمن رسیده است بهیچ کس نرسیده است و مثل اینها در حدیث دیگر فرمود که
تب رسول مرگست و زندان خداست در زمین و گرمیش از جهنم است و بهرهٔ
مؤمن از جهنم همین است و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب
میکند گناه از او میریزد مانند برگ از درخت و اگر بر فرش خواب بیفتد ناله
اش ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو
که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر میزند و از حضرت امام رضا
ع منقول است که بیماری مؤمن پاک کننده است از گناهان و رحمت الهی
است نسبت باو و از برای کافر عذاب است و لعنت است و فرمود که یک
شب درد سر هر گناهی را بر طرف میکند مگر گناه کبیره از حضرت صادق ع منقو
ل است که چون حق تعالی بندهٔ را دوست دارد یکی از تحفهٔ از برای او فرو میفر
ستد یا تب یا درد چشم یا درد سر و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است
که در بهشت منزلی هست که هیچ کس بآن نرسد مگر آنکه بلائی ببدن او رسد
و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آینه
آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند فصل ششم در فضیلت و آداب
حجامت بدانکه از حضرت صادق ع منقول است که دوا چهار چیز است
حجامت و دارو در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث
دیگر منقول است که آن حضرت گذشتند بر حجامی که حجامت میکرد فرمود

که چه میشد نمی را که تا خبر میکرد دید تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن می
کند در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص روز دوشنبه بعد از ظهر حجامت
میکردند و فرمودند که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه درد را از بدن میکشد
و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی ع در روز جمعه
حجامت میکردند گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود
که هرگاه خون زیادتی کند بر تو خواه در شب و خواه در روز آیة الکرسی بخوان
حجامت کنی و از حضرت رسول ص منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه
هفدهم یا چهاردهم یا بیست یکم او را شفا دهد از دردهای سال همه شفا بخشد
او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول
است که شخصی دید که حضرت امام علی نقی ع در روز چهارشنبه حجامت می کردند گفت
که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول ص روایت می کنند که هر که در روز چهارشنبه
حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند
کسی که پیس می شود الا که مادرش در حیض با او حامله شده باشد و از حضرت
صادق ع منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که روز پنجشنبه حجامت
کند بدرستی که در هر پسین جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت
و بر جای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که هر که حجامت کند در پنجشنبه آخر
ماه در اول روز دردها را از بدنش میکشد در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت
کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را بر بزند بسم الله
اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که حجامت کردن بدن را صحیح می کند
و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحس است
و در روز جمعه ساعتی هست که در آن هر که حجامت کند بمیرد و بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقول است که اگر در چیزی شفا هست در نیشتر حجام و در خوردن عسل است

وفرمودند

و فرمودند نیکو عادت است حجامت دیده را جلا میدهد و درد را می برد و حضرت
صادق ع فرمود که جبرئیل ع برای حضرت رسول الله مسواک و خلال و حجامت
را آورد و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفای همه دردهاست بغیر از مرگ
و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باد محجمه و خون او که بریزند امان یابد از درد
چشم تا حجامت دیگر و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقول است که چون رسول
ص حجامت میکردند با آب سرد غسل می کردند که حرارت خون فرو نشیند در حدیث
دیگر مروی است که حضرت صادق ع حجامت کردند و بعد از آن پاره قند یا نبات
طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صاف را متولد میکند و حرارت را قطع
می کند و فرمود که زینهار که ناشتا حجامت مکنید تا اندک چیزی بخوری که بیشتر با
عث بیرون آمدن خون و قوت بدن می شود و فرمود که چون بعد از اکل
حجامت کنند خون جمع می شود و خون فاسد را بیرون می کند و اگر پیشتر از اکل
باشد خالص بیرون میرود و خون فاسد در بدن می ماند و در روایتی وارد شده
است که نباید حجامت کرد در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت
موسی ع منقول است که در هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است
حجامت بکنید و اگر نشود در چهاردهم بکنید و از حضرت رسول ص منقول
است که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبه فراموشی است و از حضرت
صادق ع فرمود که حجامت سر بز یاد رسنده است و برای هر دردی نافع
بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردند بجانب پشت و تا آنجا که انگشتها
رسید نشان دادند که در آنجا حجامت می باید کرد و در روایت دیگر
منقول است که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت

اتفاق افتد خون ببندی شخص را ببرد و فرمود که هرکه در وقت ظهر روز جمعه حجامت
کند و بلائی باو رسد ملامت نکنند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی
بخوان در هر روز که خواهی حجامت کنی و فرمود که حجامت سر نافع است برای
دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر
و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه او را حجامت
کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک می‌کند و حرارت را از سر و بدنش
می‌کشد و منقول است که شخصی بحضرت صادق ع شکایت از درد جگر خود نمود
او را فصد پا فرمود و شخص دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمود فصل
سیم در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است و بیان
جواز رجوع باطبا از حضرت رسول ص منقول است که درد سه است و دوا سه است
پس درد مرة است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت
است و دوای مرة مسهل است و دوای بلغم حمام است و از حضرت
صادق ع منقول است که از دوای پیغمبران است حجامت کردن و نوره کشیدن
و دارو در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که بهترین دواهای شما حقنه است و دارو در بینی چکانیدن و حجامت
کردن و حمام رفتن و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که حضرت
رسول ص فرمود که بهترین چیزی که با آن مداومت کنید حقنه است شکم
را فربه می‌کند و دردها را از بدن از اندرون پاک میکند و بدن را
قوت می‌دهد و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن اگر تاب درد
داری و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه که تشنه شوی

آب بخور

آب بخور و هرگاه که بول آید بول بکن و تا ضرور نشود جماع مکن و هرگاه
که ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح میباشد همیشه
و فرمود که حق تعالی هیچ دوا را مانع می‌شود از اثر کردن تا وقتی که مقدر شده است
که آن مرض تا آن وقت باشد چون آن مدت منقضی شد دوا را رخصت اثر
می‌دهد و بآن دوا شفا می‌یابد مگر آنکه پیشتر از آن مدت دعا یا تصدق
تاثیر بدهد و فرمود که در عسل شفای هر دردی است و هرکه یک انگشت عسل
ناشتا بخورد بلغم را دفع می‌کند و سودا را برطرف کند و ذهن را صاف میکند
و حافظه را زیاد و قوی میکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هرکه
دردها در بدن خود یابد و حرارت را بر مزاج خود غالب یابد با زنان جماع
کند حرارت را فرو می‌نشاند و از حضرت رسول ص باسانید معتبره منقول
است که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاها را محکم
دفع می‌کند و فرمود که تصدق مرضهای بدن را از صاحبش دفع می‌کند و در
روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت امام موسی ع آمد عرض کرد که
یازده نفر از عیال من همه بیمارند فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق
که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق دفع نمی‌کند و بسند معتبر از حضرت صادق
ع منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیرالمؤمنین ع باو فرمود که از
زن خود یکدرهم از مهری که باو داده قرضی بطلب و عسل بخر و با آب
باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت از سبب آنها پرسیدند از حضرت

فرمودند که حق تعالی می‌فرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خواطر چیزی
ببخشند بخورید گوارا و عاقبت نیک است و در باب عسل می‌فرماید که
در آن شفا است از برای مردمان و در باب باران می‌فرماید که فرستادیم از
آسمان آب مبارک پس در اینجا گوارائی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه
جمع شده و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق ع فرمود که هرگاه
رنجی بیمار را باعث نکس مرضی و زیادتی آن می‌شود و از حضرت صادق
ع منقول است که پرهیز آن نیست که چیزی را نخوری بلکه آن است که بخوری
و بکثرت نخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع مرویست که حضرت موسی ابن
عمران ع مناجات کرد که پروردگارا درد از کجا میرسد و خطاب رسید که من
پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه می‌کنند
مردم این حکیمان خطاب رسید که دلهای مردم را خوش می‌کنند و در حدیث
فرمود که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن
است که اندکی بسیار می‌کشد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که مسلمان
باید که دوا نکند تا غالب شود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق ع
منقول است که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد معالجه کند و بمیرد من
از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با بیحالی دوا بخورد اعانت
بر کشتن خود کرده است و از حضرت صادق ع منقول است که پیغمبری
از پیغمبران بیمار شد و گفت که دوا نمی‌کنم تا آن کسی که مرا درد داده است
شفا بدهد حق تعالی بدو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا نمیدهم و برای دفع

البته و کم بیرون

البته و کم بیرون آوردن نقل کرده است در مکارم الاخلاق بهتر آن است
که بر ترتیب عدد تولید **باب یازدهم** در آداب معاشرت با مردم و حقو
ق اصناف ایشان **فصل اول** در بیان حقوق خویشان و غلامان
و کنیزان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیا
مت در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا در دنیا صله
کرده است تو امروز او را برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است
در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن در احادیث بسیار منقول
است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاد می
کند و بلاها را دفع می‌کند و عمر را دراز می‌کند در حدیث حسن از حضرت
رسول ص منقول است که دو طرف صراط امانت و صله رحم است پس کسیکه
در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از صراط
باسانی می‌گذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانتها کرده است
و قطع رحم کرده است عمل دیگر او را نفع نمی‌دهد و صراط او را در آتش جهنم
افکند و حضرت صادق ع فرمود که صله رحم کردن و با همسایگان نیکوسلوک
کردن خانه‌ها را آبادان میکند و عمرها را زیاد میکند و از حضرت رسول ص منقو
ل است که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقول است که ما چیزی را نمی‌دانم که عمر را زیاد کند مگر صله رحم
تا آنکه گاه است که شخص سه سال از عمرش مانده است و بسبب صله رحم عمرش
سی و سه سال می‌شود و گاه است که کسی از عمرش سی و سه سال مانده است

و بسبب قطع رحم کم سالی می شود در حدیث موثق منقول است که شخصی
از آنحضرت سوال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشان بر من حقی
هست فرمود بلی رحم را هیچ چیز قطع نمی کند اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم
و حق اسلام و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مومن حساب قیامت را آسان
میکند و از گناه نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران را ترک مکنید
اگرچه بسلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع
فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مال ایشان بدست بدکاران
می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که سه
چیز است که هر که مرتکب آنها باشد پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد
ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی بدکردار اند و بسبب
صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار می شود و قسم دروغ و قطع رحم
خانهها را از اهلش خالی کند و نسل منقطع میگرداند و از حضرت رسول
ص منقول است که هر که برای خدا برود بجانب خویشان بدیدن یا برای آنکه
مالی بایشان برساند حق تعالی ثواب صد شهید را باو کرامت فرماید و بعدد
هر گامی که بر دارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته شود و چهل هزار گناه
محو شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال
عبادت خدا را با اخلاص کرده است در حدیث دیگر فرمود که سه کس
داخل بهشت نمی شوند کسیکه همیشه شراب خورد و پیوسته سحر کند و قطع رحم
کند و فرمود که هر که رعایت خویشان کند حق تعالی در بهشت باو هزار هزار

درجه کرامت

درجه کرامت کند که از هر درجه تا درجه صد سال راه باشد یک درجه از نقره و دیگر
از طلا و دیگری از مروارید و دیگر از زمرد و دیگر از زبرجد و دیگر مشک و دیگر
از عنبر و دیگر از کافور و هم چنین از سایر چیزها که خدا در بهشت خلق فرموده است
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شب معراج دیدم رحمی بعرش
آویخته و از رحم دیگر شکایت میکند به پروردگار خود پرسیدم که در چند
پشت نسب بود او بهم می رسد گفت در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که ضامنم برای کسیکه صله رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش
را فراخ کند و عمرش را دراز کند و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی
بهشت از هزار ساله راه شنیده می شود و آنرا نمی شنود عاق پدر
و مادر و قطع رحم کننده و مرد زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد
باقر ع منقول است که چهار صفت است در هر که باشد حق تعالی او را ساکن گرداند
در اعلا علیین در اعلای غرفههای شرف کسی که پناه دهد یتیم را
و متوجه حال او گردد و از برای او بمنزله پدر مهربان باشد و کسیکه رحم
کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر
مادر کند و با ایشان مدارا نماید و احسان کند و ایشان را آزرده نکند
و کسی که تندی و سفاهت بر بنده خود نکند و او را یاری نماید بر خدمتیکه
باو میفرماید و کاریکه بر او دشوار باشد با او مدد نماید و در روایت دیگر
منقول است که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که می خواهید خبر دهم شما
را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسی که تنها سفر کند و عطای

خودرا از مردم منع کند و غلام خودرا بزند و در حدیث دیگر فرمود که سه
کسند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان ترا ظلم می‌کنند دونان و زن تو و
خادمان تو و در حدیث معتبر منقول است که روزی غلامی از حضرت صادق ع
ناپیدا بود حضرت او را طلبیدند تا آنکه دیدند که در جایی خوابیده است
بر بالین او نشستند و او را بادی زدند تا او بیدار شد پس فرمودند که
ترا نیست که شب و روز هر دو را بخوابی شب خواب روز خدمت کنی در
احادیث معتبر از آن حضرت منقول است که سه کسند که نماز ایشان مقبول
نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خودرا تسلیم آقا
نماید و شخصی که پیش نمازی گروهی کند با او خوش نباشند و زنی که شوهر از
او خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت صادق و از حضرت
رسول ص منقول است که اول کسیکه داخل بهشت میشود شهید و غلامی
که نیکو عبادت کند پروردگار خودرا و خیرخواه آقای خویش باشد و مرد عیال
باری که از حرام و شبهه عفت دارد فصل ۶ام در حقوق همسا
یگان و خویشان و عشیره و قبیله از حضرت رسول ص منقول است که پیوسته
مرا وصیت می‌نمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او
میراث قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه را آزار کند حق تعالی بوی
بهشت را بر او حرام گرداند و مأوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از
همسایه خود بقدر یک شبر زمین خیانت کند خدا آن را با طبقه هفتم طوق
کرده در گردن او کند مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد همسایه باز

دارد حق تعالی

دارد حق تعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را بهمسایه برساند
در حدیث معتبر منقول است که از حضرت رسول ص پرسیدند که آیا در مال حقی
بغیر از زکاة هست فرمود بلی نیکی و احسان کردن بهمسایه مسلمان او
گرسنه باشند و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که تا چهل خانه
از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال معلوم نیست
که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید و آن قرض است
که بهمسایه دهد یا نیکی که بایشان دهد راوی عرض کرد ما همسایگان داریم
که اگر چیزی بایشان بعاریه بدهیم میشکنند و ضایع می‌کنند در این صورت
بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشند گناهی
بر تو نیست اگر بایشان ندهید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست
منع کردن نمک و آتش از همسایگان و از حضرت رسول ص منقول است
که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان حق تعالی منع می‌کند از او خیر
و احسان خودرا در آخرت او را بخود واگذارد و هر که خدا بخود واگذارد
وای بر احوال او و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که منع
مکنید قرض دادن و خیر و نان را و طلبیدن آتش را که این امور باعث زیادتی روزی
میشود بر اهل خانه با آنکه از جمله مکارم اخلاق است و در روایت معتبر
از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که دست
بر یتیم بکشد از روی ترحم حق تعالی برای او بعدد هر موئی که دستش بر آن

میکرد و حسنه برای او می نویسند در روایت دیگر منقول است که بهر موئی حق تعالی
نوری کرامت فرموده و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیمی بگرید عرش الهی بلرزد باد
پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر
و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که هیچ بنده او را ساکت
نکرداند مگر آنکه بهشت را برای او واجب میکردانم و از حضرت امام محمد باقر
ع منقول است که حق تعالی در قیامت جماعتی را از قبرها محشور گرداند که از
دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند که مال یتیمان را خورده
باشند چنانکه حق تعالی میفرماید بدرستی که آن جماعتی که مال یتیمان را خورده اند نمی
خورند در شکم خود مگر آتش و بزودی آتش افروز جهنم گردند فصل سیم
در حقوق صداقت و اخوت و از حضرت امام رضا ع منقول است که هرکه برادر
مؤمنی را برای خدا دوستی باو بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که نظر کردن بر روی عالم عبادت است
و نظر کردن بر روی پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادت است و نظر کردن
بر روی برادر که دوست داری او را برای خدا عبادت است در حدیث دیگر
فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضب آید و هیچ مرتبه حرف
بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر در حدیث دیگر فرمود
که اعتماد بسیار برابر در آن است خود مکن که رازهای خود را باو بسپاری
در وقتی که او از تو برگردد و چاره نتوانی کرد و از حضرت امیرالمؤمنین
ع منقول است که راستی با دوستان خود هموار بکنی و خود را برمده بایستی

بلکه روزی

بلکه روزی دشمن تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار بکن شاید که روزی
دوست تو شوند و از حضرت صادق ع منقول است که مطلع مکردان دو
ستان خود را بر راز خود مگر روزی که اگر دشمن تو اند بتو ضرر نرسانند زیرا که
گاه است که دوست یکروزی دشمن می شود و از حضرت امام رضا ع منقول
که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان ع
به پسر خود گفت که باید کسی را صاحب کنی و با یک کسی دشمنی مکنی و دو خر
باشی که علمای نیکان باشی و راضی مشو که فرزند بدان باشی و از حضرت صادق
ع منقول است که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی برادو را نیست
صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در حدیث
دیگر فرمود که هر که را پند دهنده از دلش و زجر کننده از نفسش و مرد صاحب
که او را براه خیر بدارد نباشد شیطان بر گردنش سوار می شود و در حدیث
دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان پدر خود مکن که روشنی احوالات تو تاریک
قطع مبدل می شود و فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد خود متعرض
محبت شده است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هر که خود را
در محل تهمت درآورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می برد و هر که
راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که از دو کس
گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی آنچه از او می بینی
بر محمل نیک حمل کن تا آنکه بحدی برسد که دیگر علاج نیک نیابی و زنهار
که گمان بد مبر بسخنی که از برادرت صادر شود تا محملی نیکی برای او یابی
و برای او بگیر از برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت تهیه اند

برای وقت بلا و در وقت بلا سپر ند برای دفع اعدا و مشورت با جاهلی
مکن که از خدا بترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان دوست
بدار و به پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باشی و از حضرت امام رضا
ع منقول است که اگر خواهی تمام شود برای تو نعمت و کامل شود برای تو مردی
و مروت و با صلاح آید برای تو امور معیشت پس شریک مگردان غلامان و خ
دم را ان را در کارهای خود و اگر ایشان را امین گردانی خیانت می کنند و اگر
سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر ترا بلائی پیش آید ترا یاری نمی کنند
و با عاقل مصاحبت بکن هر چند کرم نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق
بدش احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هر چند عاقل نباشد که بعقل خود
از کرم او منتفع می شوی و بگریز نهایت گریختن از احمق که بخیل باشد فصل
چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر
منقول است که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق ع پرسید که حق
مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها واجب
است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و اطاعت خدا بدر می رود پرسید
که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و عمل ننمائی و رعایت آنها نکنی آسان
ترین آن حقوق آن است که آنچه برای خود دوست میداری از برای او دوست
داری و از آنچه برای خود نمی خواهی برای او نیز نخواهی دوم آنکه به پرهیز
ی از غضب او و پیروی خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی
سیم آنکه او را یاری کنی بجان و مال و زبان و بدست و پا چهارم آنکه دیده

و راه نمائی

و راه نمائی و آینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد و تو سیراب
نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه تو خدمتکار
داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامهای او را بشوید
و طعامش را بپزد و رختخوابش را بگستراند هفتم آنکه اگر تو را قسم دهد قبول
آوری و اگر تو را بخانه خود دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش بروی
و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیشی گیری بر ادای
آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را بمحبت
او و محبت او را به محبت خود و در حدیث دیگر فرمود هیچ عبادتی نزد خدا بهتر
از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق ع منقول است
که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذری است که کفاره ندارد و هر که
خلف وعده مؤمن کند اول ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و متعرض غضب
الهی شده است و در حدیث حسن دیگر از حضرت رسول ص منقول است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود و بسند
های معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هر که صبح کند و اهتمام بامور
مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی فریاد
می کند که مسلمانان بفریاد من برسید و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود
که محبوبترین مردم کسی است که نفعش بمردم بیشتر رسد و فرمود که از هر که
از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی دفع کند بهشت او را واجب شود و از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که واجب است از برای مؤمن بر مؤمن که هفتاد

کبیره او را بپوشانند و از حضرت صادق ع منقول است که واجب است بر مؤمن
از برای مؤمن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت فصل پنجم در قضای حاجت
مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان در حدیث
صحیح از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که مؤمنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده
است و هر که مرا شاد گردانیده خدا را شاد کرده است در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که تبسم کردن برادر در روی برادر مؤمن حسنه است
و خاشاک از او بر داشتن حسنه است و هیچ عبادتی خدا را دوست‌تر نمیدارد
از شاد گردانیدن مؤمن در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود با حضرت
موسی ع که بدرستیکه مرا بندگان هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم
و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت موسی ع گفت پروردگارا
کیستند ایشان فرمود که کسی که سروری بر مؤمنی داخل کند پس حضرت فرمود
که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام آزار او بود
از او گریخت و به شهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد
و مهربانی و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی باو وحی
فرمود که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که تو را اگر در بهشت جائی می بود
تو را در بهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرام است بر کسیکه کافر
بمیرد پس خطاب نمود با آتش جهنم که او را مترسان اما مسوزان و امر فرمود
که در اول و آخر روز برای روزی او ببرند و بسند حسن از حضرت صادق
ع منقول است که حق تعالی وحی نمود بحضرت داود ع که بنده از بندگانم
حسنه بنزد من آورد بهشت را مباح میگردانم برای او حضرت داود پرسید
کدام حسنه

که آن حسنه کدام است فرمود آنکه بنده مؤمنی خوشحالی را داخل گرداند اگرچه بیک دانه خرما باشد
حضرت داود ع گفت که پروردگارا سزاوار آن است که کسی که ترا بشناسد قطع امید
از تو نکند و در احادیث معتبره از آن حضرت منقول است که چون مؤمن از قبر بیرون می آید
با او شخصی بیرون می آید و میگوید بشارت باد تو را بکرامت از جانب خداوند
تعالی پس مؤمن باو میگوید که خدا تو را بشارت به نیکی دهد پس با او می باشد و بهر
هولی که میگذرند میگوید که این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرند میگوید که این از
تو است او را چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کند
که او را به بهشت برند با او میگوید که بشارت باد تو را به بهشت مؤمن گوید که تو کیستی
که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن رسانیدی گوید
که من آن شادی ام که در دل برادران مؤمن خود داخل کردی در دنیا و آخرت و خدا
مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث
دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار حسنه برای او نویسد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای برادر مؤمن خود برآورد حق تعالی در قیامت
صد هزار حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود
را داخل بهشت کند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت
حاجت مؤمن بهتر است از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجهاد
فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی
صد هزار درهم صرف کند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که یک حج بهتر است از هفتاد بنده آزاد کردن و حج کشیدن و نفقه دادن

اهل یکی نه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند و روی ایشان از سوال
کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر
صادق ع منقول است که هر که هفت شوط طواف در دور کعبه بکند حق تعالی
برای او شش هزار حسنه نویسد و شش هزار گناه او محو فرماید و شش هزار درجه
برای او بلند گرداند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن
بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که حاجت مسلمان
را برآورد حق تعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمی شوم برای
تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای آوردن حاجت
مؤمن راه رود حق تعالی دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش
که برای او استغفار کنند دعا کنند که حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت
موسی ابن جعفر ع منقول است که هر که برادر مؤمن او به نزد او بیاید برای حاجتی
او رحمتی است که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبول کرد پس پیوند کرده
دوستی او را با دوستی ما و دوستی ما با دوستی حق تعالی موصول است و اگر او را رد کرد
و او قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی بر او مسلط گرداند در قبر ماری
از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت او را رحمت کند و
بیامرزد و خواه عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است هر مؤمنی
که برادر مؤمن دیگر حاجتی به نزد او بیاورد و او قادر نباشد بر آوردن حاجت
او و دلش غمگین شود بسبب این خداوند عالم به همین بهشت را برای او واجب
گردانیده و در حدیث دیگر امام محمد باقر ع فرمود که هر که راه رود برای برآوردن

حاجت برادر

حاجت برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند
و به هر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون
از کارسازی او فارغ شود ثواب حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق ع
فرمود که چون راه روم در حاجت برادر مسلمان را دوست میدارم از آزاد کردن
هزار بنده و هزار کس را که بر اسبان زین و لجام کرده سوار کنم و بجهاد فرستم و در حدیث
معتبر از حضرت علی ابن الحسین ع منقول است که بگردان مسلمانان نزد خود
بمنزله اهل خانه پیران ایشان را بمنزله پدر خود و خوردان ایشان را بمنزله
فرزندان خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادران خود بدان پس کدام یک
از اینها میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی و اگر کسی را به بینی
که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی
گرفته است پس از من بهتر است و اگر خوردتر از خود ببینی بگو که من بیشتر از او
گناه کرده ام پس او از من بهتر است و اگر همسال خود را به بینی بگو که یقینی ۲ بگناه
خود دارم در گناه او شک دارم پس چرا یقینی خود را برای شک بگذارم
و اگر بینی که مردم ترا تعظیم و تکریم میکنند و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت نگذارند
بگو این از گناهیست که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود
و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان و از بدی ایشان
دل تنگ نشوی و در حدیث دیگر منقول است که حضرت عیسی ع به یکی از اصحاب

خود فرمود که اگر می‌خواهی که با تو نکنند با هیچ کس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب راست
رویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که فرمود که هر مؤمنی که منع کند از مؤمنی چیزی را که او بآن محتاج باشد و او قادر
که آن را از نزد خود یا نزد دیگران باو برساند حق تعالی او را با روی سیاه و دیدهای کبود
و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس بگوید که اینست خاینی که با خدا و رسول خیانت
کرده است پس بفرماید که او را بجهنم برند فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت
ایشان در بیماری ایشان در احادیث معتبر وارد شده است از حضرت باقر ع
و حضرت صادق ع که هر که دیدن برادر مؤمن خود برود و از برای خدا حق تعالی
هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه خود برگردد که خوشحال
بشو و گوارا باد بهشت از برای تو و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول فرمود
که جبرئیل مرا خبر داد که حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک رسید بمردی که
که بر در خانه ایستاده بود از صاحب خانه رخصت می‌طلبید که داخل خانه شود
ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار داری گفت برادر مسلمان من است
از برای خدا بدیدن او آمده‌ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر از این نداری
گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو و تو را سلام می‌رساند و می‌گوید
بهشت را واجب گردانیده‌ام برای تو و می‌فرماید که هر مسلمان که بدیدن مسلمان
رود چنان است که بزیارت من آمده است و ثواب بر من بهشت است و در
حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که هر که بدیدن برادر مؤمن برود
بخانه او حق تعالی او را خطاب فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و
مهمانداری تو بر من است و بهشت بر تو واجب گردانیدم بسبب آنکه او را

دانستی برادر

دانستی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که مؤمن که بیرون می‌[illegible] آید بعزم دیدن برادر مؤمن خود خداوند عا
لمیان ملک باو موکل گرداند که یک بال [illegible]لش بر زمین میگذارد و یک بال دیگر بر سرش
سایه می‌افکند پس چون داخل خانه خود آن مؤمن شود خداوند جبار او را ندا کند
که ای بنده که تعظیم من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که تو را
تعظیم کنم از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای تو کنم و اگر
خواهی که ساکت باشی تا من ابتدا برحمت بکنم پس چون برگردد ملک او را مشا
یعت کند و بال بر سر او داشته باشد تا بخانه خود برگردد پس حق تعالی او را ندا کند
که ای بنده من که حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که تو را گرامی دارم به تحقیق
که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و تو را در حق بندگان خود شفاعت دادم
و از حضرت صادق ع منقول است که بدیدن برادر مؤمن رفتن از برای
خدا بهتر است از ده بنده مؤمن آزاد کردن و هر که بنده مؤمن را آزاد کند حق
تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از او از آتش جهنم آزاد گرداند در حدیث معتبر
منقول است که آن حضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان
و بگو خدا رحمت کند بنده‌ای را که با یکدیگر بنشینند و یاد کنند احادیث ما را که سیم
ایشان ملکی است که از برای ایشان استغفار می‌کند و هر گاه با یکدیگر بنشینند
یاد ما و احادیث ما بکنند که بسبب هم‌نشینی و مذاکره شما مذهب و دین ما برای
شما زنده می‌شود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که مذاکره احادیث بکنند
و ما را یاد کنند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که بدیدن یکدیگر بروید

و در خانهای خود کم باشی زنده می نماید دینی ما و خدا رحمت کند کسی را که مذ
هب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول ص منقول است که خوشا حال آنها که ملاقات
میکنند با یکدیگر و بدیدن یکدیگر روند از برای خدا و از حضرت صادق ع منقول
است که هر که قادر نباشد که ما را احسان بکند بصالحان دوستان ما احسان کند
تا ثواب احسان در نامهٔ عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد
بدیدن صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در
حدیث معتبر منقول است از حضرت صادق ع که هر که عیادت مسلمان بیماری
نماید را در آن روز هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر
شام باشد تا صبح در حدیث دیگر فرمود که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار
ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که هر که مؤمنی را عیادت کند در رحمت الهی فرو
رود پس چون برگردد حق تعالی هفتاد هزار ملک را با او موکل گرداند که از برای
او طلب آمرزش کنند و بر او ترحم کنند و بگویند خوشا حال تو و گوارا باد
بهشت از برای تو تا روز دیگر در همان وقت و باو عطا فرماید زاویه در بهشت که سواره
در آن چهل سال بتازد و در حدیث دیگر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را
حق تعالی موکل سازد باو هفتاد هزار ملک را که همیشه بخانه او آیند و در
خانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب
ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار است که کسی
بیمار شود برادران مؤمن خود را اعلام کند که بعیادت او بیایند که از تنها

ثواب به برند

ثواب به برند و او ثواب بیابد بمجرد کردن آنها را که او را اگر چنین کند ده حسنه برای
او بنویسند و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقول است که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت
دهد که به عیادت او بیایند بدستیکه هیچ کسی نیست مگر آنکه او را دعای مستجاب
هست و از حضرت صادق ع منقول است که کسی که بعیادت برادر مؤمن
برود از بیمار التماس کند برای خود طلب دعا کند که دعای او مانند دعای ملائکه است
و از حضرت صادق ع منقول است که در دو چشم عیادت نباشد و در اول
بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از آن یکروز نه یکروز پس چون
بیماری بسیار طول کشد او را با عیالش می باید گذاشت و عیادت نمی باید
کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا بهی یا ترنجی یا
بوی خوشی یا عودی با خود به برد که بیمار بآن استراحت می یابد و در حدیث
دیگر فرمود که از تمام عیادت آن است که دست بر ذراع بیمار گذارد
و در وقت دعا کردن و زود برخیزد که عیادت احمقان دشوار تر
است بر بیمار از درد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که از
عیادت کنندگان کسی که ثوابش بیشتر از آن است که زود برخیزد مگر
آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از او سؤال کند که نشیند فصل هفتم
در اطعام مؤمنان و آب دادن ایشان و جامه پوشانیدن و سایر
اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان و از حضرت صادق
ع منقول است که هر که مؤمنی را سیر کند بهشت او را واجب شود

وهرکه کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند در حدیث
دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کند حق تعالی از سه بهشت او را طعام دهد
جنة الفردوس و جنت عدن و درخت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مؤمنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچ یک از خلق خدا نمیدانند که او را ثواب
هست یا نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالم پس فرمود که از جمله
چیزهائی که امرزش را واجب میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول
ص منقول است که هر که شربتی آب بر مسلمانی دهد در جائیکه آب بهم رسد حق تعالی
بهر شربتی هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که
آب کم باشد چنان باشد که ده بنده از فرزندان حضرت اسمعیل ازاد کرده باشد
و در حدیث حسن منقول است که هر که طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای
خدا چنان است که صد هزار کس از دیگران را طعام داده باشد و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که هر که مؤمنی مال دار را طعام دهد برابر است با یک بنده
ع از فرزندان اسمعیل که او را در کشتی ازاد کند و در حدیث فرمود که چهار چیز ازاد کردن
است که هر که یکی از انها را بجا اورد داخل بهشت گردد کسی که تشنه را سیراب کسی
کند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده را ازاد کند که در مشقت باشد
و از حضرت رسول ص منقول است که بهترین اعمال نزد حق تعالی سه چیز است
سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمانی را ادا کردن یا غمی از او بر داشتن
و فرمود که خیر و برکت بخانه که در ان طعام داده می شود زودتر میرود از فرو است
رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین ع منقول است که هر که در بهشت

جامه ای ندارد

جامه زیادتی داشته و داند که برادر مؤمنش بان محتاج است و باو ندهد حق تعالی
او را سرنگون در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد و نزدیک او مؤمن گرسنه
باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر اینکه من او را امر کردم و او
فرمان من نبرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را
نیامرزم و از حضرت صادق ع منقول است که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج
باشد که در ان خانه ساکن شود و او را نشاند حق تعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل
ورزید به بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خودم سوگند می خورم که هرگز
او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول ص منقول است که هر که کار کند از
راه مسلمانان چیزی را که باعث ازار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهارصد
آیه برای او بنویسند که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسند و از حضرت صادق
ع منقول است که نیکو چیزی است هدیه فرستادن بیکدیگر از انکه حاجت را بگوئی
و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینهها را از سینهها می برد و فرمود که ادا
یم کردانیدن هدیه را به پس دادن ظرفهای هدیه و فرمود که هدیه سه قسم است
هدیه که در برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و هدیه
که از برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی فصل هشتم در حقوق فقرا
و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و اداب معاشرت ایشان در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که فقرا و مؤمنان چهل سال پیش
از توانگران ایشان داخل بهشت میشوند پس فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل
فقر و غنی مثل کشتی است که بعشاری بگذرد کشتی خالی را زود روانه می کنند

و گناه نمی دارند و کشتی پر از بار را از برای حساب نگاه می دارند و در حدیث
دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاد می شود تنگی روزیش می شود و فرمود که اگر نه
این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکردند هر اینه
ایشان را بحالی تنگ تر از انچه دارند افکندمی و از حضرت رسول ص منقول است
که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هر که انرا پنهان دارد حق
تعالی او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه داشته باشد و شبها بنماز ایستاده
باشد و هر که ان را اظهار کند نزد کسی که قادر باشد بر اوردن حاجت او و
نکند به تحقیق که ان فقیر را کشته است به شمشیر و نیزه بلکه بان جراحتی که در دل
او کرده است و از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی در روز قیامت خطاب
میفرماید با فقرا مؤمنان مانند کسیکه معذرت طلبد و میگوید که بعزت
و جلال خودم سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیدم برای خواری شما نزد من
و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد که هر که در دنیا بشما نیکی کرده است
دستش بگیرید داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان میگوید پروردگارا اهل
دنیا زنان خوشرو خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند
و در خانهای نیکو مسکن کردند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم
مثل انها عطا فرما پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما دادم از اول دنیا تا اخر
و در حدیث دیگر منقول است که ان حضرت بشخص پریشانی فرمود که ایا
ببازار میروی و میوها و چیزهای نفیس می بینی که تا در بر خریدن انها
نداری گفت بلی فرمود که بهر چیزی که به بینی و قدرت بر خریدن ان نداشته باشد
حسنه برای تو نوشته شود و در حدیث حسن دیگر از ان حضرت منقول است

که روز قیامت

که روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان
گویند که شما کیستید گویند ما ئیم فقیران ملائکه گویند که پیشی از حساب امده اید که به
بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اند که ما را بان حساب کنید حق تعالی فرماید که
راست میگویند بروید به بهشت و روند و از حضرت امام موسی ع منقول است که حق تعالی
میفرماید که من اغنیا را توانگر نگردانیدم برای انکه ایشان گرامی بودند بر من و فقیران
را بجهة خواری فقیر نکردم برای انکه ایشان نزد من خوار بودند ولکن توانگران را امتحان
کرده ام بفقیران و اگر فقیران نمی بودند توانگران مستوجب بهشت نمی شدند
و از حضرت صادق ع منقول است که هر که ذلیل و حقیر شمارد مؤمن را برای پریشانی
او حق تعالی او را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث
صحیح از ان حضرت منقول است که حق تعالی میفرماید که مهیای جنگ من باشد کسی
که ازار کند بنده مرا و باید ایمن باشد از غضب من کسی که گرامی دارد بنده
مؤمن مرا و اگر از میان مشرق و مغرب نباشد اگر یک مؤمن با امام عادل
هر اینه بعبادت ایشان مستغنی شوم از جمیع انچه خلق کرده ام در زمین
و هر اینه هفت اسمان و هفت زمین بایشان بر پا باشد و بگردانم از برای
ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج بمونسی دیگر نباشد و از حضرت رسول
ص منقول است که هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت
استخوانهایش را از هم بپاشد و دست و گردن غل کرده محشورش شود تا داخل
جهنم شود مگر انکه توبه کند در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمن را
گناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خداست

و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که هر که بترساند مؤمنی را بجهت
حکمی که از او رسد باو برساند با فرعون و آل فرعون در آتش باشد و در احادیث معتبره از
حضرت رسول صلعم منقول است که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که
قصد زدن او نکند ملعون است بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق خداوندی گرفتار است
که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی
یا راضی شوند بکشته شدن او همه را حق تعالی داخل جهنم نماید و بحق آن خداوندی که
جانم بدست قدرت اوست که هیچ کسی را بناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل
آن تازیانه را بخورد فرمود که هر که نظر کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند در
روزی که بجز او پناهی نباشد او را در صورت مورچه محشور گردانند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که لعنتی که از دهان شخص بیرون می آید میگردد
اگر صاحبش سزاوار می باشد بر او قرار می گیرد و اگر نه بگوینده اش برمی گردد و در حدیث دیگر فر
مود که هر که طعن بکند در روی مؤمنی بمیرد به بدترین مردنها و سزاوار است که عاقبتش
بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقول است با آن حضرت عرض کرد که چه می فرمائید
در امر مسلمانیکه دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس رخصت بطلبند
و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود هر مسلمان بدیدن
مسلمانی بیاید یا بکاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و بیرون
نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند از حضرت امام
محمد باقر ع منقول است که حاضر نشوید جائی از شما در وقتی که حاکم ظالم کسی را
زند یا کشد یا ستم کند هر گاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمنی واجب
است هر گاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول است

که نخو از اینکه ان

از ایشان را در قبرش نشانیدند پس باو گفتند که صد تازیانه از عذاب
الهی بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم
تا آنکه به یک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند چاره نیست از یکی
پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنند گفتند باین سبب که روزی
بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد او را یاری نکردی پس
پس تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر
از حضرت صادق ع منقول است چهار کسند که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی
ایشان نمی افکند شخصی که کسی چیزی از او گرفته باشد و پشیمان شود و پس دهد
او قبول نکند و کسی که بنزد او مضطری برسد و کسیکه بنده آزاد کند و کسیکه عزبی
را کدخدا کند از حضرت امام حسن عسکری ع منقول است که هر که ببیند بیچاره
را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بنزد او نمیرسد پس بنزد او رسد
و او را بر چهارپایش سوار کند و بارش را بر دارد حق تعالی خطاب فرماید
که خود را بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی در فریاد رسی برادر مؤمن
خود را برای تو موکل کنم ملکی چند که عدد ایشان زیاد باشد از جمیع آدمیان از اول
دنیا و آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد که ایشان باشند بر او بر داشتن آسمانها
و زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت قصرها و بناها بلند کنند برای تو درجات
چون در بهشت باشی و کسی که دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد ضرر
بر بدن یا مال او برساند حق تعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتهای او و بعدد هر

و رکنی از حرکات او و درنگی از درنگهای او صد هزار ملک که دفع کنند از او شیا
طین را که قصد کنند که او را گمراه کنند و بازاری هر فردی از ملکی که از او دفع کرده باشد
صد هزار از خدمتکاران بهشت و صد هزار حوریان با و عطا فرماید که او را خدمت
کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر آن دفع کردن غیبت است از مال و
بدن برادر مؤمن ؑ و از حضرت صادق ؑ منقول است که حضرت امیر المؤمنین کردی
ؑ فرمود که هر که قادر گردد شود چهل گام بر زمین هموار و نماز کند بقدر سر سوزنی از
آن اگر تمام زمین را پر کند از طلا و اگر بر سر راه شخصی مهلکه باشد و او را از آن نجات
دهد و بگذراند او را در ترازوی حسنات تشکیک ده ترا از دنیا باشد بیاید صد
هزار مرتبه و بر همه گناهانش زیاده کند و همه را محو کند و او را باعلا غرفهای بهشت
برسانند و از حضرت رسول ص منقول است که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا
و آنها که خوره دارند که اندوهناک می‌شوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که
خوره داشته باشد بگریزید چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن نگوئید مگر آنکه بقدر
یک ذرع از او دور باشید و از حضرت رسول ص منقول است که پنج کس اند که بر همه
حال از ایشان اجتناب می‌باید کرد کسی که خوره داشته باشد و پیس و دیوانه
و ولد زنا و عرب بادیه نشین و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او بشنود الحمد
لِلّٰهِ الَّذِی عَافَانِی مِمَّا ابْتَلَاکَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ که هر که
چنین کند هرگز آن بلا باو نرسد فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان
در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت امام زین العابدین ؑ ایشان
عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع می‌داند حضرت فرمود که حق هم

نشینی
۹۱۱

نشنیدی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت
نکردی که چیزی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی چیزی که من نیز
نشنیدم از او بمن رسانیدی و همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و
وعده گاه همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد زینهار که غیبت مکنی ع غیبت کنندگان
که نان خورش سگان جهنم است در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که هر که ایمان بخدا و رسول دارد ننشیند در مجلسی که با ما دشنام دهند یا
غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را
ثواب روزه و نماز و وضوی او برطرف میشود و در قیامت از او بوئی آید گندیده‌تر
از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال
کرده چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند ببرادران مؤمن
در مجلسی که غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حق تعالی هزار نوع
از بدی را در دنیا و آخرت از او رد کند و اگر رد کند و قدرت بر رد آن
داشته باشد و از حضرت صادق ؑ منقول است که هر که به دیده خود ببیند
گناهی که کند و دو گواه عادل براو گواهی دهند که او گناهی کرده است و از اهل عدا
لت است و گواهیش مقبول است هر چند در واقع گناهکار باشد و هر که غیبت
کند او را بگناهی که در او باشد از دوستی و یاری خدا بیرون است و در دوستی
و یاری شیطان داخل است و بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از رسول
خدا ص که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا میان ایشان در
بهشت اجتماع نکند و هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت

در میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده
باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی می‌فرماید که بدرستی که آنان که می‌خواهند که شایع
شود گناه بد در مؤمنان ایشان راست عذاب دردناک در دنیا و آخرت
و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آن است که در برادر مؤمن عیب و گناهی که بگوئی
که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آن است که در او چیزی بگوئی که در او نباشد
در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را با آنکه دشمنی در میان
ایشان باشد شیطان در نطفهٔ او شریک خواهد بود و از حضرت رسول صلعم منقو
ل است که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه کند خدا توبه‌اش را قبول
می‌کند و غیبت کننده توبه‌اش مقبول نیست در حدیث دیگر فرمود که چون فا
سق علانیه فسق کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت او حرام نیست
و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که سه کسند که ایشان را حرمت نیست
و از حضرت حسن عسکری ع منقول است که هر که حاضر باشد در مجلسی که در آن
مجلس کسی در عرض برادر مؤمن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد
و او رد کند بر آن ظالم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حق تعالی بر انگیزد ملا
ئکه که جمع شوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها ملائکه آسمانها باشند و ملائکه کرسی
و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب الله که ایشان هم او را نزد خدا مدح و ستا
یش کنند و از برای او از خدا رفعت منزلت و بلندی مرتبه او را سؤال کنند
پس حق تعالی فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما مدح او
می‌کنند عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و بوستانها و درختها از آنچه
خواهم که عقل مخلوق بآن احاطه نکرده باشد در احادیث معتبره منقول است

که هر که دارو

که هر که دو رو یا دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در
غایبانه عیب ایشان را بگوید چون روز قیامت محشور شود دو زبان آتش
داشته باشد یکی در پیش رو و دیگری در پشت سر در محشر ندا کنند که این بود که در
دنیا دو رو و دو زبان داشت در روایت دیگر منقول است که محمد ابن فضل
بحضرت امام موسی ع عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از او
بمن میرسد که خوشم نمی‌آید پس از او سؤال می‌کنم او انکار میکند و حال آنکه
جمعی از مردم ثقه این خبر بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش
خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود و اگر پنجاه کس شهادت بدهند
و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذ
یب کن و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از
حضرت رسول صلعم منقول است که هر که کسی را رسوا کند در گناهی پنهان است که او
گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش بکند از دنیا بیرون نرود تا آن
را خود بکند در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که هر که بهتانی بگوید
برای مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدا او را در میان چرک
فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوش دهند نگاه دارد تا آنکه از عهدهٔ گفتهٔ خود
بدر آید در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که اظهار شماتت و شا
دی مکن در بلائی که برادر مؤمن تو نازل شود که خدا او را رحم می‌کند و از
او رفع میکند و بر تو میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بر مصیبت

برادر مؤمن خود را از دنیا ببرد تا بان مبتلا نشود و در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آن است که کسی با مؤمنی
برادری کند و لغزشها و گناهانش را در خاطر نگاه دارد که یک روزی او را سر
زنش کند بانها و از حضرت رسول ص منقول است که فرمود که ای جماعتی که بزبان
مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص
عیبهای مردم مکنید خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و از
حضرت رسول ص منقول است که هر که متهم سازد برادر مؤمن را ایمان در دلش
گداخته شود چنانچه نمک در میان آب گداخته شود و از حضرت رسول ص منقول
است که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول
الله فرمود که آنها که در میان مردم سخن چینی را میروند و در میان دوستان
جدائی می اندازند و از برای پاکیزگان عیب جویند و از حضرت صادق ع
منقول است که دو شخص با زور کی از هم جدا نمی شوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری
و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی
از آنها مظلوم باشد چرا مستحق لعنت می شود فرمود که برای آنکه چرا نمی آید به
نزد آن دیگری که آنرا بر دارد بصلح و احسان و از بدی او در گذرد و از
حضرت رسول ص منقول است که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نباشد
و از حضرت صادق ع منقول است که پیوسته شیطان در فرح و شادی است
تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری می کنند و چون با هم ملاقات
کنند زانوهایش بر هم می خورد و بندهایش جدا می شود و فریاد میکند وا ویلا

چه بلا بود

چه بلا بود بر سر من آمد و از حضرت رسول ص منقول است که هر دو مسلمان
از هم جدائی کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان
دوستی ایمانی بر طرف میشود پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید در قیامت
زودتر به بهشت خواهد رفت **فصل دهم** در آداب معاشرت سلـ
طان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقول است که به شیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را ذلیل
مکنید بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا بطلبید که او را
باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه است و پادشاه عادل بمنزله پدر
مهربان است از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و بسند معتبر
از حضرت رسول ص منقول است که خدا رحمت کند کسی را که یاری کند
پادشاه خود را بر نیکی کردن با او و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
متعرض پادشاه ظالم بشود و از او آزاری بیابد خدا او را بر آن آزار ثواب
ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که مدح کند
پادشاه ظالم را و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد
در جهنم زیرا که حق تعالی میفرماید که وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی بدل میل مکنید بسوی آنها که ظلم می کنند پس مس
میکند شما را آتش و فرمود که هر که راه نمائی کند ظالم را بر ظلم در جهنم با هامان
وزیر فرعون باشد و هر که از جانب ظالم خصومت کند یا یاوری او نماید در

آن خصوصیت چون ملک موت به نزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت
خدا و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جابری
بایستد حق تعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی گرداند از آتش که درازی
آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند او را براو در جهنم و نهی فرمود از حاضر
شدن بر سر سفرهٔ فاسق و حضرت امیرالمؤمنین ع در وقت فوت وصیت
فرمود بحضرت امام حسن ع که لازمست دار صحابان را از برای صلاح ایشان
و مدارا کن بظاهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت
صادق ع منقول است که هر که دوست دارد بقای ظالمان را دوست داشته
است که خدا را معصیت کند با خدا دشمنی کرده است علانیه و از حضرت
رسول ص منقول است که چهار چیز است که دل را فاسد می کند و نفاق را در دل
میرویاند چنانچه آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خواندن کلمات فحش
گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی شکار رفتن در حدیث معتبر از حضرت رسول
ص منقول است که چون روز قیامت شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند
که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و آنانکه دوات ایشان را لیقه گذا
شته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند یا مدد قلمی بایشان داده اند آ
نها را هم با ظالمان محشور کنند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده به
بنده نزدیک تر نمی شود مگر آنکه از خدا دورتر می شود و هیچ بندهٔ مالش
زیاد نمی شود مگر آنکه حسابش دشوارتر می شود و هیچ بنده اتباعش زیاد
نمی شود مگر آنکه شیطان او بیشتر میشود و فرمود که زینهار که احتراز
کنید از در خانهٔ

بر ظالم

کنید از در خانه پادشاهان مباشید که نزدیکترین شما بایشان دورترین شما باشد از خدا
و هر که پادشاه را بر خدا اختیار کند خدا پرهیزکاری را از او بردارد و حیران گر
داند و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی ع پادشاهی ظالمی بود
که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی برآورد پس آن پادشاه و آن مرد
صالح هر دو در یک روز مردند و مردم همگی بر جنازهٔ آن پادشاه جمع شدند و در
بازارها بستند برای مردن او تا سه روز آن مرد صالح در خود ماند تا کر
مهای زمین روی او را خوردند پس حضرت موسی ع بعد از سه روز مردهٔ آن مرد
صالح را بآن حال مشاهده فرمود گفت پروردگارا آن دشمن تو بود با آن
اعزاز اکرام او را برداشتند و این دوست تو است و باین حال مانده
حق تعالی وحی فرستاد که یا موسی این دوست من از آن جبار حاجتی سوال کرد
و او برآورد او را مکافات دادم بجزئی برای برآوردن حاجت این مرد مومن
من و کرمهای زمین را بر روی این مؤمن مسلط کردم برای سوال که از آن
جبار کرد و در حدیث دیگر منقول است که سلیمان جعفری بحضرت امام رضا
ع عرض کرد که چه میفرمائید در کارها که مردم متکفل می شوند از جانب پادشا
هان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و
سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن
گناه کبیره است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هر که برود به نزد
توانگری و نزد او شکستگی کند برای توانگری او ثلث دینش میرود
و از حضرت رسول ص منقول است که فرمود که چون حق تعالی بهشت را خلق
نمود فرمود که بعزت و بزرگواری خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمی کنم کسی را

که همیشه شراب خورد و سخن چینان را و دیوث را و جوکیان ظالمان را و شکا
فندگان قبرها را و تمغاچیان را که عشور از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسیکه
بجبر تاملی باشد در حدیث دیگر فرمود که هر کسی که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی
او را در قیامت پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرقش رودخانها جاری
شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس
چهل روز او را سرزنش کنند پس بفرماید او را که بجهنم برند و از حضرت رسول ص
منقولست که بهترین جهادها آنست چون کسی صبح کند ظلم بر کسی بخاطر
نداشته فصل یازدهم در اداب معاشرت با کافران و مخالفان در حد
یث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که با کافران
اهل ذمت شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برای او چیزی بخرند یا چیزی
بایشان بسپارد و یا دوستی بایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر
محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا کنی که دعای
تو نفعی باو نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان
و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علما آنست
که آن دست بخاک و دیوار مالیدن در صورتست که دست مسلمان و
ایشان هیچ یک تر نباشد در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که
تقیه سپر ایمانست و ایمان ندارد کسیکه تقیه نمیکند و فرمودند که عشر
دین در حصهٔ تقیه است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که تقیه در
بلاد مخالفان کردن واجب است و کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای
آنکه رفع ضرری از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست و از حضرت امیرالمؤمنین

ع منقولست

ع منقولست که دین خود را حفظ کنید و بپنهان دارید به تقیه که از مخالفا
ن بدرستیکه شما در میان سنیان از بابت مگس عسل آید در میان پرندگان
که مرغان بدانند که عسل در شکم آنها است یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان
بدانند که محبت ما در سینه شما است هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت
امام رضا ع فرمود که کسی که تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کرده
بدانکه تقیه در بلاد مخالفان و سنیان واجب است هرگاه بیم ضرری باشد
یا آنکه اظهار دین خود نکنند در وقتی که ایشان مطلع باشند و نحو واقع
نتوان ساخت وضو و سایر عبادات را بطریق ایشان بعمل آورند و اد
ای خود بهتر میداند که درچه وقت خوف و ضرر هست و تقیه لازم است
و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم است
مگر در خون که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر نه
تو را میکشیم باید که خود کشته شود و او را نکشد فصل ۱۲م در بیان
حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود
اول کسی باید باحوال او برسد وارث آن شخص خود است که سفر ابدی آ
خرت در پیش است در خور آن سفر او را توشه میباید پس اول چیزیکه
او را ضرور است اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشتها
و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که
از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد
او را بخود و دیگران نگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق
آنچه در ذمه دارد ادا کند بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از

دستش بدر رود و بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس
وسوسه‌ها کنند او را و حیات داران او را مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را
چاره نباشد و گوید که برگردانید مرا بدنیا که آنچه از اعمال شایسته خواهم
در مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر
ثلث مال خود را از برای خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب
حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد و پس ابراء
ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اهانتی
یا آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را
حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او
ابراء ذمه بخواهند پس امور عیال و اطفال خود را بعد از توکل بر جناب
اقدس الهی بامینی بگذارد و وصیی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس
کفن خود را مهیا کند و از شهادتین و تلقین و عقاید حق و اذکار و ادعیه و آ
یات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد
و بر تربت حضرت امام حسین ع بگوید که بنویسند و این در صورتی است که
بیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن باید همیشه
کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقول است
که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه
که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و مال
دنیا نباشد متوجه جناب اقدس الهی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که ابتدای امور
خانه نگار را و عن ایزد و بغیر از لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت

چیزی بنویساد

چیزی بنویساد المی رسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان
او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی بماند بدون
مشیت الهی نفعی بایشان نمی تواند کرد و آن خداوندیکه ایشان را آفریده است
از او بایشان مهربان تر است و باید که در آن حال در مقام رجا و امید باشد
و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا و حضرت
ائمه معصومین امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد
و بداند که ممکن در آن وقت حاضر می شوند و شیعیان خود را بشارتها میدهند
و ملک الموت را سفارش میکنند و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان عقل است
و در حدیث منقول است که حضرت رسول ص حاضر شدند نزد شخصی که در حال
استغفار بود فرمود که بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعْصِیَتِکَ وَ
اَقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طَاعَتِکَ و اما آنچه متعلق بخویشان
و برادران مؤمن است باید که نزد او بمانند و او را تنها نگذارند
و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و صافات نزد او بخوانند
و اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول ص و امامت ائمه
معصومین علیهم السلام و سایر اعتقادات حقه را از بهشت و دوزخ و صفات
کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند
گفت برای او بخوانند و دعای عدیله را برای او بخوانند و معنیش را بفهما
نند بر او القا کنند و پایش را بسوی قبله کنند و در آن وقت حایض و جنب

نزد او نیایند که ملائکه از ایشان نفرت می‌کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد
برای اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود و از آنجا بیرون
روند در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود
او را ببرند بجایی که همیشه نماز می‌کرده است یا بروی جای نماز که بر او نماز
می‌کرده است او ع بخوابانند که اگر امید شفا هست شفا می‌یابد و اگر نه جان
نش به آسانی بیرون می‌آید در حدیث معتبر منقول است که حضرت
رسول ص داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او
در حال احتضار بود فرمودند که پای او ع بسوی قبله کنید تا ملائکه
باو رو آرند و رحمت الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا ع منقول
است که زینهار در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا زند
مانعش نشوید چنانکه جاهلان می‌کنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد
خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید در حدیث دیگر منقول
است که فرزندی از حضرت امام محمد باقر ع در کنار رفانه نشسته بودند و
هرگاه کسی نزد او میرفت منع می‌فرمودند و می‌فرمود که دست بر او مگذارید
که او در این حال در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او می‌گذارد چنان
که او ع کشته است در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که تلقین
کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند و هر که آخر سخنش لا اله
الا الله باشد داخل بهشت شود در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله را
تلقین ایشان بکنید که گناه را در هم می‌شکند در حدیث صحیح از حضرت امام محمد
باقر ع منقول است که هرگاه کسی در وقت جان کندن بیاید کلمات فرج

تلقین او

تلقین او کنید که او بگوید لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ
الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ
السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ در حدیث دیگر منقول است که مردی از اهل خانه حضرت
امیر المؤمنین ع محتضر شدند حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان می‌فرمود که
بخوانند چون میخواندند فرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول ص به نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند در حال جان کندن
و فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند که الحمد لله که خدا او را از
آتش جهنم نجات داد در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقول است
که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت
مردن که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی
مؤمن کامل داشته باشد نمی‌توانند او را بشک اندازند در دین خود پس در
آن حال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه که یکیک را تا از
سخن گفتن باز مانند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن
اقرار بامامت ائمه معصومین علیهم السلام بکند و دین تشیع را اعتقاد
کند آتش جهنم به هیچ عضو او نرسد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید
و حضرت رسول ص نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش بود پس
حضرت فرمودند که ای ملک موت دست از او بردار تا از او سوال کنم پس
آن شخص بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می‌بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی

بسیار حضرت فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک واقبل منی
الیسیر من طاعتک پس آن شخص باز بهوش آمد حضرت بملک موت فرمود که دست
از او بردار پس او بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می‌بینی گفت سفیدی بسیار
و سیاهی بسیار می‌بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سفیدی حضرت
فرمود که او را آمرزیدند پس حضرت صادق ع فرمود که نزدیک هر که حاضر شوید
در این حال بگوئید که این دعا را بخواند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
رسول ص نزد جوانی حاضر شدند در وقت مردن و با او گفتند بگو لا اله الا
الله و او زبانش بند شده بود نتوانست گفت حضرت پرسیدند از زنی که بر
بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت من مادر اویم که با او سخن نگفته‌ام
فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت بآن جوان گفت که بگو
لا اله الا الله زبانش گشوده شده بود و گفت پس حضرت از او پرسیدند
که چه چیز می‌بینی گفت مرد سیاه بدروی جامه چرکینی را می‌بینم که نزدیک من است
و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر ویعفو عن
الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور
الرحیم چون جوان این دعا را خواند حضرت فرمود که چه چیز می‌بینی گفت
مرد سفید روی خوشبوی نیکو جامه را می‌بینم که نزدیک من است و آن مرد سیاه
میرود فرمود که باز دیگر این دعا بخوان آن جوان خواند فرمود که چه می‌بینی گفت
گفت آن سیاه را نمی‌بینم و سفید را می‌بینم که نزدیک من است این را گفت
و جان بسپرد پس چون فوت شود سنت است که دهانش را برهم گذارند و

ودستهایش

۹۵

ودستهایش بر پهلوهایش بکشند و جامه بر رویش بپوشانند و قرآن نزد او
خوانند و زود بردارندش و از حضرت صادق ع منقول است که سزاوار
آنست که برادران مؤمن خبر کنند بمردن او تا بجنازه‌اش حاضر شوند و بر او
نماز بگذارند و از برای او استغفار کنند و میت ثواب ببرد و ایشان هم
ثواب ببرند در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول است که چون مؤمن
را بقبر میگذارند ندا می‌کنند او را که اول عطائی که تو را داده‌ایم و اول
عطائی که دادیم آنها را که با جنازه‌ات آمده‌اند آمرزش گناهان است در حدیث
دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آن است که می‌آمرزند هر کس
را که همراه جنازه او بوده است در حدیث دیگر فرمود که همراهی جنازه مؤمن
می‌کنند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد
که همراهی او کنند و استغفار از برای او بکنند از قبر تا بموقف حساب
و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده
شود و اگر چهار طرف را بردارد از گناهان بیرون آید و بهتر آن است
که اول دست راست میت را که بجانب چپ جنازه است بدوش راست
بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس پای
چپ میت را بدوش چپ بردارد پس دست چپ میت را بدوش چپ
بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع نماید از پیش روی جنازه نرود
بلکه از همان جانب پشت جنازه برگردد باز بهمان روش تربیع بجا آورد
و بهتر آن است که پشت جنازه یا پهلوهای جنازه راه رود و پیش

جنازه نبرد و ظاهر احادیث ان است که اگر جنازه مؤمن باشد پیش او راه
رفتن خوب است و در جنازهٔ خلاف مذهب پیش ان نباید رفت زیرا
که ملائکه عذاب او استقبال می کنند و سواره با جنازه راه رفتن مکروه است
و از حضرت رسول ص منقول است که هر که جنازه را ببیند این دعا بگوید هیچ
ملک نماند مگر انکه گریه کنند از برای ترحم بر او و او الله اکبر هذا ما و
عدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا
ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر
العباد بالموت و از حضرت رسول ص منقول است که هر که تشییع جنازه
بکند بهر قدمی که بردارد صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه
از او محو شود و صد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بر جنازه اش نماز کنند
حق تعالی بعد از وفات او صد هزار ملک بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از
برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود و اگر حاضر باشد تا وقت دفن همان
صد هزار ملک را ~~بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از برای~~ حق تعالی امر میکند که
از برای او استغفار کنند تا از قبر بیرون آید در قیامت و در حدیث از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که حضرت موسی از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد
ا مرزیده کسی که میتی را غسل بدهد وحی باو رسید که او را از گناهان بشویم مانند روز
که از مادر متولد شده بوده است در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که هر که کفنی مؤمنی بپوشاند چنان است که ضامن پوشش او شده
است تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری چنان باشد که او را در خانه

موافق جا داده

موافق جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت رسول ص منقول است
که هر که بر جنازهٔ نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته
اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد
قیراطی از ثواب باو بدهند که ان قیراط مانند کوه احد باشد و بسند معتبر
از حضرت صادق ع منقول است که چون مؤمنی بمیرد و در جنازه او چهل
نفر نماز کنند از مؤمنان و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا
و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او غیر از نیکی دانیم
و تو داناتری از ما باحوال او چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من
شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم ان گناهانی را که میدانم و شما
نمیدانید باب یازدهم در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معا
نقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخواستن و
صحبت داشتن و امثال انها فصل اول در فضیلت سلام
و آداب ان در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول ص اصحاب
خود را امر فرمود بهفت خصلت عیادت بیماران و متابعت
جنازه مردگان و قبول کردن گفته کسی که اینکس را قسم دهد و دعا
کردن برای کسیکه عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهر کس سلام
کردن و قبول ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از ان حضرت ع
منقول است که در بهشت غرفه چند هست که از [illegible] نشستن بیرون می نماید

کسی که از امت من در ان ساکن میشود که بر زبان نیک با مردم سخن گوید
و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند وقتی که مردم در خواب
باشند پس فرمود که افشای سلام ان است که بخل نورزد در بسلام کردن بر
احدی از مسلمانان و از حضرت صادق ع منقول است که از جمله تواضع و
شکستگی ان است که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول صم منقول است
که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش مگویید و کسی بطعام
خود مطلبید پیش از انکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود هر بنده که بهر
ثواب کس از مسلمانان برخورد و برایشان سلام کند یک بنده ازاد کردن در نامهٔ
عملش نوشته شود و در حدیث از حضرت رسول صم منقول است که چون زنان
بر جماعتی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون داخل شوی بگوید السلام
علیکم و در بعض از اخبار وارد شده است که برایشان سلام نمی باید کرد
جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسیکه در بیت الخلا باشد که کسی
بر سر خوان شراب نشسته باشد و بر شاعری که بر زنان محصنهٔ عفیفه فحش
گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام مادر است بر کسیکه نرد
و شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسیکه طنبور یا عود نوازی و بر مردی
که مردم با و عمل لواطه کنند و کسیکه در اثنای نماز باشد و کسی که سود خورد
و فاسقی که علانیه فسق کند و بیرون نکند و در روایتی صحیح وارد شده است که
سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نهی وارد
اینها شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و در ان نیست که اکثر محمول

باشد برانکه

باشد برانکه سلام کردن بر اینها فضیلت ندارد یا برانکه از روی مهربانی و محبت و را
مخفی بودن بگناه ایشان سلام برایشان نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد
شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از حضرت رسول صم منقول است
که چون کسی از مجلس برخیزد و وداع بکند اهل ان مجلس را بسلام که اگر بعد
از او حرف چیزی بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود و بر او گناهی
نخواهد بود و در حدیث حسن از حضرت رسول صم منقول است که رسول خدا بر زنان
سلام می کردند و ایشان جواب می گفتند و حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله و اله بر زنان جوان سلام نمی کرد و می فرمودند که میترسم که خوشم
اید از اواز ایشان و گناه بر من داخل شود زیاده از ثواب که بسلام کردن
طلب می کنم و امثال اینها برای تعلیم کردن دیگران می فرمودند و خود از
امثال اینها معصوم و منزه بودند اما بر زنان پیر سلام می کردند فصل
دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر او معانقه دست در گردن یکدیگر
کردن و بوسیدن و اداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول
است که از تمامی تحیت کسی که در حضر باشد مصافحه کردن است و تمامی سلام
کردن کسی که از سفر امده باشد دست در گردن کردن است و در حدیث معتبر
از ابو عبیده منقول است که گفت من با هم کجاوه حضرت امام محمد باقر ع بودم
من اول بکجاوه میرفتم پس ان حضرت بکجاوه میرفتند چون هر دو در کجاوه
درست می نشستیم حضرت بر من سلام می کردند و از احوال من میپرسیدند مانند
کسی که مدتی یکدیگر را ندیده باشند و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود

می‌آمدیم آن حضرت اول با ایشان می‌آمدند پس چون ما بر زمین می‌آمدیم قرار
می‌گرفتیم سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند کسی که مدتها یکدیگرا ندیده باشند
می‌گفتیم یا بن رسول الله شما کاری چند می‌کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین نمی
کنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه
که دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند پیوسته گناه از ایشان
میریزد چنانچه برگ از درختان میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان
می‌کند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول
است که حد مصافحه آن است که دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن مصافحه
سنت است و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر برمیدارد ثواب
بیشتر است و حضرت صادق ع فرمود که حضرت رسول ص هرگز با کسی
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست ع
می‌کشیدند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینه‌ها را از
سینه‌ها می‌برد و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر است از مصافحه با
ملائکه و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که چون با برادران مؤمن
ملاقات نمائید مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید
تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه
کنید هر چند او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است و باعث رفع د
شمنی او می‌شود و در حدیث دیگر از اسحاق صراف منقول است که گفت
من در کوفه بودم و شیعیان بسیار نزد من می‌آمدند و من از شهرت تر
سیدم و غلام خود را امر کردم که هر که خواهد بگو اینجا نیست پس در آن سال

برحج رفتم

برحج رفتم و چون بخدمت حضرت صادق ع رفتم آن حضرت ع از خود متغیر
یافتم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است فرمود که آنچه باعث
تغیر تو شده است از مؤمنان گفتم فدای تو شوم از شهرت ترسیدم و خدا می
داند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم
مرسان از بسیاری آمدن برادران مؤمن بدرستیکه چون مؤمن با برا
در مؤمن خود برمیخورد و با او مرحبا می‌گوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا می‌نو
یسد پس چون با او مصافحه می‌کند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد رحمت می
فرستد که نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست می‌دارد پس حق تعالی
روی رحمت بسوی ایشان میگرداند و هر یک دیگری را بیشتر دوست میدارد روی
رحمت بسوی ایشان میگرداند و هر یک دست در گردن یکدیگر کنند رحمت
ایشان را فرا میگیرد پس اگر از برای خدا با یکدیگر باستند و غرض دنیوی نداشته
باشند خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل ع از سر بگیرید پس چون
از یکدیگر احوال گیرند حق گوید ملائکه بیکدیگر دوری بگوئید و خدا بر ایشان
پوشانیده است اسحق گفت که پس حرف میگوئیم ملائکه نمی‌نویسند حضرت
آهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر که آب دیده مبارک ایشان بر رو
ی ریش مبارک روان شد و فرمودند که ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده
است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای
تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی‌نویسند اما خداوندی که مطلع است بر احوا
ل ایشان و راز پنهان نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحق

از خدا بترسی چنانچه گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند
و اگر گمان میکنی که او تو را نمی‌بیند کافر می‌شوی و اگر میدانی که او تو را می‌بیند
و گناه از مخلوق پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس
سهلتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که درشتی در مصافحه کردن مثل ثواب
آنهاست که در راه خدا جهاد می‌کنند و از حضرت صادق ع منقول است
که هر مؤمن که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود حق او را شنا
سد حق تعالی بهر گامی حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه
برای او بلند کند پس چون در خانه آن مؤمن بکوبد درهای آسمان برای او گشو
ده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست در گردن
یکدیگر کنند حق تعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حق تعالی
بایشان با ملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بندهٔ من بد
یدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است
که بعد از این ایشان را عذاب نکنم پس چون برگردند او را مشایعت کنند
ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای
دنیا تا روز دیگر این وقت و اگر در این میان بمیرد از حساب [illegible] نجات
یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را دارد همین ثواب
او هم داشته باشد و از حضرت صادق ع منقول است که شما شیعیان را نوری
در پیشانی هست که بآن نور شما را در دنیا میشناسند چون بیکدیگر برخورید
آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی
باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا ص یا کسی که مراد از بوسیدن
سر دست او رسول خدا باشد و محتمل است که مخصوص ائمهٔ معصومین علیهم السلام

باشند و اظهر

باشند و اظهر آن است که شامل سادات و علما باشد زیرا که تعظیم ایشان برای آن
میکنند که فرزندان آن حضرت ص یا حافظ علوم یا مروج دین آن حضرت‌اند و احوط آن
است که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق
ع منقول است که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقول است که کسی خویشی خود را برای خویشی
ببوسد باو چیزی نیست و برادران مؤمن را پهلوهای روی ایشان ببوسند
و امام را میان دو چشم ببوسند و از حضرت صادق ع منقول است که دهان
را بوسیدن نمی‌باشد مگر از برای زن و فرزند خود فصل سیم در آداب نشستن
مجالس از حضرت رسول ص منقول است که وصیت بحضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که هشت کسند که اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسی حاضر شود
بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحب خانه و کسیکه طلب
خیر کند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و
کسیکه خود را داخل کند در رازی که در میان دو کس باشد بی رخصت ایشان
و کسیکه استخفاف نماید بپادشاه و کسیکه در مجلسی در جائی نشیند که سزاوار
آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که کسیکه مجموع این سه خصلت یا یکی از آنها در او نبا
شد در صدر مجلس بنشیند احمق است اول آنکه هرچه بپرسند جواب تواند
گفت دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد سیم آنکه راه
نمایی برای که صلاح اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق ع منقول
است که سزاوار نیست مؤمن را که بنشیند مگر آنکه بعد از آن جائی که نشسته الد

زیرا که پا برکردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقل است و بسند
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که از علامات تواضع و فروتنی آن است
که آدمی راضی شود بمجلسی که پست‌تر باشد از مجلسی که سزاوار است و هر که برسد سلام
کند و ترک جدال کند هرچند با حق باشد و نخواهد که او را بپرهیزکاری ستایش کنند
در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری را او بیاید
اگر کسی از آنها او را بطلبند و جا از برای او بگشایند برود که آن کرامت است
که نسبت باو کرده است برادر او و اگر کسی جا از برای او نگشاید هر جا که گشا
ده‌تر است در آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی بخانه
شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه میفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه
خود را بهتر میداند و از حضرت امام حسن عسکری ع منقول است که هر که
راضی شود بنشستن در جائیکه مناسب شرف او بالاتر از آن باشد پیوسته خدا
و ملائکه بر او صلوات فرستند تا برخیزد و از حضرت صادق ع منقول است که
چون رسول خدا داخل مجلسی میشدند بهر جا که بدرگاه نزدیکتر بود می
نشستند در حدیث معتبر منقول است که رسول خدا فرمود که سزاوار نیست
که جماعتی که با یکدیگر نشینند در تابستان و بقدر استخوان ذرع که تقریبا یک
شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار
نکشند و از حضرت صادق ع منقول است که آدم مشمار کسی را که در جای
تنگ چهار زانو بنشیند فصل چهارم در آداب ملاقات صاحب خانه
با کسی که بخانه او می‌آید در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر برای کسیکه بجهت دین مانند

علم و صلاح

علم و صلاح و نیکی تعظیم او کنند و از حضرت رسول ص منقول است که کسیکه
داخل خانه مؤمن شد بر صاحب خانه لازم است تا بیرون آید و هرچه گوید میباید صاحب
خانه اطاعت کند و از حضرت صادق ع منقول است که کسیکه تحفه برای
مؤمن بیاورد بالش یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا صلاحی کند برای او بهشت
برای او بهشت بلند شود که او را ملاقات دهد پس حق تعالی باو وحی فرماید که من
طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده‌ام مگر بر پیغمبر یا وصی پیغمبر و چون روز
قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز ملاقات تحفه‌های ایشان را بده
پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهای که با دستمالها
اماکه از مروارید انداخته باشند و به نزد ایشان بیاورند چون ایشان نظر
کنند بجهنم و اهوال آن و به بهشت و آنچه در آن هست عقلشان پرواز کند و از
آن طبقها بخورند پس منادی از زیر عرش ندا کند و حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر
کسی که از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقو
ل است که دو شخص بخانه امیرالمؤمنین ع آمدند حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی
انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا
نکند از کرامت مگر خر در حدیث دیگر از جعفر صادق ع منقول است که سه
کسند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافق اول کسیکه در اسلام ریشش
سفید شده باشد و کسی که حامل لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و
فرمود که از تعظیم خداست تعظیم برادران کردن فصل سیم در بیان جائی
که در آنجا داخل شدن روا است و جماعتی که هم‌نشینی و مصاحبت ایشان
سزاوار است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که متابعت کن کسی را

که ترا میگریاند و خیرخواه تو است و متابعت مکن کسی را که ترا میخنداند و در
مقام فریب دادن تو است و از حضرت رسول صلعم منقول است که نظر کنید با کسی
که سخن میگوئید و مصاحبت می کنید که هر که هست در وقت مرگ مصاحبانش
را باو می نمایند اگر حال ایشان نیک است از مصاحبت ایشان شاد میشود
و اگر حال ایشان بد است غمگین میشود و حضرت صادق ع فرمود که بهترین برادر
ان من نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن گوید و فرمود که بر تو باد بمصاحب
کرمه و حذر کن از مصاحبان تازه که ایشان را عهدی و وفائی نیست و برحذر
باش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیرالمؤمنین
ع در وقت وفات وصیت فرمود زنهار که اجتناب کن که از جاها
که محل تهمت اند و از مجلسی که گمان بد می برند که هم نشین بد فریب میدهد
مصاحب خود را و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که هر که خود را در
محل تهمت در آورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می برند و از حضرت
امام موسی ع منقول است که بپرهیزید از مواضع تنگ و تهمت و باید
که کسی با مادر خود در میان راه نه ایستد زیرا که همه کس نمیداند که مادر
اوست و در حدیث معتبر منقول است که حضرت عیسی ع فرمود که مصاحب
بد اخلاقش سرایت میکند باین کس و هم نشین بد این کس را هلاک
می کند پس نظر کن که با که هم نشینی میکنی و از حضرت امام زین العابدین
ع منقول است که با پنج کس مصاحبت و هم زبانی و رفاقت مکن زنهار
با دروغگو مصاحبت مکن که ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک
می نماید و نزدیک را دور مینماید و زنهار مصاحبت مکن با فاسق که او ترا
بیک طعام دادن نزد دیگران یا کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن
که ترا با مال

که ترا با مال
یاری نمیکند در هنگامی که بنهایت احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت
مکن که او اگر خواهد بتو نفع رساند و با کسی که قطع رحم کند مصاحبت مکن
که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت رسول
ص فرمود که سه کسند که هم نشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دنی
و سخن گفتن با زنان و توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار
باشنایان نزدیک و چسبان مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان هم
دوری مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی بکن که قابل آن باشد و هم چنین
میان گرگ و میش آشتی نیست میان نیکوکار و بدکار آشتی نمی باشد
و هر که نزدیک قیر میرود البته باو می چسبد و هم چنین هر که با بدکردار مصا
حبت میکند از بدیهای او می آموزد و هر که مجادله با مردم میکند دشمن
او میشود و هر که در مجلس بد داخل میشود متهم میشود و هر که با هم
نشین بد می نشیند از بدی سالم نمی ماند و هر که زبان خود را نگاه ندارد
و همیشه پشیمانی می برد و از حضرت صادق ع منقول است که مصاحب و هم
نشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل ایشان خواهید شد و در حد
یث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که نظر کن هر که نفع دینی بتو
نمی بخشد مصاحبت و اعتنا با ایشان مکن و در صحبت او رغبت مکن
و از حضرت امام ع منقول است که در حرز بلاها با عالم صحبت داشتن بهتر
است از صحبت با جاهل بر روی فرشهای نیکو و در حدیث دیگر فرمود
که با توانگران منشینید که بنده اول که با ایشان نشست چنان میداند
که خدا براو نعمت بسیار داده و هنوز برنخواسته است که چنان گمان

میکند که خدا هیچ نعمت براو نداده فصل ششم در آداب عطسه و آروق
و آب دهان انداختن و از حضرت رسول صلعم منقول است که چون کسی عطسه
کند او را دعا کنید اگر چه دریا فاصله باشد در حدیث صحیح از حضرت امام ع
منقول است که دهن دره و سرفه از شیطان است و عطسه از جانب خدا وند
عالمیان است در حدیث دیگر منقول است که حق تعالی را نعمتهای بسیار در
حق بنده هست در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده
فراموش میکنید که خدا را بران نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید
بادی را که در بدنش جولان می کنند و از بینیش بیرون می آید پس از این
جهة مقرر کرده الله که در این حال خدا را حمد کند که این تلافی شکران نعمتها
باشد که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که نیکو چیز است
عطسه نفع میرساند به بدن و خدا را بیاد می آورد در حدیث حسن فرمود
که چون کسی عطسه کند باو بگویید یَرْحَمُکَ اللهُ و او در جواب بگوید
یَغْفِرُ اللهُ لَکُمْ وَ یَرْحَمُکُمُ اللهُ و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر ص و اهل بیت اش
بفرستد درد چشم و درد دندان باو نرسد و فرمود که این را بگو اگر چه دریا
میان تو و او فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود برای دفع درد دندان و درد
گوش که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکنید و در حدیث دیگر منقول است که ترسایی
عطسه کرد آن حضرت باو گفتند یَرْحَمُکَ اللهُ و در حدیث از حضرت صادق
ع منقول است که هر که عطسه کند و دست را بر بینی گذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِینَ کَثِیراً کَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر از مگس
بزرگتر تا برود

بزرگتر تا برود بزیر عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت
صادق ع منقول است که عطسه تصدیق می کند سخنی را که مقارن او وا
قع شود و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که عطسه را تا سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذا
رد و از حضرت صادق ع منقول است که بسیار عطسه کردن ایمنی می گردا
ند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت
و خشونت پرده های بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم
عطسه روغن مرزنگوش در بینی بچکاند بعد رکیدانک راوی گفت که پنج
روز چکانیدم برطرف شد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقول
است که کسی که آروق زند بجانب آسمان بلند نکند و فرمود که آروق
نعمت خداست بعد از آن حمد الهی بکنید و از حضرت امیر المومنین ع
منقول است که موضع آب دهان را بجانب قبله نیندازد و اگر از روی
فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت صادق
ع منقول است که هر گاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بگوید در حدیث
دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه کند تو در نماز باشی بگو الحمد لله
و صلی الله علی محمد و آل محمد اگر چه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده
است دریا باشد فصل هفتم در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی
و آداب صحبت داشتن و راز مجلس را پنهان داشتن و در حدیث
صحیح از حضرت صادق ع و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقول است

که چون سه نفر در مجلس باشند دو تای ایشان بیکدیگر سرگوشی نکنند که
موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث دیگر از حضرت
رسول ص منقول است که هرکه در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید چنان
است که خراشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار
منقول است که مجالس به امانت است یعنی آنچه گذشت باید که در جای
دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان راضی اند و از حضرت صادق ع منقو
ل است که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی می باشد و در
حدیث دیگر منقول است که آن حضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی
کردن شما با یکدیگر چون است گفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاح
کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مؤمن می شود و بسیار
بود که حضرت رسول ص مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند و از
حضرت امام محمد باقر ع منقول است که خدا دوست میدارد کسی را که
خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق
ع منقول است که خندیدن مؤمن باید تبسم باشد و صدا نداشته باشد و
در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را می برد و میراند و دین
را میگدازد چنانچه آب نمک را میگدازد و فرمود که از نادانی است خندیدن
بی آنکه چیزی باعث آن شود و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن
از شیطان است و فرمود که بسیار خندیدن آبرو را می برد و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقول است که زنهار که مزاح مکنید که کینه بهم میرسد و
دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که چون خنده
به قهقهه بکشد بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی یعنی خداوندا

مرا هلاک

مرا هلاک مکن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و نمی خندید و حضرت
عیسی ع میگریست و می خندید و آنچه حضرت عیسی ع میکرد بهتر بود از آنچه حضرت یحیی
ع میکرد پس از این اخبار و دیگر چنین ظاهر می شود که مؤمن می باید که عبوس گرفته
نباشد و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است اما بسیار خند
یدن و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل نادانان است و سفیهان است

فصل هشتم در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر از حضرت
رسول ص منقول است که نیکو همسایگی کن با کسی که با تو همسایگی کند تا مؤمن باشی
و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقول است
که بخدمت حضرت صادق ع رفتم فرمود که کی مصاحب تو بود در ره گفتم شخصی
از برادران مؤمن فرمود که چه شد گفتم که داخل مدینه شدیم جایش را نمیدانم
فرمود که مگر نمیدانی که کسی که چهل گام با کسی مصاحبت کند حق تعالی از حق او سؤا
ل میکند در قیامت و از حضرت رسول ص منقول است که همین عیب بس است
آدمی را که از عیب مردم چیزی چند ببیند که از خود چشم پوشد و مردم را سر
زنش کند بر چیزی که خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند هم نشین خود را
بچیزی که نفع با و نداشته باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که مردم یا مؤمنند
یا جاهل پس مؤمن را آزار نباید کرد و با جاهل بیخردی نباید کرد و اگر نه مثل
او خواهی بود و از حضرت صادق ع منقول است که از ما نیست کسیکه
که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و نیکو
نمک خوارگی نکند با کسی که با او مهربانی بکند و حضرت رسول ص فرمود که مهربانی کن با مر
دم تا تو را دوست دارند و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را

برای برادر مسلمانش صاف و ظاهر می‌گرداند اول آنکه چون باو برخورد بگشا
روی و خوشی سلام او را ملاقات کند دوم آنکه جا برای او بگشاید چون که نزد او بنشیند
او را اعزاز کند سیم آنکه بهترین نامی که دوست تر میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی
و مهربانی با مردم کردن نصف عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقو
ل است که چون کسی را دوست داری دوستی خود را باو اظهار کن که بیشتر باعث
ثبات محبت می‌شود میان شما و از حضرت صادق ع منقول است که کینهٔ مؤمن
کینه — در همان محلی می‌باشد که نشسته است چون از برادرش جدا شود و دیگر در دلش
نمی‌ماند و کینهٔ کافر در تمام عمر می‌باشد و حضرت صادق ع فرمود که سه چیز است
از مکارم دنیا و آخرت آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و بپیوندی با کسی
که از تو ببرد و حلم کنی از کسی که با تو بیخردی میکند فصل نهم در ذکر
خدا در مجالس کردن از حضرت رسول ص منقول است که مبادرت کنید بسوی
باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود که حلقه‌ها و مجمعها که
یاد خدا در آن کنند در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول ص علیه و آله از مجالس
برنمی‌خاستند هرچند اندک نشسته بودند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند در
احادیث معتبره منقول است از رسول خدا ص که یاد کنندهٔ خدا در میان غافلان ما
نند کسی است که جهاد کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران کسی ثواب او بهشت
است فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول ص و ائمه علیهم السلام در مجالس
و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان را یاد کردن و از حضرت
صادق ع منقول است که هر قومی که در مجلسی جمع شوند یاد خدا را نکنند و ما را یاد
نکنند آن مجلس برایشان حسرت خواهد بود تا قیامت و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که یاد

فرمود که یاد ما کردن یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطان
است و از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان
سیر میکنند در زمین و هرگاه که میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد ص میکنند بیکد
یگر میگویند که بایستید که مطلب خود را یافتید پس می‌نشینند و با ایشان شریک
می‌شوند در آن امر پس چون ایشان برخیزند اگر بیمار شوند و اگر غایب شوند
جستجوی ایشان می‌کنند در حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانهایند
نظر می‌کنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد ص ذکر میکنند
پس بیکدیگر میگویند که نمی‌بینید این جماعت را که با کمی ایشان و بسیاری د
شمنان ایشان فضیلت آل محمد را ذکر می‌کنند پس طائفهٔ دیگر از ملائکه
در جواب ایشان میگویند که فضل خداست بهرکه میخواهد میدهد و خدا صاحب
فضل بزرگ است در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر ع پرسید
ند از میسر که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت می‌کنید و از علوم اهل بیت و فضا
یل ایشان آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله که من دوست میدارم
که با شما باشم در آن مجلس و والله که من بوی شما و نسیم شما را دوست میدارم و بدرستیکه
شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری
از محرمات و سعی در طاعات در حدیث دیگر فرمود که جمع نمی‌شوند سه نفر از
مؤمنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع می‌شوند و اگر چیزی می‌طلبند
ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا می‌برند از شری دعا می‌کنند ملائکه که خدا

ان بدیها از ایشان ظاهر گردانند و اگر حاجتی می طلبند ملائکه از خدا سوال میکنند
که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمی شوند سه نفر یا زیاده از انکار کننده گان
حق اهل بیت مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر شوند و هر سخن که می گویند
شیاطین هم مثل ایشان سخن می گویند و اگر می خندند با ایشان می خندند و مذمت
دوستان خدا را می کنند با ایشان رفاقت می کنند پس اگر کسی از مؤمنان را
مبتلا شود بهمنشینی ایشان چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک
و همنشینی شیطان نباشد که هیچ کس تاب مقاومت غضب خدا ندارد و لعنت
خدا را هیچ چیز دفع نمی کند و اگر نتواند برخیزد بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد
باز گردد و از حضرت امام موسی ع منقول است که هیچ چیز شیطان و لشکرهای او را
او را مجروح نمی کند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن یکدیگر از برای خدا بدرستیکه دو
مؤمن که با یکدیگر برمی خورند و یاد خدا می کنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد می کنند
بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمی ماند مگر آنکه فرو می ریزد تا آنکه روحش با استغاثه می
آید از شدت المی که از این امر می یابد پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این
معنی مطلع می شوند و او را لعنت می کنند و هیچ ملک مقربی نمی ماند مگر آنکه او را لعنت
می کنند پس ناامید و محروم و مطرود بزمین می افتد و از حضرت رسول صلعم منقول است
که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضایل علی ابن ابیطالب که در او هفتاد
خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای
برادرم علی بن ابی طالب فضیلتی چند قرار داده که از بسیاری احصای آن نمی توان
کرد پس هر یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و از عالی گناهان
را بنده اش آمرزیده شود هر چند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر یک فضیلت

از فضایل

از فضایل او را بنویسند تا علامتی از آن کتاب باقی باشد ملائکه از برای او
استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضایل آن حضرت خدا بیامرزد گناهان
را که بگوش داده باشد و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضایل آن حضرت
در آن نوشته باشد خدا او را بیامرزد گناهانی را که بچشم کرده باشند در حدیث
دیگر فرمود که هر که بیک راهی برود برای طلب علم حق تعالی راهی برای او بگشاید
بسوی بهشت و بدرستیکه ملائکه بالهای خود را می گذارند از برای طلب کننده
علم برضا و خوشنودی و استغفار می کنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمان
است و هر که در زمین است حتی ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل
ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در حدیث دیگر فرمود که اف باد
بر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای یاد گرفتن مسایل
دینی خود را و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی می فرماید که مذاکرهٔ علم در میان
بندگان من دلهای مرده را زنده می کند در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذا
کره کنید و ملاقات کنید و حدیث نقل کنید که حدیث جلا می دهد دلها را
و بدرستیکه دلهای زنگ میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای دلها بحدیث
است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که مذاکره علم ثواب نماز مقبول
دارد **فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران و آداب آن** از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقول است که نفس خود را بمهلکه‌ها می اندازد کسی که مستغنی میشود برای
خود از رای دیگران در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسیدن
و درست و از برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان به پرهیز از زنان بد و از نیکان
ایشان در حذر باش اگر تو را نیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه مرا

نفقت

ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمان را در مشورت
خیانت کند و آنچه خیر او را در آن داند با او نگوید و از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا احمد
یا حامد یا محمود باشد و در مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر است برای ایشان
ظاهر شود و از حضرت صادق ع منقول است که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی که نعمت
الهی بر تو مستقیم باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود
مشورت مکن با مردم دون و یا بنده و از حضرت رسول صلعم منقول است که مشو
رت مکن با جبانان و ترسایان که راه بد شد را بر تو تنگ می کنند و مشورت مکن
با کسی که حرص دنیا داشته باشد که زینت میدهد برای تو هر رائی که بدتر است
و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسیکه طلب خیر از خدا می کند حیران نمیشود و کسی
که در کارها با مردم مشورت می کند پشیمان نمیشود و در حدیث دیگر منقول است
که بسیار بود که حضرت امام رضا ع با عقل کامل مشورت میفرمود با سیاهی
از غلامان خود میفرمود که بسا باشد که خدا خیر ما را بر زبان او جاری کند در احادیث
معتبر منقول است که با عاقل دیندار پرهیزکار مشورت کن و چون چیزی بگوید خلا
ف آن مکن که مورث فساد دنیا و آخرت میشود فصل دوازدهم در آداب
نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که مهربانی و مواصلت
میان برادران مؤمن در حضر اینست که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باینست
که نامه بیکدیگر بنویسند در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن
الرحیم را اگرچه بعد از آن شعری نویسی و فرمود که می باید بسم الله الرحمن الرحیم را
بهتر از سایر چیزها که می نویسی بنویسی در حدیث دیگر منقول است که آن حضرت امر
فرمود که نامه [illegible] بنویسند چون بدست آن حضرت دادند فرمودند که چگونه امید

دارید که آنچه

دارید که آنچه اینجا نوشته اید بعمل آید و حال آنکه ان شاء الله ندارد و در جاهایکه مناسب است
نوشته اید پس فرمود که ببین هر جا ان شاء الله ندارد بنویس و در روایت صحیح از حضرت امام
امام رضا ع منقول است که چون نامه را نوشتید خاک بر روی نامه بپاشید که حاجت
بهتر روا میشود و در حدیث منقول است که حضرت امام علی نقی ع اول نامه می
نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم اُذْکُرْ اِنْشَاءَ اللّٰهِ وَالْاَمْرُ کُلُّهُ
بِیَدِ اللّٰهِ و فرمودند که اگر بگویم که کسی ترک میکند گفتن و نوشتن بسم الله را
در کارها و نوشتنها مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفته ام

فصل سیزدهم در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن باب اول
در کشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت جعفر صادق ع منقول است که از سعا
دت آدمی آن است که خانه او گشاده باشد در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام
موسی ع خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آن خانه ساکن شو که خانه
تو تنگ است آن شخص گفت که این خانه ایست که پدرم احداث کرده است نمیتوانم
رفت حضرت فرمود که هرگاه پدرت احمق باشد تو نیز می باید احمق باشی و از حضرت
صادق ع منقول است که سه چیز است که موجب راحت مؤمن است خانه گشاده
که عیبها و امور مخفیه او را از مردم پنهان دارد و زن صالحه که بر امور دنیا و آخرت او را
یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون برند یا بمردن یا بشوهر دادن و
از حضرت محمد باقر ع منقول است که رسول صلعم و آله فرمود که از سعادت آدمی آن
است که فرزندش باو شبیه باشد و زن خوش روی دیندار داشته باشد در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته
و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت است زن بد و خانه تنگ و

و مرکب بود و از حضرت صادق ع منقول است که از تلخی زندگانی است از خانه
بخانه نقل کردن و نان بازار خوردن **فصل دوم** در مذمت تکلف بسیار
در خانه کردن و بسیار بلند ساختن در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است
که هر که مال او از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط گرداند عمارت کردن و خاک
و آب را از مال حرام در اینجا ضایع کند در حدیث دیگر فرمود که هر که بنای خانه کند که
زیاده بر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش در حدیث دیگر منقول
است که حضرت امیرالمؤمنین ع از در خانه شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود پرسیدند
که این خانه کیست شخصی گفت که از فلان مرد غافل مغرور پس بدر خانه دیگر گذشتند
که صاحبش با آجر ساخته بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور غافل دیگر است و از
حضرت رسول ص منقول است که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند
و بشنوند در روز قیامت آن خانه را تا هفتم طبقه زمین آتشین کنند افروخته
در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر
آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله برای ریا و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود که یعنی
زیاده از قدر حاجت بسازد و برای آنکه زیادتی کند بر همسایگان و فخر کند و
مباهات کند با برادران و از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی ملکی را
موکل گردانیده است بعمارتها که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند
کند باو میگوید که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر وارد شده است
ای فاسق ترین فاسقان و در چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که سقف خانه اش را
زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین در آنجا جا میکنند در حدیث دیگر
منقول است که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق ع از آزار اهل خانه و عیال خود
میکنند حضرت پرسیدند که از ارتفاع خانه تو چه قدر است گفت ده ذرع است
حضرت فرمود

حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع بپیما و از ما بین هشت ذرع تا ده آیة
الکرسی بنویس بر دور خانه زیرا که خانه اگر زیاده از هشت ذرع ارتفاع دارد جنیان
در آنجا حاضر میباشند و در آنجا مسکن میکنند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی
بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بیرون کردند حضرت
فرمود که سقف خانه های خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه جا دهید
راوی گوید که چنین کردیم دیگر بدی ندیدیم **فصل سیم** در نقاشی کردن و تصویر
کشیدن صورت صاحب روح را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آن
است که حرام است و چنین صورتها بر دیوارها و جامه ها نقش کردن مکروه است
و بعضی بحرمت قائل شده اند و احوط آن است که طلا کاری نکنند و مطلقا
صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام
باشد و اگر صورت کشیده باشند بهتر آن است که آن را ناقص کنند مثل آنکه چشمش را
کور کنند یا عضوی از آن را محو کنند در احادیث معتبر از آن حضرت منقول است
که هر که صورتی بسازد در قیامت او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند
دمید و در حدیث موثق منقول است که از حضرت صادق ع پرسیدند از بالش و فر
شی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه باشد هرگاه پا مال شود
و بر روی آن بنشینند و راه روند در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از کشیدن
صورت درخت و آفتاب و ماه فرمود که باکی نیست که اگر صاحب حیات نباشد
فصل چهارم در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی ع منقول است که سه
چیز اند که از مروت است نیکوئی چهارپا و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت
صادق ع منقول است که آدمی را فرشی برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی

برای جهان در کار است و زیاده از این از شیطان است در روایت دیگر منقول است
که حضرت امام رضا ع در تابستان بر روی حصیر می‌نشستند و در زمستان بر روی
پلاسی و در خانه جامه‌های کهنه می‌پوشیدند و چون بیرون می‌آمدند از برای مردم زینت
میکردند فصل پنجم در آداب عبادت کردن در خانه در حدیث صحیح از حضرت
صادق ع منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ع سلام حجره در خانه مقرر فرموده
بودند که در آنجا بغیر از فرشی و شمشیری و مصحفی دیگر چیز نبود و در آن حجره نماز می‌کردند
در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حجره در خانه قرار دا
ده بودند که بسیار کوچک بود و نه بزرگ از برای نمازگاه خود چون شب می‌شد
طفلی را با خود بان حجره می‌برد و در آنجا نماز میکردند و در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقول است که خانه مسلمانان در آنکه قرآن خوانند اهل آسمان آن خانه
را بیکدیگر می‌نمایند اهل خانه را چنانچه کواکب آسمان به اهل زمین بیکدیگر می‌نمایند
فصل ششم در نگاه داشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و خروس از
حضرت رسول ص منقول است که حیوانات در خانه بسیار نگاه دارید که شیاطین
بان مشغول شوند و با طفلان شما ضرر نرسانند در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه
نگاه دارید که دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح است و هیچ چیز
در خانه مثل آن باعث انس نمی‌شود و از حضرت امام موسی ع منقول است که هر
بالی که کبوتر می‌زند باعث نفرت و گریختن شیاطین است و در روایت دیگر
از داود بن فرقد منقول است که گفت در خانه حضرت صادق ع کبوتر را دیدم
که بسیار خواند حضرت فرمود که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین
می‌کند بر قاتلان حضرت امام حسین ع پس ایشان را در خانه خود نگاه دارید

ودر حدیث

و در حدیث دیگر از عبدالکریم منقول است که رفتم بخانه آن حضرت دیدم که
ع کبوتر سبز در خانه آن حضرت بود عرض کردم که این خانه را کثیف می‌کند
حضرت فرمود که مستحب است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود
که در خانه امیرالمؤمنین ع چاهی کنده بودند خبر دادند بان حضرت که صبیان
سنگ در آن چاه می‌اندازند حضرت آمدند و بر سر چاه ایستادند فرمودند
که دست از این عمل بر دارید و اگر نه کبوتر در اینجاه رها می‌کنم پس فرمود صدای
بال کبوتر شیاطین را دفع می‌کند و از حضرت صادق ع سلام منقول است
که کبوتر را که بجای کار می‌فرستد تا سی فرسخ راه از روی دانائی بر میگردد و آنچه
زیاده از آن است از روی دانائی نیست بلکه نان خوردن و نعدی آن را می‌آورد
و در چند حدیث دیگر منقول است که کبوتر خانگی یا کبوتر یا هو یا دخلا بسیار می‌کند
و اهل بیت را دوست می‌دارند و صاحب خانه را دعا می‌کنند که خدا آن را برکت
دهد در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که خروس بال کشاده
سفیدی که در خانه باشد آن خانه از آفت خانه دور آن خانه را از بلاها نگاه
می‌دارد و یک بال زدن کبوتر را رنگ بهتر است از خروس سفید در حدیث دیگر
فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمن است و از حضرت امام موسی ع منقول
است که در خروس پنج خصلت است از خصلتهای پیغمبران سخاوت و شجاعت
و شناختن وقت نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت از حضرت امیرالمؤمنین
ع منقول است که زیاد کردن خروس نماز او است و بال زدنش رکوع و سجود
است و از حضرت رسول ص منقول است که دشنام مدهید خروس را که از برای نماز
مردم را بیدار می‌کند فصل هفتم در نگاه داشتن گوسفند و بز در خانه در حدیث

موثق از حضرت صادق منقول است که هر که در خانه یک گوسفند نگاه دارد خدا
روزی آن گوسفند را با ایشان میدهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان
یک کار شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان
را زیاد کرداند پریشانی از ایشان دور و اهل بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر
ع منقول است که اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیرده باشد هر روز دو مرتبه
ملائکه با ایشان گویند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت
صادق ع منقول است که هر مؤمن که در خانه او بز شیرده باشد روزی یک
مرتبه ملکی در طرف صبح ایشان را دعا کند که مطهر و پاک باشید شما و خدا برکت
دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نان خوردن شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز
دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول ص با عمه
خود فرمود که چه مانع است تو را از آنکه در خانه خود برکتی نگاه داری گفت یا رسول
الله برکت کدام است فرمود که هر که در خانه او گوسفند شیرده یا بز شیره یا گاو شیرده
باشد باعث برکت خانه او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برکت فرو
فرستاده است آب آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که هر اهل خانه که سی گوسفند هر بیابانی داخل خانه ایشان شوند ملائکه نگاه
بانی ایشان می کنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگاه دارید و شتر
نگاه ندارید و حضرت رسول ص فرمودند که چون گوسفند دارید خوابگاه ایشان
را پاکیزه کنید و خاک از بدن شان پاک کنید در بیان احوال سایر طیور و ذکر
بعض از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست و در حدیث معتبر
منقول است که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه بود آن حضرت روزی
شنیدند که او خواند پس فرمود که می گوید فَقَدْتُکُمْ فَقَدْتُکُمْ یعنی

نیست گوید

نیست گوید نیست گوید پس فرمود که ما آن را دفع کنیم پیش از آنکه او ما را دفع
کند پس فرمود که او را کشتند و در حدیث معتبر منقول است که روزی حضرت
صادق ع نشسته بودند نخفی گذشت و بر سنگ گشته در دست. داشت حضرت
حضرت برجستند و آن را از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا عالم
شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما پدر شما که خبر داده است
مرا پدرم از جدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن شش جانور
مگس عسل و مورچه و وزغ و صُرَد و هدهد و پرستک اما مگس عسل زیرا که پا
کیزه میخورد و پاکیزه از او حاصل می شود و آن است که چیزی که خدا با او وحی کرده است
که نه از جن است و نه از انس در اینجا که فرموده است وَ اَوْحی رَبُّکَ
اِلَی النَّحْل و اما مورچه زیرا که قحط در زمان حضرت سلیمان ع بهم رسید بطلب
باران آن حضرت با اصحاب خود بیرون آمد ناگاه مورچه را دیدند مورچه بر پا
ایستاده و دست به دعا به آسمان دراز کرده و میگوید که پروردگارا ما از جمله
آفریده های توئیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده ما را از نزد خود و ما را
مگیر به گناهان بیخردان از فرزندان آدم پس حضرت سلیمان گفت برگردید
که حق تعالی به دعای دیگری شما را باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود مردود
آتش برای حضرت ابراهیم علیه افروخت جانوران زمین از خدا رخصت
طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حق تعالی هیچ یک را رخصت نفرمود
به بغیر از وزغ پس دو ثلث آن آتش سوخته و یک ثلث آن باقی ماند و اما
هدهد زیرا که او دلیل حضرت سلیمان ع بود به سوی ملک بلقیس و اما

حرز که مرغیست که سر بزرگ دارد و کنجشک شکار می‌کند زیرا که احتمال راه نمائی
حضرت آدم ع بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یکماه راه و اما پرستک زیرا
که گردیدن آن در هوا تأسف و اندوهیست که بر مظلومیت اهل بیت رسالت
ع دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی‌بینی که در آخر خواندن که میگوید
ولا الضالین و حضرت رسول ص امر کرد به کشتن پنج جانور کلاغ و کورد کوره
و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص فرمود که
هر که ماری بکشد چنان است که کافری کشته است و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه حیوانی به آتش بسوزانند و از حضرت
صادق ع منقول است که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته
بود تا آنکه از تشنگی مرده بود در حدیث معتبر منقول است که باکی نیست بکشتن
مورچه خواه آزارت بکند خواه نکند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقول
است که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است که آل محمد خیر البریة یعنی
آل محمد بهترین خلایقند و در حدیث منقول است که در مذمت حضرت فرمود که هیچ
حیوانی حسن اش زیاده از خروس سفید نیست و خروس خوش آواز تر است از
آن و بر کشتن بیشتر و تو را آگاه می‌کند در وقت نمازها و طاوس نفرین و ویل
عذاب بر خود می‌کند از گناهی که کرده است و بآن سبب مسخ شده است در
حدیث دیگر منقول است که طاوس یمانی بخدمت امام جعفر صادق ع آمد حضرت
از او پرسید که توئی طاوس گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شوم است
که به خانه هیچ مؤمنی داخل نمی‌شود مگر آنکه ایشان را آواره می‌کند از حضرت
امام رضا ع

امام رضا ع منقول است که جعد در زمان سابق در خانه‌ها جا می‌کرد و در وقت
طعام خوردن نزدیک خوان می‌آمد و طعام به نزد او می‌ریختند و میخورد چون
حضرت امام حسین ع شهید کردند از آبادانی بیرون رفت در خرابها و کوه‌ها
و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خود را میکشید من
ایمن نیستم از شما که مرا بکشید و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است
که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم می‌نشیند هر آینه همه کس بخوره مبتلا
می‌شدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که چون مگس
بظرف طعام یا به آب بیفتد آن غوطه دهید و بیندازید که در یک بالش زهر است
و در یک بالش شفا هست و آن زهرآلوده را در آب و طعام فرو می‌برد شما آن
بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ
در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول است که هیچ کس نیست که سگ
در خانه نگه دارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می‌شود و در حدیث
صحیح از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که خیری نیست در سگها مگر سگ شکاری
یا سگ گله و از حضرت صادق ع منقول است که در حدیث موثق است که سگ شکاری
نگاه مدار در خانه مگر آنکه تو را در بسته شود در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهائی
که تمام بدن ایشان سیاه است از جنی اند و از حضرت رسول ص منقول است که سگهائی
از ضعیفان جنی اند هر گاه طعام خواهید و سگی حاضر باشد یا طعامش دهید یا دورش
کنید که نفسهای بد دارند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که سگی که سیاه
یکرنگ باشد یا سفید یک رنگ یا سرخ یکرنگ از جنی اند و سگهای ابلق مسخ شده اند
از جنی و انس و در حدیث صحیح از ابو حمزه منقول است که گفت در خدمت امام جعفر

صادق ع بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آن حضرت ملتفت شدند بجانب
چپ سگ سیاهی بنظر ما دیدند فرمودند که چیست تو را خدا قبیح کرداند و تو چه بسیار
بشدت میروی ناگاه دیدم بمرغی شبیه شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود فرمودند
که این عثم نام دارد و پیک جنیان است در این ساعت هشام مرده است
او پرواز میکند بهر شهری و خبر مرگ او را میرساند در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول ص رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشند از آبا
دانی که سگ نگاه دارند در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقول است که از بانگ
شکار بسیار مروید که بهم خبر است بر شما چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید
پناه برید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که ایشان میبینند چیزی چند را که شما نمی
بینید و در حدیث موثق منقول است که حیوانات را بجهت با یکدیگر بجنگ انداختن
خوب نیست مگر سگ که بتازند و بر حیوانات برای شکار کردن در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که هر حیوانات که سگ تعلیم کرده شده شکار کنند و اگر برسی
جان داشته باشد ذبح کنی و اگر جان نداشته باشد حلال است اگر در وقت فرستادن
سگ بسم الله گفته باشی و هر چه حیوانات دیگر شکار کنند یا سگی شکار کند
که آن را شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی وقتی که جان داشته باشد و آنرا
بکشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی که شکار کنی به تیر پیکان دار یا بی پیکان
که در بدنش فرو رود و آن بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد ذبح کنی و اگر جان ندا
شته باشد مثل اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلال است و همچنین اگر به شمشیر
و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر به سنگ یا تفنگ یا کمان یا گلوله
و سایر چیزها که آهن ندارد و بسنگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته
باشد حلال است و اگر نه حرام است و همچنین مکروه است ماهی را شکار کردن
در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط است که آن را زنده از آب بیرون

اوردن و در آب

آوردن در آب نمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بیرون
آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از او بگیرد و در دست او بمیرد حلال است
و همچنین اگر ماهی خود بر کنار بیفتد و مسلمان آنرا زنده بگیرد و زنده
باشد حلال است و اگر نه ببیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد خلاف است
و احوط اجتناب است و شکار ملخ آن نیست که مسلمان آنرا بدست خود
یا آلت شکار بگیرد و ملخی که به پرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه
شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن باشد و زنند و اندازند
جایز نیست و نماز را در چنین سفری تمام میباید کرد و روزه را میباید گرفت
و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روزه
را میخورد فصل دهم در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث
معتبره از حضرت رسول ص منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن
که این فویسقه یعنی موش فتیله را نکشد که آتش در خانه اندازد و در حدیث از حضرت
صادق ع منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را
میبرد و روزی را زیاده میکند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که خانه
بخرد سنت است که ولیمه و مهمانی بکند در حدیث از آن حضرت منقول است که هر
که خانه بسازد بیش گوسفند فربهی بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند و
بگوید اللّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ
وَبَارِكْ لَنَا فِي بِنَائِي حق تعالی شر متمردان جن و انس و شیاطین را
از او دفع بکند و آن خانه ساختن را برای او مبارک گرداند فصل یازدهم
در بیان سایر آداب خانه و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است

که کراهت دارد که آدمی ع در خانه شب بروز آورد که دری و پرده نداشته باشد
در حدیث دیگر از حضرت رسول صلعم منقول است که سه کسند که حق تعالی حفظ و حمایت
خود را از ایشان برمیدارد کسی که در خانه شکسته داخل شود مسکن نماید و کسی که
در میان راه نماز کند و کسی که چهارپای خود را سر دهد و بند بران نگذارد و
کسی که بران نکارد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که ساحتهای
خانه خود را جاروب می‌کنند و در روایت معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول
است که خاکروبه خانه را شب در خانها نگذارید و بیرون برید که شیطان در آن
جا میکند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطر
ف میکند و حضرت رسول صلعم فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جائیست که
عنکبوت می‌تند و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقول است که دهان
ظرفهای آب و طعام را ببندید و در خانه‌ها را ببندید که شیطان در بسته و ظر
ف بسته را نمی‌گشاید و چراغ را خاموش کنید که موش آتش در خانه شما نیندا
زد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلعم در تابستان که از
خانها بیرون می‌آمدند برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می‌آمدند
و چون هوا سرد میشد و داخل خانها میشدند برای خوابیدن در روز جمعه
داخل میشدند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر
که بر روی قبری بول یا غایط بکند یا ایستاده بول کند یا در آب ایستاده
بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا بدست آلوده بطعام بخوابد شیطان او را بگیرد
و دیوانه کند دست از او برنمیدارد تا او را هلاک کند و در هیچ حالی شیطان
بر آدمی استیلا ندارد مانند این احوال در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقول است که دستمال گوشت را شب در یورت مگذارید که آن خوابگاه
شیطان است

شیطان است و چون بدر حجره خود برسید بسم الله بگوئید که شیطان میگریزد
و چون داخل حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند
و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که پاک کنید خانهای خود را از تار
عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود در حدیث
دیگر از حضرت صادق ع منقول است که شستن ظرفها و جاروب کردن خا
نها و ساحت اندرون و بیرون خانها روزی را زیاده میکند و از حضرت رسول
صلعم منقول است که چهارپایان و اطفال و یاران خود را محافظت نمائید بعد
از آفتاب فرو رفتن تا وقت خفتن که در آید در این ما بین شیطانها
بیشتر مستولی میشوند از حضرت رسول صلعم منقول است که دستمالی که دست از آن
پاک کرده‌اند و آلوده بطعام و چربی است شب در یوزه مگذارید که آن خوا
بگاه شیطان است در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش خصلت را برای من
نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان از فرزندان من و شیعیان ایشان
با دست و ریش خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن در روزه و منت گذا
شتن بعد از تصدق و جنب بمسجدها رفتن و در قبرستان خندیدن و بر خانها
ی مردم مشرف شدن فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن
و بیرون رفتن از حضرت رسول صلعم منقول است که بعد از یک خواب اول شب
از خانه بیرون مروید که خدا را خلق چند هست که در این وقت پهن میشوند
در زمین و آنچه می‌فرماید میکنند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقول
که چون از خانه بیرون روید بگوئید بسم الله آمنت بالله و توکلت
علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله که چون این را

بگوید ملائکه بر روی شیاطین می‌زنند و ایشان را از تو دور می‌کنند و از حضرت
رسول صلعم منقول است که هرگاه کسی از خانه بیرون رود و بگوید بسم الله ملائکه
با وی می‌گویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
با او می‌گویند که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید توکلت علی الله ملائکه با او
می‌گویند که از بلاها نگاه داشته شدی و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول
است که هرکه در وقت بیرون رفتن از خانه ده مرتبه قل هو الله احد بخواند پیوسته
در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقول است که من ضامنم برای کسیکه تحت الحنک داشته
باشد و از خانه بیرون رود تا آنکه سلامت بخانه برگردد باب سیزدهم در آداب
پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و
چهارپایان نگاه داشتن فصل اول در سوار شدن اسب و الاغ و انواع
هر یکی از حضرت رسول صلعم منقول است که از سعادت آدمی است که چهارپای
رهواری داشته باشد و از حضرت صادق ع منقول است که چهارپا نگاه
دارید که زینت شما است و کارهای شما بآن ساخته می‌شود و روزیش بر خدا
است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که از بدی زندگانی است
چارپای بد داشتن و حضرت صادق ع فرمود که چهارپائی بخر سوار شدنی
با وست و روزیش بر خدا است و در حدیث دیگر منقول است که آن حضرت
فرمود بیونس ابن یعقوب که الاغی نگاه دار که بار تو را بر دارد بدرستی
که روزیش بر خدا است راوی گفت که الاغی خریدم و چون سه سال شد
حساب خرج خود کردم هیچ زیاد نشده بود و در روایت دیگر منقول است
که حضرت امام موسی ع از ابن طیفور پرسیدند که چه چیز سوار می‌شوی
گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت سیزده اشرفی حضرت فرمود که این

اسراف است

اسراف است که الاغی باین قیمت بخری و یابوئی نخری گفت خرج یابو بیشتر است
فرمود که آن کسی که خرج الاغ را میرساند خرج یابو را هم می‌رساند مگر نمیدانی که هرگاه
اسبی نگاه دارد و انتظار ظهور ما اهل بیت بکشد و دشمنی ما را بخشم آورد
بنگاه داشتن آن اسب حق تعالی روزیش را برساند و سینه اش را گشاده گرداند و آرزوها
یش را برآورد و یاور او دست بر حوایج او در روایت دیگر منقول است که روزی حضرت
امام موسی ع سوار شدند بر استری شخصی از مخالفان گفت که این چهارپا است که سوار
شده که از پی دشمنی نمیتوان دوانید و بر روی آن جنگ نمیتوان یافت حضرت فرمود که
رفعت و سرافرازی اسب را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین امور وسط
آنها است در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که هرکه ببندد اسب و مادر
عرب را هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و زیاده از هر ثواب نوشته می‌شود و هر
که اسبی ببندد که یکی از پدرش و مادرش غیر عرب باشد هر روز دو گناه از نامه عملش
محو می‌شود و دو حسنه برای او نوشته می‌شود و هرکه یابوئی ببندد و برای زینت
خود برآوردن کارهای خود هر روز یک گناه از نامه عملش محو شود و یک حسنه برای
او نوشته شود و در روایت معتبره از رسول خدا صلعم منقول است که خیر و نیکی بر پیشانی
اسبان بسته است تا روز قیامت در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقول
است که هرکه نگاه دارد اسب سرخ موئی که در پیشانیش سفیدی بسیار باشد
باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است
نزد من پس خانه‌ای که چنین اسب باشد فقر و پریشانی داخل آن خانه نمی‌شود و مادام
که آن اسب در ملک آن شخص داخل است ظلم در آن خانه داخل نمی‌شود و از حضرت
امام محمد تقی ع منقول است که هرکه از خانه خود یا از خانه دیگری بیرون آید در اول
روز اسب ابلق پیشانی سفیدی به بیند که در دست و پایش هم سفیدی باشد در آن
روز بغیر از خوشی نه بیند و اگر سفیدی پیشانی او تا بینی آمده باشد پس نهایت

حابت

خوشیها در آن روز او را روزی خواهد داد و اگر با آرزو و چنینی اسبی را ببینند آن صاحبش
برآورده شود و حضرت امام موسی ع فرمود که در چهارپایان یک رنگ بودن کراهت
دارد مگر ابلق و اشتر و نشانهای سفید در اشتر و ابلق کراهت دارد مگر آنکه سفیدی
تا بینی کشیده باشد و آن هم بر خوب نیست فصل دوم در آداب نگاه داشتن و
رعایت حقوق چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که چهارپا را بر صا
حبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن او و چون فرود آید هرگاه که بآب
برسد آنرا براو عرض کند و اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزنند که تسبیح پروردگار
خود میگوید و بر روی او سواره نه ایستد مگر در وقتی که جهاد کند در راه خدا و زیاده
از توانائی او بارش نکند و تکلیف رفتار آنقدر نکند که طاقت داشته باشد و حضرت
رسول ص فرمود که سه کس بر یک چهارپا ردیف نشوند که یکی از ایشان ملعون است یعنی
آنکه پیش نشسته است و در حدیث دیگر منقول که آن حضرت شتری را دیدند که بار بر
پشت است و پایش بسته است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد
که این شتر با او در قیامت خصومت خواهد کرد و بدو سند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق ع و امام موسی ع منقول است که هر دابه که صاحبش خواهد بر او سوار شود
در آنوقت میگوید اللهم اجعله بی رحیما یعنی خداوندا او را بر من مهربان
گردان در چند حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که بر کوهان هر شتری شیطان
نشسته است آن را بکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا بران ببرید در وقت سوار شدن
و بار کردن و از حضرت صادق ع منقول است که هر که بر شتر بارداری سوار شود
و خود را از آن بلند اندازد در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث
دیگر فرمود که هرگاه چهارپای در زیر کسی بسر آید و صاحبش باو بگوید تعست یعنی
هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصانا للرب یعنی هلاک شود هر که نافرمانی پروردگار
خود بیشتر کرده است در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که اگر دابه رم

کند ان را

۱۱۳ کند آن را بزنید و در سر آمدن مزنید آن را و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهار
پا بر روی یکدیگر مگذارید یا آنکه بیکی بب میلی مکنید و پشتش مجلس مکنید که ایستاده
بر او آن صحبت مدارید بلکه وقتی که راه نرود فرود آئید و چون خواهید براه روید
سوار شوید و از حضرت علی ابن الحسین ع منقول است که حیوانات از چهار چیز
غافل نمی باشند پروردگار خود را می شناسند و هر که را می دانند و نر و ماده را
می شناسند و چراگاه خود را میدانند و از حضرت صادق ع منقول است که از
آن پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم برای راه رفتن فرمود که اگر بانه روشنی
که در وقت جو بطویله خود میرود نرود آن را بزن فصل سیم در آداب
زین و لجام بدانکه احوط و اولی آن است که زین و لجام چیزی از طلا و نقره نباشد
و سنت است که بالش میان زین و ترکه که برای آب اندازند و قطیفه که بر رو
ی اشتر اندازند و سوار شوند حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار
شدن کراهت شدید دارد و در احادیث معتبر وارد شده است که از جمله علامات
بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آن است که زنان بر زین سوار شوند و بروایت
حسن از حضرت صادق ع منقول است که زین مرکب ملعون است برای زنان
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه سلام منقول است که جایز نیست زنان
را سوار شدن بر زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و از حضرت امام ع منقو
ل است که در بینی هر چهارپا شیطان هست چون خواهید که آن را لجام کنید بسم الله
بگوئید در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که چهارپائی که چموش کند
در وقت لجام کردن و غیر آن یا رم کند در گوشش اگر بگذارد و اگر نه بر آن بخوانند
این آیه را أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

والْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ فصل چهارم در ادعیه و آداب
سواری بسند معتبر از حضرت رسول ص منقول که چون کسی بر چهارپایی سوار شود بسم الله
بگوید ردیف او میشود و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن
بسم الله نگوید شیطان ردیف او میشود و باو میگوید بخوان و اگر نتواند خوانندگی کرد
باو میگوید که آرزوهای باطل محال بکن پس او پیوسته در آرزوست تا پایین آید و فرمود
که هر که در وقت سواری بگوید اینها بِسْمِ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللهُ سُبْحَانَ الَّذِي
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود
آید در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آیا شرم نمی‌کنید
کسانی بر روی چهارپای خود خوابند تکیه کنند و آن در زیر شما تسبیح پروردگار
خود میگوید و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود که چهارپای
را هرگز بسر در نیاید زیرا که هرگز بی برروی زمین کسی آن را نزد اندم و کشت
زور کسی را پامال نکردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث
این فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت در حدیث معتبر از حضرت موسی
ابن جعفر ع منقول است که تند راه رفتن حسن مؤمن را میبرد در حدیث حسن از
حضرت رسول ص منقول است که زنان باید در کنار راه بروند در میان جاده نروند
در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پای
برهنه احق است بمیان راه از کسی که کفش پوشیده است در حدیث معتبر منقول
که حضرت امام زین العابدین ع چنان به هموار راه میرفتند که گویا مرغ بر سر
آنحضرت نشسته است و میترسد که پرواز کند و دست آن حضرت بر دست چپ
پیش نمی‌گذشت در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هر که راه رود
برروی زمین از روی خیلاء و تکبر لعنت کند او را زمین و آنچه در زمین است و آنچه

در بالای زمین است

در بالای زمین است در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود از روی تواضع و
شکستگی در شود حق بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود
و هزار درجه برای او بلند شود و فرمود که برداشتن عصا پریشانی را برطرف میکند و
شیطان نزدیک او نمی‌آید و در راه با مردم بسیار سخن مگو که خلاف ادب است و اکثر
راهها کمینگاه شیطان است از مکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت
خدا باشد و راه رفتنت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خداست بدرستی که جمیع
حرکات تو در نامه عملت نوشته شود فصل ششم در نگاه داشتن شتر و گاو و گو
سفند در حدیث معتبر منقول است که از حضرت رسول ص پرسیدند که کدام مال
بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکارد و در وقت درو کردن حق خدا را بدهد گفتند
بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است فرمود که شخصی گوسفندی چند داشته باشد در هر
جا که آب علف باشد آنجا بچراند و نماز را بجا آورد و زکات مال خود را بدهد گفتند
که بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاوی که بامداد و پسین شیر میدهد
گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو برده اند و خشک
میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالی است درخت خرما هر که آن
را بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلندی بر باد تند رها کند
مگر آنکه بعوض آن درخت خرمای دیگر بخرد پرسیدند که بعد از درخت خرما دیگر کدام
مال بهتر است حضرت جواب نفرمودند در حدیث دیگر فرمودند که نه عشر روزی در
تجارت است و یک عشر آن در نگاه داشتن گوسفند است و از حضرت رسول ص منقول
است که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان
هر پنج شتر شیطان هست فصل هفتم در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات
در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون کنیزی

بخواهی بخری بگو اللّهمّ انّی استشیرک واستخیرک و چون حیوانات خوا
هی بخری بگو اللّهمّ قدّر لی اطولهنّ حیاتاً واکثرهنّ منفعةً وخیر
هنّ عاقبةً و در حدیث صحیح منقول است که علی ابن جعفر از حضرت موسی ع
سؤال کرد که آیا دابّه میتوان بر رویش زد و بر رویش داغ میتوان کرد فرمود باکی نیست
یعنی حرام نیست امّا مکروه است و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقول است
شخصی پرسید از داغ کردن روی گوسفندان فرمود که داغ را در گوش ایشان بزنید
و از حضرت رسول ص منقول است که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی شیر
در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که تمام را اگر بدوشند شیر دیرتر می آید

فصل هشتم در بیان مجمل احوال و اقسام حیوانات در احادیث معتبره از حضرت
صادق ع منقول است که هیچ مرغ و حیوانی در دریا و صحرا شکار کرده نمیشود مگر آنکه
آن تسبیحی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و
درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم برادرش را کشت پس از یکدیگر
نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت یعقوب بفرزند خود گفت که زنا مکن که مرغی که زنا میکند پر و بالش میریزد
و از حضرت امام حسین ع منقول است چون طاوس فریاد میکند میگوید ای فرزندان آ
دم هر روش که زندگانی کنید آخرش مرگ است و باز خدا میکند میگوید که ای دانای
پنهان وای رفع کنندهٔ بلاها و طوطی میگوید که بر خود ظلم و ستم کردم و مغرور بزینت
خود شدم بیامرز مرا و دراج میگوید الرّحمن علی العرش استوی و خروس
میگوید ای خداوند حق توئی حق و گفتهٔ تو حق است و باشه میگوید ایمان آوردم بخدا
در روز قیامت و کرکس میگوید توکل کن بر خدا تا ترا روزی دهد عقاب میگوید
توکل کن بر خدا هر که اطاعت خدا کند بدبخت نمیشود و شاهین میگوید

سبحان الله

سبحان الله حقاً حقاً و جغد میگوید که در دوری از مردم انس بیشتر است کلاغ
می گوید که ای روزی دهنده روزی حلال بفرست و کلنگ میگوید خداوندا نگاه دار
از شر دشمنی مرا و لک لک میگوید که هر که از مردم دیوانه و تنها شد از آزار ایشان
نجات یافت و اردک میگوید آمرزش ترا می خواهم ای خداوند و هدهد میگوید
چه بسیار شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری می گوید ای دانای پنهان و
آشکار ای خدا و دبسی میگوید که سینه بقوری است و مرغ زنک است توئی خداوند و غیر از تو
نیست ای خدا و گنجشک میگوید که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا بخشم
آورد و بلبل میگوید لا اله الّا الله حقاً حقاً و کبک میگوید که نزدیک است حق
نزدیک است و سماناً میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ و فاخته میگوید یا
واحد یا احد یا فرد یا صمد و سبزه قبا میگوید مولای من قبول کن توبه جمیع
گناهان مرا و کبوتر خانگی میگوید که اگر گناه مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود
و شترمرغ میگوید که معبودی بغیر از خدا نیست و پرستک سوره حمد می خواند و باز می
گوید ای قبول کنندهٔ توبهٔ توبه کاران بره می گوید که مرگ بس است برای پند گرفتن
و بزغاله میگوید که مرگ زود بمن رسید و گناهم سنگین و بسیار شده و شیر می گوید
که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام باید کرد و گاو میگوید دست از گناه بدار
که تو در پیش خداوندی هستی که او ترا می بیند و او ترا نمی بیند و او خداوند
عالمیان است و فیل میگوید که برای رفع مرگ قوّت و چاره و سودی نمی بخشد
و یوز میگوید یا عزیز یا جبّار یا متکبّر یا الله و شتر میگوید که منزّه
است پروردگاری که ذلیل کنندهٔ جبّاران است تنزیه میکنم او را و اسب
میگوید منزّه است پروردگار و گرگ میگوید که هر چیز را که خدا حفظ کند هرگز

صانع نمی شود و شغال میگوید عذاب و ویل برای گناهکاری است که بر گناه خود مُصِر باشد
و سگ می گوید بس است معصیتهای خدا برای خواری و خرگوش می گوید هلاک مکنید مرا ای
خدا ترا است حمد و روباه میگوید دنیا خانه فریب است و آهو میگوید نجات بده مرا
از آزار و کرکدن میگوید بفریاد من برس اگر نه هلاک می شوم و پلنگ میگوید منزه است
پروردگاری که عزیز است و مار می گوید که چه بسیار بدبخت است کسی که ترا نافرمائی
ای خداوند بخشنده و عقرب میگوید که بدی بد چیز است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی
نیست مگر آنکه او را تسبیح هست چنانچه خدا فرموده است وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ
بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه خدا را تسبیح
میگوید و بحمد و ثنای او ملتبس است و لکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقول است که حیواناتی که مسخ شده اند دوازده صنف اند
اما فیل پس پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد و خرس اعرابی بادیه نشینی
که دیوثی می کرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غسل از حیض و جنابت
پرهیز نمی کرد و شب پره خرمای مردم میدزدید و سهیل مردی بود که در یمن عشّار
می کرد و زهره زنی بود که هاروت و ماروت از او فریب خوردند و میمون و خوک جمعی
بودند که از بنی اسرائیل در روز شنبه شکار می کردند و اما سوسمار و جلپاسه گروهی بودند
از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی ع مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند
و مسخ شدند پس یک گروه از ایشان بدریا فرو رفتند و دیگر بصحرا اما عقرب مرد
سخن چینی بود اما زنبور قصابی بود که در ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر
منقول است که خرس زنی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال حا
جیان میدزدید و عنکبوت زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد و در عوض مرد سخن چینی
بود که در میان دوستان جدائی می انداخت و مار و ماهی دیوث بودند و شب پره

از سر درخت

از سر درخت خرما میدزدید و میمون یهود ایله بودند که ماهی در شنبه شکار میکردند و خوک
جماعتی بودند که ایمان بمائده آسمانی نیاوردند و از حضرت امام رضا ع منقول است
که موش گروهی از یهودان بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و پشه شخصی بود که
استهزا به پیغمبران میکرد و شپش از جهت مسخ شد و روز پیغمبری از پیغمبران بنی اسرا
ئیل نماز میکرد یکی از بیخردان بنی اسرائیل آمد در برابر او استهزا باو کرد بصورت
شپش مسخ شد و جلپاسه جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدا
دند و با ایشان دشمنی میکردند و در حدیث دیگر منقول است که خارپشت مرد کج خلق
بود و در بعضی از روایات وارد شده است که زهره و سهیل که مسخ شده اند این دو
ستاره نیستند بلکه دو جانورند و در دریای محیط میباشند و در روایت معتبره وارد
شده است که هر یک از بنی آدم که می میرند بصورت جلپاسه مسخ میشوند و فرمود
که هرگاه جلپاسه را بینید غسل بکنید و در روایت معتبره منقول است که آنها که مسخ
شده اند زیاده از سه روز نماندند و مردند و حق تعالی بصورت آنها حیوانات چند
خلق فرمود که گوشت آنها را حرام کرد تا دیگران عبرت بگیرند از دیدن اینها مثل عمل
آنها نکنند و از حضرت رسول ص منقول است که حق تعالی هفتصد امت را مسخ
کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت پیغمبران ایشان نکردند پس چهارصد صنف ایشان
بصحرا رفتند و سیصد صنف ایشان بدریا رفتند غرق شدند فصل نهم در فضیلت
تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که نیکو یاوری است بر پرهیزکاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت امام جعفر صادق
ع منقول است که خیری نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع کند که بآن مال
روی خود را از سؤال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند
و از حضرت رسول ص منقول است که ملعون است کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد

و در حدیث حسن منقول است که شخصی از حضرت صادق ع پرسید که ما طلب دنیا را
میکنیم و امید هم داریم که مال دنیا بما رو کند فرمود برای چه میخواهی انرا گفت برای
انکه خرج عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق دهم و حج و عمره بکنم فرمود که مال برای اینها
کسب کردن طلب دنیا نیست بلکه طلب اخرت است در حدیث معتبر از حضرت امیر
المؤمنین ع منقول است که حق تعالی خطاب نمود بحضرت داود که نیکو بنده
بودی تو اگر از بیت المال نمیخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب
رسید حضرت داود ع چهل روز گریست پس حق تعالی باهن وحی فرمود که نرم شو برای
بندهٔ من آهن پس در دست آن حضرت نرم شد مانند موم پس هر روز یک زره
بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا انکه سیصد و شصت زره ساخت و از
بیت المال مستغنی شد و در حدیث معتبر از حضرت محمد باقر ع منقول است که کسی طلب
کند برای انکه از مردم سوال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و با همسایگان خود
احسان کند در روز قیامت روی او مانند شب چهارده باشد و از حضرت رسول
ص منقول است که عبادت هفتاد جزو است بهترین انها طلب حلال است در حدیث
دیگر فرمود که هر که شب بخوابد و وا مانده از طلب حلال باشد چون شب بسر آید امرزیده
شده باشد و در احادیث معتبره منقول است که چون در دکان خود را گشودی و متاع
خود را پهن کردی و انچه بر تو بود کردی دیگر بر خدا توکل کن در احادیث معتبره از
انحضرت منقول است که خدا روزی مؤمنان را از جای چند مقرر فرموده است که گمان
نداشته باشد برای انکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجا میباشد دعا بسیار
میکنند در احادیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که تجارت کردن عقل را
زیاد میکند و ترک تجارت کردن عقل را کم میکند حضرت امام موسی ع فرمود
بتاجری که بامداد دیر بسوی چیزی که موجب عزت توست یعنی بازار فصل دهم

در بیان آداب

در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که بر منبر فرمودند
که ای گروه سوداگران اول باید یاد گیرید مسایل تجارت پس بعد از ان مشغول تجا
رت شوید والله که ربا در این امت مخفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ
سخت و قسم دروغ مخورید براستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسیکه
حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول ص منقول است که هر که بخرد و بفروشد
باید از پنج چیز اجتناب کند از خوردن سود و قسم خوردن و متاع را پوشانیدن و مدح عیب
کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی که بخرد و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع منقول است که هر که در بامداد پیش که ببازار رود و چون پا در بازار
گذارد بگوید اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها حق تعالی ملکی را باو
موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس ملک باو
گوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار امروز روزی تو شد
خیر این بازار و اهل این بازار بامر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا ر
سول الله صلی الله علیه و آله عبده و رسوله اللهم
انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من
ان اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین
کاذبة چون این دعا بخواند ملکی که باو موکل است میگوید که بشارت
باد ترا که امروز در این بازار کسی از تو بهتر و بهره اش از تو افزون تر نیست
تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی از خود گناهان را و بزودی

می‌آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو کرده است حلال طیب و مبارک و در حدیث
معتبر دیگر منقول است که هر که در بازار بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ حق تعالی هزار هزار
حسنه برای او بنویسد و از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در وقت داخل شدن
بازار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ
لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ
الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بعدد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت
باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث معتبر منقول است از حضرت پیغمبر صلعم که بدترین
بقعه‌های زمین دنیا بازارهاست و آنها میدان شیطانند هر روز بامداد شیطان علم خود
را در بازارها می‌زند و کرسی خود را میگذارد و بر آن می‌نشیند و فرزندان خود را
پهن میکند که یکی فریب میدهند که ترازو را کم می‌کشد و دیگر کیل را کم میکند و دیگری گز را
میدزدد و دیگری رأس المال را دروغ میگوید پس میگوید فرزندان خود را که بر شما باد بجماعتی
که پدر ایشان مرده است یعنی آدم و پدر شما زنده است پس اول کسیکه داخل بازار
می‌شود شیطانست و آخر کسیکه بیرون میرود از آن شیطانست و بهترین بقعه‌های
زمین نزد خدا مسجدهاست و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد
رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن‌ترین مردم نزد خدا کسی
است که زودتر ببازار رود و دیر بیرون آید و از حضرت صادق ع منقول است
که مکروه است چیزی از مردم که کار بر ایشان بسته شده باشد که سودای با ایشان برکت
ندارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان
که حق تعالی پرده از ایشان برداشته است و در حدیث معتبر وارد شده است که معا
مله مکنید با جماعتی که مرضهای مسری دارند مانند خوره و پیسی و در احادیث
دیگر فرمود

دیگر فرمود که با نو کیسه سودا مکنید و با کسی سودا بکنید که در مال نعمت نشو و نما کرده باشد
در حدیث دیگر فرمود که با مردمانی که از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارد سودا
مکنید و در حدیث صحیح دیگر فرمود که از ما نیست کسی که فریب دهد مؤمنی را در
حدیث حسن منقول است که حضرت امام موسی ع بهشام فرمود که در تاریکی و زیر سقف
متاع فروختن که متاع تمامی نماید و آن غش است و غش کردن حلال نیست
و فرمود که کسی که بخرد مگر بقسم و بفروشد مگر بقسم کردن حق تعالی در قیامت نظر
رحمت بسوی او نمی‌فرماید و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که از تجار
که قسم نخورید اگرچه متاع را روا میکند اما برکتش را می‌برد و از حضرت رسول صلعم
منقول است که کسی که میخرد نشد و میخرد روزی می‌یابد و کسی که نگاه میدارد برای
آنکه گران شود ملعون است و فرمود که قافله که متاع آورد کسی او را بیرون شهر
استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شوند و شهری وکیل نشود در خریدن و فروختن
بادیه‌نشینان خدا بعضی از مسلمانان را بسبب بعضی دیگر روزی میدهد در حدیث
معتبر منقول است که حضرت صادق ع با سحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی
مده که صراف از ربا سالم نمی‌ماند و بکفن‌فروشی مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم
می‌کنند و بسیار مردن مردم او را خوش می‌آید و بجو و گندم فروشی مده که سالم نمی‌ماند
از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم از دلش برطرف میشود و بکسی
که سنگین دل است از خدا دور است و ببنده‌فروشی مده که بدترین کسی است که مردم را فروشد
و از حضرت رسول صلعم منقول است که فرمود که بجانه خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از
آنکه او را بقصابی یا حجامت‌گری یا زرگری بدهد و در احادیث دیگر منقول است که اگر
مزد حجامت را اول شرط نکند و آنچه بعد از آن بدهد حجامت بدهند باکی نیست و در بعضی
از اخبار مذمت جولاهی وارد شده است در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت

صادق ع پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بران مگیر گفت که کتابهای شعر
و رسالها و مثل اینها میخوانند اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود بلی اما بشرطی که اطفال
تو برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهد در حدیث دیگر منقول است که با آنحضرت
عرض کردند که سفیانان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان
خدا میخواهند که اطفال مردم قران یاد نگیرند اگر کسی دیه فرزند خود را بمعلم بدهد بر او حلال
است و بهتر آن است که اول شرط مزد نکند و آنچه بدهند بگیرند در احادیث معتبره وارد
شده است که چون قرآن را فروشید کاغذ و جلد را بفروشید و قصد فروختن نوشته مکنید
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برای
کسب کردن و دیده خود را بهره از خواب ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل
بر کراهت شدید کرده اند در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که هر که خود را
بعنوان نوکری بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده و خود را از روزی
خدا محروم گردانیده است فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و درخت
کاشتن از علی بن ابی حمزه منقول است که حضرت امام موسی ع را دید که در زمین خود
کار میکردند و پاهای آنحضرت در عرق فرو رفته بود گفت فدای تو شوم خدمت
کاران کجا رفته اند که تو خود این کار میکنید فرمود که با بیل در این زمین کار کرده است
کسیکه بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین
و تمام پدرانم بدست در زمین کار کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صا
لحان است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی برای
پیغمبران شغل زراعت کردن را اختیار نموده است تا از آمدن باران کراهت
نداشته باشند دیگر فرمود در حدیث دیگر که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر
پستان حیوانات قرار داده است تا از قطره باران آسمان کراهت نداشته باشند

و در حدیث

و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین ع منقول است که بهترین اعمال
زراعت است که از آن نیکوکار و بدکردار میخورند اما نیکوکار آنچه میخورد
برای تو استغفار میکند و اما بدکردار از آنچه میخورد او را لعنت میکند و حیوانات
و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق ع منقول است که کیمیای بزرگ زراعت
کردن است در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان کنوز روزی پاکیزه خدا اند
میفرماید و ایشان در قیامت جایگاهشان از سایر مردم نیکوتر است و منزلت
ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را در آن روز مبارکه میخوانند و حضرت
امیر المؤمنین ع هزار غلام از ید خود خریدند و آزاد کردند فصل دوازدهم
در آداب زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
ع منقول که چون حضرت آدم بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس
بجبرئیل شکایت کرد جبرئیل ع گفت که زراعت بکن در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقول است که چون دانه را بپاشی بگو اللّٰهمّ قد بذرتُ و انت
الزّارع فاجعله حبّاً متراکباً و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت
نشانیدن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث
که انشاء الله خطا نکند و از حضرت صادق ع منقول است که هر که درخت خرما
خوب بر دارد و خرما پیش نیکو شود ماهیهای کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب
کند و در هر شکوفه اندکی بپاشد و باقی را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت
خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که درخت میوه را
خبر بدید که عذاب بر شما نازل شود و از حضرت رسول ص منقول است که حضرت
عیسی ع بشهری گذشتند در میوههای ایشان کرم بسیار بود در این باب

بان حضرت شکایت کردند فرمود که چون درخت میکارید اول خاک بریزید
و بعد از آن آب میدهید باین سبب کرم در میوها بهم میرسد بعد از این اول آب بریزید
و بعد از آن خاک بریزید چنین کردند کرم از میوهاشان برطرف شد و از حضرت
صادق منقول است که هر که درخت را آب بدهد چنان است که مؤمن را آب داده
است در حالت تشنگی و فرمود که حق تعالی هیچ درختی خلق نکرده است مگر آنکه
میوه داشت که میتوانست خورد و چون مردم از برای خدا فرزند قائل شدند
میوهٔ بعضی درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند درختان خار
بهم رسانید باب چهارم در آداب سفر فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد
و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق منقول است که در حکمت
آل داود نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که در آن تو
شهٔ آخرت در آن حاصل شود یا سفری که باعث مرمت امور معاش گردد یا سفری
که از برای لذتی باشد که حرام نباشد در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست از
عذاب چون کار کسی در سفر ساخته شد زود باهل خود برگردید در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که هر که ارادهٔ سفری داشته باشد باید که در روز شنبه سفر
کند که اگر سنگی از کوهی جدا گردد در روز شنبه البته خدا بجای خود برگرداند و هر که
کارها براو دشوار شود در روز سه شنبه طلب کند که آن روزی است که آهن
برای حضرت داود ع نرم شده است و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص که آن
حضرت روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه خدا و رسول
ملائکه را دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است
که مکروه است سفر کردن و سعی کردن در حوائج کردن در بامداد روز جمعه
از برای آنکه مبادا از نماز بامداد بازماند اما بعد از نماز از برای تبرک
خوب است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت

(۷۱) رفائم